

هیأت / ۳

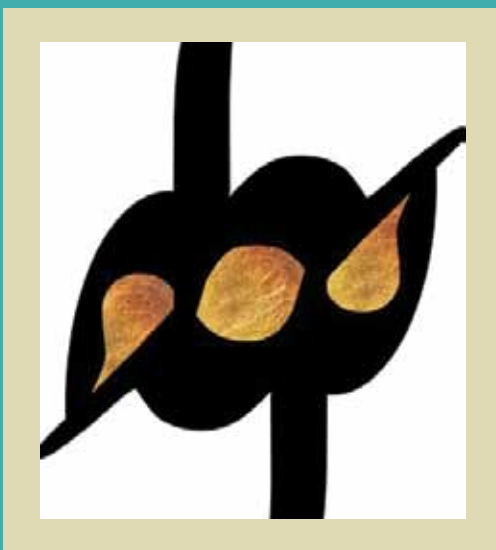
- صلوات / شیعه علی؛ حقیقت‌گرا یا شخصیت‌گرا؟! ■ ۴
- کوچه / کانون‌های شاعران و مداحان، چشم‌انتظار حمایت ■ ۵
- پرچم / خون ما ارزانی حریم هیأت‌ها ■ ۶
- کوچه / خیلی از حرف‌های این‌ها دروغ است ■ ۸
- دیدار برخی از وعاظ و مداحان با آیت‌الله وحید خراسانی ■ ۹
- پیرغلام / شعاریا شعور در شیعه‌گری ■ ۹
- زمینه / جنجال در تاریخ ■ ۱۰
- هیأت / سرزمین منا در ایران ■ ۱۲
- آداب / احکام عزاداری ■ ۱۴
- تکیه / افشاگرانه‌ترین فریاد اعتراض تاریخ ■ ۱۵
- تکیه / نمونه‌راستین یک زن مسلمان ■ ۱۶

هنر و ادبیات آیینی / ۱۹

- زمزمه / هیچ‌بن‌هیچ اهل هیچ‌مدان ■ ۲۰
- بخوان بار دگر آیه‌ی قرآن و بگو ذکر خدا ■ ۲۱
- دورها آوایی هست / مرثیه‌ی آفتاب ■ ۲۲
- زمزمه / بانوی آب و آیینه ■ ۲۴
- خیمه هنرمندان / عاشورا، سیما، سینما ■ ۲۶
- اخبار کوتاه ■ ۲۹
- به خاطر محرم ■ ۳۰

تاریخ و اندیشه / ۳۱

- شمرشناسی ■ ۳۲
- مقتل‌نگاری ■ ۳۳
- اربعین سیدالشهداء (ع) ■ ۳۶
- بازکاوی نسخه‌های خطی زیارت عاشورا ■ ۳۸
- شیعه زیر سایه کوفه ■ ۴۲
- ولایت: مظهر عشق الهی ■ ۴۵
- آتشکده نیر ■ ۴۶



جامعه / ۴۷

- زمینه / فرهنگ خواص و فرهنگ عامه ■ ۴۸
- از پنجره نگاه شما / خطر عوام‌زدگی در دین ■ ۵۰
- زمینه / پاسداری از حریم مراسم آئینی عاشورا ■ ۵۲
- هیأت / آئین طوق‌بندان در شهر شاهرود ■ ۵۸
- خبر و گزارش / ۵۹
- پرچم / اخبار کوتاه ■ ۶۰
- شورای عالی رسیدگی به امور عتبات عالیات در کربلا ■ ۶۳
- پرچم / بازسازی حرمین عسکریین و نصب ضریح موقت ■ ۶۴
- اربعین (ویژه‌نامه چهلمین شماره خیمه) / ۶۵
- چلچلی ■ ۶۶
- خاص برای خاص ■ ۶۷
- به امید چهارصدمین شماره ■ ۶۸
- از پنجره نگاه شما ■ ۶۹
- اربعین خیمه ■ ۷۲

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیر مسئول: مرتضی وافی
همکاران این شماره: محمدجواد اسماعیلی‌نژاد
فاطمه ایدوست / جلال بیطرفان / محمدعلی
بیطرفان / بدالله جباری / جواد جواهری /
الهام حسینی / فرامرز رحمانی / جواد محمدی
حسین سخنور / مجید سلیمیان / مرتضی
کاردر / ابراهیم مرتقی قاسمی / سیدجلال
محمودی / امیر عیسی ملکی
گروه ویرایش و تصحیح:
داود بهلولی / سید حجت سجادی زاده
طراح نامواره: حمید عجمی
صفحه‌آرا: مهیار سپهری
طرح روی جلد: مجید زارع

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید
خیمه در ویرایش و تلخیص آزاد است
عودت مطالب از سالی امکان پذیر نمی‌باشد
بهر است جهت مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید
چاپ: رواق / تیراژ: ۳۰۰۰۰

با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی
معاونت فرهنگی و تبلیغ



نرسیده به تقاطع استاد نجات‌اللہی، ساختمان شماره ۲۱۳، طبقه چهارم، واحد ۹
www.kheimh.com پست الکترونیک: info@kheimh.com

دفتر ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه،
تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰ آدرس الکترونیکی:



مرتضی وافی



مناسبت‌های مذهبه مذهب‌های مناسبتی

تعریف و از «متولیان فرهنگی» مطالبه نمود.^۵



■ برنامه‌ریزی و «نظارت بدون تصدی‌گری» در این‌گونه مناسبت‌ها و نوع رفتارهایی که شایسته و بایسته آن است، یکی از وظایف مهم مجریان فرهنگی جامعه است تا با حرکتی هدفمند، غیرمستقیم و به‌دور از هیاهو، اجبار و جوردگی در تعمیق باورها و ارزش‌های دینی جامعه به ویژه نسل جوان گام بردارند.



به یقین آن‌چه جامعه و فضای آیینی آن را در مناسبت‌های مذهبی به مذهب‌های مناسبتی که همان سطحی‌نگری، عوام‌زدگی و دین‌داری مقطعی است می‌کشاند، آفات و انحرافات است که محافل و مجالس مذهبی فرهنگ‌ساز ما رنج داده و سال‌های سال زمینه‌های بهره‌برداری دشمن و خوراک تبلیغاتی فرهنگ‌سوزان را فراهم می‌آورد که شاید در مجالس دیگر بتوان به برخی از آنها اشاره نمود.

انشاءالله

پی‌نوشت:

- ۱- پارسا، محمد، روانشناسی کودک و نوجوان
- ۲- اعراقی، علیرضا، تربیت دینی ج ۲
- ۳- و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب، سوره حج آیه ۳۲
- ۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۶
- ۵- سخنرانی مقام معظم رهبری در سال ۷۰ در جمع مداحان

دقت و تأمل در آن، توان درک و فهم جلالت خداوند، عظمت دین، روح مذهب و مقام اهل بیت را مهیا خواهد کرد.^۴



■ گرچه پاسداشت و تکریم «مناسبت‌های مذهبی» مانند فاطمیه، رمضان، اعتکاف، محرم، ولادت‌ها و شهادت‌ها و حتی نماز جمعه - که از جمله شعائر الهی است - به نوعی در رفتارهای آیینی جامعه ما در سطحی گسترده به چشم می‌خورد، اما این خود شرایط و ویژگی‌هایی را می‌طلبد که در آینده به آن خواهیم پرداخت. نکته مهم آن است که به یقین می‌توان با تکیه بر چنین فضاها و فرصت‌هایی که بسیاری از مکاتب و جوامع از آن محرومند به جامعه‌ای رسید که مذهبش برای سالیان متمادی در فرهنگ رفتاری افراد آن جایگاه داشته و تعمیق باورها و ارزش‌های دینی را نوید می‌دهد.

از این جهت باز کاوی مقوله‌های مهمی چون توسل، اشک، شادی و نشاط دینی، دعا و زیارت و حتی رفتارهایی چون سینه‌زنی، نوحه‌خوانی و برنامه‌هایی مانند مجالس ختم، یادواره‌ها، سوگواره‌ها، و کنگره‌ها، از جمله فعالیت‌هایی است که می‌توان در بالاترین سطوح فکری مدیریت فرهنگی جامعه

یکی از عناصر و مولفه‌های فرهنگ عبارت است از «ارزش‌ها»، آن‌هم ارزش‌های که در شکل‌گیری شخصیت فرد و تعیین مسیر کلی و اصلی جامعه نقش دارد.^۱

نکته مهم آن است که گرچه آداب و رسوم و مناسک آیینی معلول باورها و ارزش‌ها هستند اما در مقام تاثیرگذاری و نفوذ، این آداب و رسوم هستند که بر ارزش‌ها و باورها در فضای جامعه و فرهنگ‌سازی تقدم دارند.

از این روست که تمامی «کانون‌های تاثیرگذار» مانند خانه و خانواده، مدرسه، دوستان، رسانه‌ها، موسسات و نهادهای اجتماعی، مظهر و مجرای آداب و مناسک هستند که به تدریج ارزش‌ها و باورها را در شخصیت افراد جامعه عمق می‌بخشند و البته از آن‌سو نیز حاکمیت و رواج آداب و رسوم و رفتارهای ناسازگار با روح فرهنگ دینی موجب تضعیف عقاید، باورها و ارزش‌های دینی می‌شود.^۲



■ با دقت و تأمل در کلام وحی و متون دینی می‌توان دریافت که زمینه‌سازی تربیت دینی و حیات اجتماعی با مقوله‌ای به نام «تکریم و تعظیم شعائر الهی» شکل می‌گیرد.^۳

شعائر در برگیرنده زمان‌ها، مکان‌ها، نمادها، و نشانه‌ها و مناسبت‌هایی است که حضور و

ذاکر با اخلاص اهل بیت، پیر غلام امام حسین (ع)
جناب آقای حاج منصور ارضی

مصیبت از دست دادن عموی بزرگوارتان پس
از سالها نوکری و ارادت به آستان اهل بیت را
تسلیت می‌گوییم.

شاعر توانمند و مداح با اخلاص
جناب آقای حاج علی انسانی
تسلیت ما را در غم از دست دادن
فرزندتان پذیرا باشید.

مرکز مطالعات راهبردی خیمه
ماهنامه خیمه

هيات





حسین» در وصف آن گفته است: «پس از قرآن، هیچ کلامی از بشریت بدین پایه محکم و والا گفته نشده است: «همانا حقیقت بر تو اشتباه شده است. به درستی که حق و باطل را با میزان قدر و شخصیت افراد نمی توان شناخت. اول حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی و باطل را نیز بشناس؛ اهل آن برایت آشکار می گردد». کلام علی (ع) یعنی: اشخاص نباید مقیاس حق و باطل قرار گیرند. این حق و باطل است که باید مقیاس اشخاص و شخصیت آنان باشد. و تمام؛ سخن کوتاه، اما بس عظیم و بلند بود.

به بلندای حقیقت و تاریخ! این سخن یعنی معیاری برای تشخیص پیروان علی (ع) از غیر! و به همین دلیل است که اگر به صدر اسلام بازگردیم، به روحیه خاصی برمیخوریم که آن، روحیه تشیع است و تنها آن روحیه ها بودند که می توانستند وضعیت پیامبر (ص) را در مورد علی (ع)، صد در صد بپذیرند و دچار تردید و تزلزل نشوند!

نقطه مقابل آن روحیه و طرز تفکر، یک روحیه و طرز تفکر دیگر بود که وصیت های رسول اکرم (ص) را با همه ی ایمان کامل به آن حضرت، با نوعی توجیه و تفسیر و تأویل نادیده می گرفت. در حقیقت، این انشعاب در اسلام از این جا به وجود آمد که یک دسته که اکثریت هم بودند، فقط ظاهر را می دیدند و دیدشان عمیق و تیزبین نبود که باطن و وقایع را ببینند. می گفتند: چون عده ای از بزرگان صحابه و سابقه داران اسلام به راهی روند، نمی توان گفت اشتباه کرده اند.

اما دسته ی دیگر که در اقلیت هم بودند، عقیده داشتند که در جایی که اصول اسلامی به دست همین سابقه داران پایمال شود، دیگر احترامی برای آن ها قائل نیستیم.

روح تشیع را کسانی به وجود آوردند که طرفدار اصول بودند، نه طرفدار شخصیت ها! علی بعد از پیامبر (ص)، جوانی سی و سه ساله است با اقلیتی کم تر از عدد انگشتان. در مقابلش پیر مرد های شصت ساله با اکثریتی انبوه و بسیار. منطق اکثریت این بود که راه بزرگان و مشایخ این است و بزرگان اشتباه نمی کنند و ما راه آنان را می رویم. اما منطق اقلیت این بود که:

آن چه اشتباه نمی کند، حقیقت است. بزرگان باید خود را با حقیقت تطبیق دهند.

سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد و عمار یاسر، مردانی بودند اصولی و اصول شناس، دیندار و دین شناس. در حقیقت، روح شیعیان صدر اسلام، روحی بود که اصول و حقایق بر آن حکومت می کرد، نه اشخاص و شخصیت ها! و از همین رو بود که شیعیان اولیه، مردمی منتقد و بت شکن بار آمدند.

چقدر فراوانند افرادی که شعارشان تشیع است، اما روح شان روح تشیع نیست. چرا که افرادی ظاهر نگر و شخصیت گر اینند. در حالی که مسیر تشیع، همانند روح آن، تشخیص حقیقت و تعقیب آن است.

شیعه علی حقیقت گرایان شخصیت گرا؟!!



در چکاچک شمشیرها و نیزه ها، در میان ولوله و شور جنگ و نبرد، در لابه لای نعره ها و فریادهای رزم آوران جنگ جمل، مردی سر به گریبان اندیشه فرو برده بود:

«خدایا! حق با کدامین طرف است؟ در یک سو، علی داماد پیامبر (ص)، سردار بزرگ اسلام، کسی که پیامبر (ص) در وصفش می فرمود: «علی مع الحق و الحق مع علی»؛ با جمعی از یاران صدیق پیامبر است؛ و در سوی دیگر «ام المؤمنین عایشه» و دو تن از صحابه ی بزرگ پیامبر، «طلحة الخیر» مرد خوش سابقه اسلام و زبیر «سیف الاسلام» دلاور میادین نبرد صف بسته اند. آیا می شود هر دو گروه بر حق باشند یا هر دو باطل؟!... به راستی کدام یک بر حق است؟»

سرانجام چاره ی کار در این دید که جواب را از علی (ع) باز جوید که «باب مدینه العلم» بود: «آیا ممکن است طلحه و زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند؟» و علی (ع) در پاسخ، جوابی داد که دانشمند سنی مذهب مصری، دکتر «طه

است. قرار است جلسه‌ای با معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی در تهران داشته باشیم و برنامه‌های کانون را ارائه کنیم. به نظر بنده اگر قرار است خواسته مقام معظم رهبری اجرا شود، تنها نباید به تشکیل کانون اکتفا شود، بلکه باید از این حرکت حمایت شود و ادامه پیدا کند تا به نتیجه برسد. در خصوص حمایت از کانون نیز باید بگوییم اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی، آن‌چه در توانش بوده، کمک کرده است ولی نیازهای ما بسیار فراتر از این‌هاست و ما با این اعتبارات ناچیز واقعاً نمی‌توانیم هیچ حرکتی انجام دهیم. اگر مشکلات مان با جلسه‌ای که با سازمان داریم حل نشد، باید راه دیگری پیدا کنیم.

■ برنامه‌های آینده کانون مداحان و شاعران چیست؟

■ رسالت خطیری که فعلاً دنبال آن هستیم و دغدغه حال حاضر مقام معظم رهبری و مراجع تقلید و فرهیختگان نظام است، سروسامان دادن به امور مداحی می‌باشد. سعی داریم از وارد شدن مقوله‌های انحرافی و گزاف که پشتوانه‌ی الهی و وحیانی ندارد، به جلسات مداحی و محافل اهل بیت (ع) جلوگیری کنیم که در واقع این بزرگ‌ترین هدف ماست.

■ در کانون با چه مشکلاتی گریبان‌گیر هستید و آیا از کانون حمایت مادی می‌شود یا خیر؟
 ■ ما در حال حاضر مشکلات زیادی داریم و هنوز اعتباری برای کانون در نظر گرفته نشده



■ آقای مجاهدی! هدف از تشکیل کانون مداحان و شاعران چیست؟

■ هدف اصلی از تشکیل این کانون، ساماندهی امور مداحی و ستایشگری اهل بیت (ع) است.
 ■ کانون مداحان و شاعران قم چه مدت زمانی است آغاز به کار کرده و چه تعداد عضو دارد؟

■ حدود ده ماه است که این کانون در قم تشکیل شده و در طی این مدت، ۲۴ جلسه برگزار کرده‌ایم. بیش از ۵۰۰ مداح و شاعر آیینی به عضویت کانون درآمده‌اند و در حال حاضر بانک اطلاعات مداحان و شاعران آیینی استان، شامل سوابق، تحصیلات، موقعیت اجتماعی و آثار تألیفی این افراد تهیه شده است.

■ کانون تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟

■ بعد از تنظیم اساسنامه و تعیین خط مشی، ابتدا سعی کردیم مشکل بیمه‌ی مداحان و شاعران استان قم را حل کنیم. تاکنون بسیاری از اعضا زیر پوشش بیمه قرار گرفته‌اند.

■ آیا به منظور ارتقاء سطح فعالیت‌های مداحان و شاعران، اقداماتی صورت گرفته است؟

■ بله، در این زمینه کلاس‌های آموزشی مختلف، مانند آموزش اخلاق اسلامی، آموزش فنون مداحی و شاعری و جلسات آسیب‌شناسی شعر آیینی و ستایشگری ائمه اطهار (ع) و ویژه‌ی اعضای کانون برگزار می‌شود. هم‌چنین قرار است کار پژوهشی مستقلی پیرامون شعر آیینی صورت بگیرد و بهترین‌های شعر آیینی در مناسبت‌های مختلف سنجیده، جمع‌آوری، و در اختیار مداحان قرار گیرد.

کانون‌های شاعران و مداحان، چشم انتظار حمایت

گفت‌وگو با استاد محمدعلی مجاهدی

سازمان تبلیغات اسلامی به منظور انسجام شاعران و مداحان اهل بیت (ع) و نیز ارائه‌ی آموزش‌های لازم به آن‌ها، اقدام به تشکیل کانون مداحان و شاعران در نقاط مختلف کشور نموده که این امر در بیشتر استان‌ها مورد استقبال قرار گرفته است. بسیاری از مداحان و شاعران در گفت‌وگو با خیمه، ضمن ابراز خرسندی از تشکیل این کانون، معتقدند با آموزش‌های لازم و انسجام بیشتر مداحان، می‌توان از آسیب‌هایی که گریبان‌گیر برخی از مداحی‌ها شده، جلوگیری کرد. در عین حال مداحان و شاعران امیدوارند با عضویت در کانون مداحان و شاعران، برخی از مشکلات‌شان از جمله بیمه حل شود. در همین رابطه گفت‌وگویی با محمدعلی مجاهدی، رئیس هیأت‌مدیره انجمن مداحان و شاعران استان قم که خود از شاعران پیشکسوت کشور هستند، انجام داده‌ایم.



خون ما ارزانی جزم هیأت‌ها

گزارشی از مراسم بزرگداشت شهدای حسینیه شهدای شیراز در قم



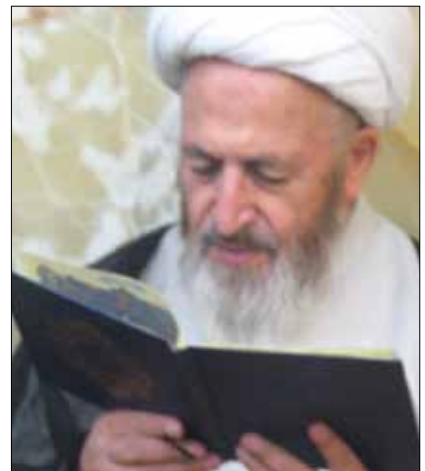
خنثی کردن توطئه دشمنان بودند و دستگیری عاملان این جنایت به کمک همین شهدا بود. آیت الله خاتمی گفت: آمریکا و انگلیس در پی آن بودند که با ناامن کردن امن‌ترین کشور منطقه یعنی ایران اسلامی، بتوانند تروریسم را وارد این کشور کنند. وی گفت: هدف این جنایت، انتقام گرفتن از مردمی است که با تمام توان خود به انقلاب و ارزش‌های آن پایبندند و در هر زمانی که انقلاب به آن‌ها

نیاز داشت، همانند انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در صحنه حاضر شدند. عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، هدف از تیر باران کردن قرآن توسط نظامی آمریکایی، حادثه تروریستی شیراز و توطئه‌های خنثی شده دشمنان در انفجار مکان‌های مذهبی را انتقام از مذهب، دین و سیدالشهدا (ع) عنوان کرد و افزود: مدرسه فیضیه قم، دفتر آیت‌الله

را از بالاترین ارزش‌های الهی دانست و گفت: اسلام مدیون شهادت است و اگر این شهادت‌ها نبود، اسلام هم نمی‌ماند. وی انقلاب بزرگ اسلامی ایران را ثمره‌ی خون شهیدان دانست و افزود: گرچه داغ شهیدان بسیاری بر دل‌ها ماند، اما باید بدانیم این نظام، ثمره‌ی همین شهادت‌هاست. عضو مجلس خبرگان رهبری در ادامه سخنان خود افزود: شهدای عزیز حسینیه‌ی سیدالشهدا شیراز، آغازگر

مراسم بزرگداشت شهدای حادثه تروریستی حسینیه سیدالشهدا شیراز از سوی آیت‌الله مکارم شیرازی و مجمع طلاب و فضلالی استان فارس با حضور آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، علوی گرگانی، شبیری زنجانی، حجت‌الاسلام گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، مدیر حوزه علمیه قم و جمعی از طلاب و فضلالی حوزه و اقشار مختلف مردم، در مسجد اعظم قم برگزار شد.

آیت‌الله سید احمد خاتمی در این مراسم با قدردانی از مسئولین به خاطر دستگیری عوامل بمب‌گذاری شیراز گفت: با دستگیری عوامل این بمب‌گذاری، سیمای مظلومیت از چهره‌ی کشته‌شدگان این فاجعه برداشته شد و به واسطه‌ی خون این شهیدان، توطئه‌ای بسیار عظیم و گسترده خنثی شد. امام جمعه تهران با اشاره به جایگاه شهید در قرآن و کلام معصومین (ع)، ارزش جهاد و شهادت



مکانی که حاضر می شوند، مراقب باشند که هیچ شیء مشکوکی در اطرافشان نباشد.



آن را شیعیان اعلام می کردند. خاتمی تأکید کرد: مردم هر حرکت مشکوکی را سریعاً گزارش دهند و علما و طلاب در هر

مکرم شیرازی و مدرسه آیت الله گلپایگانی از دیگر اهداف بمب گذاری بود، زیرا مخالفان اسلام و ایران می دانند کسانی در این مکان ها تربیت می شوند که سخنگوی دین می باشند. وی ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی را از دیگر اهداف بمب گذاران دانست و گفت: اگر در مدرسه آیت الله گلپایگانی بمب گذاری انجام می گرفت، عامل آن راسنی ها و بلعکس اگر در مملکت آن ها بمب گذاری می شد، عامل



خیله از حرف های این هادرو غاست

انتقاد شدید نریمان پناهی از به کار بردن سبک‌های غربی توسط برخی از مداحان



نریمان پناهی از مداحان اهل بیت (ع) از به کار بردن سبک‌های غربی و سخنان دروغ در برخی از مداحی‌ها به شدت انتقاد کرد.

نریمان پناهی از مداحان قدیمی و هم‌چنین از مبدعین سبک‌های جدید در مداحی، از برخی مداحان جوان به واسطه کم‌اطلاعی و ضعف محتوایی در اجرای مراسم اهل بیت (ع) انتقاد کرد و گفت: خیلی از حرف‌های این‌ها دروغ است. تو یک بچه جوان چه طور به خودت اجازه می‌دهی همه را زیر سؤال ببری؟ راحت از علما حرف بزنی و آن‌ها را زیر سؤال ببری؟

نریمان افزود: این‌ها می‌خواهند خودشان را مطرح کنند و مرید جمع کنند. می‌گوید من نمی‌دانستم این‌ها سبک‌های آن طرف آبی است. می‌گویند فی‌البداهه می‌خوانم. شعر و سبکش عین خواننده‌های غربی است، بعد می‌گویند فی‌البداهه می‌خوانم. اگر تو فی‌البداهه می‌خوانی، پس این خانم و آقا که قبل از تو این سبک را خوانده‌اند، چطور سبک و شعر تو عین آن‌ها شده است.

وی ادامه داد: من سند دارم که تو همه این‌ها را از روی نوارهای خارجی گوش کرده‌ای و خواننده‌ای. چه طور راحت دروغ می‌گویی؟ بعد در مجالس‌شان می‌بینی که همه چیز شده این آقای مداح؛ نه واعظ، نه روحانی و نه سخنران. بعد می‌پرسی مقتل، می‌گوید من چهل حدیث می‌خوانم. آخر این چهل حدیث امام (ره) که مقتل نیست.

وی با اشاره به این که الگوی وی در مداحی، حاج ماشاءالله عابدی است، افزود: شما ببینید که این آدم یک نوار یا عکس در بازار دارد؟ اما در بازار می‌بینی «سی، چهل» مدل عکس از این مداح جوان وجود دارد.

نریمان پناهی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با تأکید بر این که در گذشته در قم قمه می‌زده است، گفت: ما از قدیم قمه می‌زدیم، اما از زمانی که آقا فرمودند که قمه زنی حرام است، از همان سال تا امروز من قمه نزدم. بعد از این فتوا گذاشتم کنار.

وی که با نشریه سپیده دانایی گفت‌وگو کرده است و بخش‌هایی از این گفت‌وگو در برخی از سایت‌ها نقل شده، با اشاره به این که در هر مجلسی حاضر نمی‌شود، گفت: هر مجلسی هم که برای مداحی می‌روم، اول تحقیق می‌کنم که صاحب مجلس انقلابی و با شهدا هست یا نه؟ من در هیأت‌هایی که با ولایت فقیه مشکل دارند هرگز نمی‌خوانم. کسانی که با انقلاب و شهدا کاری نداشته باشند، من هم با آن‌ها کاری ندارم.

شعارپاشعور در شیعه‌گری



گفت و گوی خیمه‌باپیر غلام نمونه‌کشور
کربلایی محمدحسین زبانی

خیاها: از خودتان بگویید.

بنده کربلایی محمدحسین زبانی، بازنشسته اداره راه
گرگان و ۷۱ سال سن دارم و مداحی را از استاد، مرحوم
پدرم ماشاءالله زبانی و در سنین هفت سالگی فراگرفتم و
دارای تحصیلات دیپلم ادبی هستم؛ برای ساختن نوحه‌ها
از اشعارم استفاده می‌کنم و سعی می‌کنم ردیف‌آواز و
اشعارم را با توجه به نیاز و خواسته جوانان و مردم ایجاد
نمایم و در ساختن اشعار مداحی با توجه به سبک سنتی،
تنوع مطالب و خوش‌آهنگ بودن نوحه‌ها بهره می‌گیرم و
آهنگ‌ها را نیز خودم می‌سازم.

خیاها: به نظر شما عزاداری برای اهل بیت (ع) چگونه باید باشد؟

عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) باید اصیل و اهل بیته (ع)
و به دور از هر گونه مشکل باشد و در اشعار مداحی اگر
کلمات موهن و سبکی که خلاف شأن و جایگاه اسلام
استفاده شود، دشمنان اسلام سوء استفاده خواهند کرد
و با تبلیغات سوء علیه اسلام، برضد نظام و دین تبلیغ
می‌کنند و این ضربه محکمی است بر اسلام.

مداحان در رسالت تبلیغی خود باید از شجاعت،
هدف و رسالت انبیاء و اهل بیت (ع) سخن بگویند و
مطالب‌شان با مطالعه و به دور از تحریف و براساس
پایه‌های علمی و حقایق باشد و صرفاً با تحریف به
دنبال گریاندن مردم نباشند.

خیاها: نظر خودتان را در خصوص تحقیر و اغراق‌هایی که بعضاً در شأن اهل بیت (س) گفته می‌شود بیان کنید؟

باید توجه داشت که کارهایی از قبیل در آوردن پیراهن و
خون آلود کردن خود، اینها قطعاً گناه است و این صحنه‌ها
از طریق رسانه‌ها در سراسر دنیا منتشر می‌شود که در
نتیجه باعث شکل‌گیری ذهنیت بدی در مورد شیعه در
سراسر جهان می‌شود.

شیعه‌شعار نمی‌خواهد، شعور می‌خواهد. اشعار قدیم با
اخلاص بود و اشک از چشمان مردم ریخته می‌شد و هر
مریض و گرفتار معتقد حاجت‌روا می‌شد.

خیاها: آقای زبانی، از اهل بیت (س) گفتید آیا شما به عنوان مداح اهل بیت (س) تا به حال حضور اهل بیت (س)

را در زندگی‌تان لمس کرده‌اید؟

بله، بنده که پسر م را از دست دادم وقتی به یاد علی اکبر
و مصائب کربلا می‌افتم خود را دل‌داری می‌دهم و در
سخت‌ترین لحظات زندگی ام با یاد اهل بیت (ع) به آرامش
می‌رسم و هم‌سرم که بیماری سختی داشت، در آخرین
لحظات که در بیمارستان در بستر مرگ دست و پا می‌زد
با توسل به اهل بیت (ع)، شفا یافت.



دیدار برخی از وعاظ و مداحان با آیت‌الله وحید خراسانی

برخی از وعاظ و مداحان به منظور بهره‌گیری از بیانات و رهنمودهای آیت‌الله وحید
خراسانی با این مرجع تقلید دیدار کردند.

بنابر این گزارش، از وعاظ، حجج اسلام طوسی، مؤمنی، زمانی، دارستانی؛ و
از مداحان عبدالرضا هلالی، مجید بنی‌فاطمه، حسین سیب‌سرخ، کمیل
محمدی، مهدی سلحشور، سید محمد جوادی و مختاری در این دیدار حضور
داشتند. حضرت آیت‌الله وحید خراسانی در این دیدار اهمیت ایام فاطمیه را به
وعاظ و مداحان متذکر شدند و رهنمودهایی جهت برگزاری هر چه باشکوه‌تر
این ایام ارائه کردند.





جنگال در تاریخ

خلاصه‌ای از سخنان حجت‌الاسلام میر باقری (رئیس فرهنگستان علوم اسلامی)

در جمع تعدادی از مداحان کشور در تاریخ ۸۷/۲/۲۱



همه ما می‌دانیم که در حرکت به سوی خدای متعال تا قله‌های رفیع عبودیت و قرب الهی، تا خداوند از بنده راضی شود، نیاز به این است که از طرف

خداوند جاذبه‌ای متوجه مخلوق گردد. این را همه‌ی عرفا گفته‌اند که انسان باید یا مجذوب سالک باشد یا سالک مجذوب. ولی این مهم نیست که ما از خدا راضی باشیم، مهم این است که خدا از انسان راضی باشد. راه رسیدن به محبوبیت و مرضی خدای متعال شدن، این است که شعاع محبوبیت نبی اکرم (ص) و اهل بیت (س) به بنده برسد. انبیای اولوالعزم و انسان‌های کامل اگر به مقام مرضی

رسیدند، شعاعی از محبت اهل بیت (س) به آن‌ها افتاده است. اگر انسان سایه به سایه وجود نبی اکرم (ص) حرکت کرد و در همه شئون حیات، تابع او شد، به مقام محبوبیت خداوند متعال می‌رسد. حال چگونه محبت خداوند به بنده می‌رسد؟ می‌دانید که یکی بهترین مسیرها برای رسیدن به محبت خدا، بلاست. یعنی عبد وقتی مبتلا می‌شود، اساس پذیرش آن محبت است. یعنی اگر انسان، عهد محبت نداشت، مبتلی نمی‌شد. ریشه بلا محبت به خداوند متعال است. آن بلایی که متوجه محبوب خدای متعال شده است، بلایی است که در وجود نبی اکرم (ص) و بعد در اهل بیت (ص)، بویژه ماجرای سیدالشهدا (ع) و عاشورا رقم زده شده است. پس همه‌ی جاذبه‌های سلوکی که از ناحیه‌ی بلا به اولیاء خدا می‌رسد، اصلش آن جاذبه‌ی

بلایی است که به نبی اکرم (ص) در ظرف خودشان رسیده است. لذا عظمت آن بلا که به پیامبر و معصومین علیهم‌السلام رسیده بر احدی قابل تصویر نیست و کسی نمی‌تواند آن را بفهمد. آن حوزه‌ی بلایی که برای چهارده معصوم و بخصوص برای نبی اکرم (ص) رقم خورده، جز برای خودشان قابل درک نیست. اگر عاشورا کانون جاذبه‌های معنوی است و همه‌ی اهل سلوک باید با این جاذبه‌ها حرکت کنند تا به مقصد برسند، و اگر برای سلوک تا مقام قرب نیاز به تهذیب نفس داریم و انسان باید در نفسش حسابش را صاف کند و با جنود شیطان و صفات رذیله حسابش را پاک کند تا سالک شود و اگر تاریخ برای رسیدن به مقام قرب و توحید باید از ولایت اولیای تاریخی که محورش سقیفه است تهذیب و تطهیر شود، حادثه عاشورا به گونه‌ای رقم خورده که محور تهذیب نفوس یعنی مجاهده سنگین معنوی انسان و سامان‌دهی این جهاد اکبر در درون شخص، بعد در درون جوامع و بعد در درون تاریخ باشد. صاحب‌الزمان (عج) با شعار «یا لثارات الحسین» قیام می‌کنند. انگیزه‌ی تجهیز لشکر امام زمان (عج)، مظلومیت سیدالشهداست. جاذبه‌هایی که در عاشورا ظهور کرده و سلوکی که سیدالشهدا (ع) و اصحابش داشتند، بی‌بدیل است. در اوج عظمت، بالاترین و سنگین‌ترین مظلومیت در تاریخ در عاشورا ظهور یافته که مبدأ پیدایش

عواطف عاشورا و انگیزه‌های بر علیه دستگاه باطل است که جنگ‌های بزرگ، انگیزه‌های بزرگ می‌خواهد. ایدئولوژی‌های باطل، عشق به خاک و طبقه و نژاد می‌تواند جنگی مثل جنگ جهانی اول را راه بیندازد، ولی جنگی که کانون تهذیب تاریخ و ظهور توحید در همه مراتب هستی باشد، جز با انگیزه مظلومیت سیدالشهدا(ع) شکل نخواهد گرفت. به این معنی که بیش از هزار سال دستور به روضه و انباشت انگیزه‌های باطنی شیعه، در دوره ظهور تجلی پیدا می‌کند.

یکی از جلوه‌های عظیم این حادثه، جلوه‌ی حماسی آن است که شیعه را دائماً بر علیه جریان‌های فاسد و ظلمی که به حق می‌شده، سرپا ننگه داشته است. اگر دو کانون دشمنی داشته باشیم: سقیفه و یهود، این‌ها به یک جا بر می‌گردند. صهیونیست‌ها هم اعلام کرده‌اند که شیعه دو کانون جوشش امید و روحیه‌ی انقلابی و حماسی دارد، یکی عصر ظهور و یکی عاشورا که ما باید این دو را خاموش کنیم. حادثه عاشورا، حادثه‌ای است که از یک سو محبت به خداوند را سامان می‌دهد و از یک سو تولی و صف‌بندی و درگیری تمام عیار را شکل می‌دهد و هم روح محبت و حماسه و هم روح تولی و تبری، همه از عاشورا در تاریخ توحید دمیده شده است. ما باید کاری کنیم جامعه شیعه بر محور این حادثه شکل بگیرد.

یکی از مأموریت‌های ما احیای عزاداری و جنبه‌های حماسی و عرفانی آن است. یکی از نقش‌هایی که شما عزیزان به عهده‌تان گذاشته شده، این است که حلقه اتصال جامعه به این کانون جوشش عرفان، حماسه، تولی و تبری باشید. اگر حضرت، داعی‌الله هستند، یعنی خدا وقتی می‌خواهد دعوت کند، داعی خدا، اوست؛ شما حلقه اتصال این دعوت به قلوب هستید.

قلوب را دعوت به این میدان سیدالشهدا(ع) کنید و به این فضای معنوی راه دهید. گوش‌ها و چشم‌ها و سمع‌ها و بصرها و قلوب را دعوت کنید تا به اجابت برسند. این شأن بسیار بزرگی است. ولی به اندازه عظمت این منصب، مسئولیت آن را باید پاسخگو باشیم. امروزه دستگاه استکبار با تمام وجود در جنگ است و می‌خواهد مردم را از سیدالشهدا(ع) فراری دهد و از این کانون جوشش پراکنده کند. و برای این کار، کارهای بزرگی می‌کنند. عاشورا سیاسی‌ترین حادثه تاریخ است.

حادثه‌ای که امواج بی‌نهایت عرفانی، با بزرگ‌ترین جهت‌گیری‌های سیاسی مطرح

کرده و مسیر تهذیب تاریخ را درست می‌کند. آن‌ها سرلشکرهای فرهنگی غربند و شما سرلشکرهای فرهنگی شرق.

آن‌ها قلوب را تحریص به دنیا می‌کنند، و شما قلوب را به خدا و اولیاء خدا نزدیک می‌کنید. روایت است که پیامبر(ص) فرمود: یا علی! به اندازه‌ای که توبه راه‌های هدایت‌آشنایی، ابلیس به راه‌های ظلالت‌آشناست.

نکته دوم این که همان‌طور که جبهه مقابل ما دیگر کار را از فردی بودن بیرون برده، ما باید به سمتی حرکت کنیم که ماجرای عظیم هنر عزاداری سیدالشهدا(ع) را تبدیل کنیم به یک کار سازمانی بزرگ در حوزه‌ی فقه، در حوزه روان‌شناسی امام، در حوزه مقتل خوانی، در حوزه شعر و شاعری و ...

هالیوود می‌خواهد یک فیلم بسازد، ببینید چه کارهای عظیمی انجام می‌دهد تا یک اثر

کار امام حسین(ع) حقیقتاً جنجال در تاریخ است. شما می‌خواهید قلوب را به این حقیقت جاری متصل سازید نه به کف روی آب. می‌خواهید مردم را در این دریای عظیم، موج و عمیق وارد کنید تا مطهر شوند، صاف شوند و تمیز شوند. با این جاری عاشورا به سوگ بنشینند. یک تخصص‌هایی در حوزه‌ی هنر، علوم اجتماعی و علوم انسانی لازم است. این‌ها باید زمینه کار عزاداری شود.

هنری ساخته می‌شود.

کار امام حسین(ع) حقیقتاً جنجال در تاریخ است. شما می‌خواهید قلوب را به این حقیقت جاری متصل سازید نه به کف روی آب. می‌خواهید مردم را در این دریای عظیم، موج و عمیق وارد کنید تا مطهر شوند، صاف شوند و تمیز شوند. با این جاری عاشورا به سوگ بنشینند. یک تخصص‌هایی در حوزه‌ی هنر، علوم اجتماعی و علوم انسانی لازم است. این‌ها باید زمینه کار عزاداری شود.

اگر آن دبیرخانه راه بیفتد، کار شما سبک‌تر شده و کارها تخصصی‌تر می‌شود. دیگر دغدغه شعر جدید، سبک جدید، و دغدغه عبور از سبک‌ها را نخواهی داشت. نکات قوت سبک‌های سنتی را در خدمت پیشرفت این هنر عزاداری و این کار عظیم قرار دهید. نکته دوم:

همه چیز ما باید تحت کنترل باشد؛ زبان‌مان، رفتارمان، معاشرت‌مان، خوابیدن‌مان. چون هزاران جوان از ما الگو می‌گیرند. خیلی کارهایی که حلال بوده، الان حرام است. حرام‌نه به معنی حرام فقهی، بلکه حرام اخلاقی. بنابراین دوستان باید از دو جهت

کار کنند. یکی این که کار تخصصی‌شان را ارتقا دهند، از نظر محتوا و غیره؛ و امسال یک فضای جدیدی باز کنند. دائماً باید خودمان را به روز کنیم؛ با این عنایتی که خدا به شما کرده و ده‌ها هزار انسان با شما همراهند و با نفس شما حرکت می‌کنند و احساس پیدا می‌کنند.

در مقتل، در نحوه ارائه‌اش، در هنر و بقیه‌ی

امور جامعه ما باید توان و سخن داشته باشیم. امسال اگر معرفت‌تان بالا رفت، حتماً این معرفت منتقل خواهد شد. اگر احساس عاشورائی در خودم بارورتر شد، می‌توانم این شعله را تبدیل کنم به یک اشتعال و بعد دیگران را هم مشتعل بکنم. ولی اگر جدید نیست، اشتعال‌های جدیدی نخواهد بود، افزایش جدیدی نخواهد بود، شاگردان خودم را در همین کلاس متوقف کرده‌ام.

این‌ها را خدا به دست ما داده و ما مسئول رشد آن‌ها هستیم. اگر خودمان رشد نکنیم، چه کسی راهبر می‌شود؟ راهی که خودم نرفته‌ام، دیگران را چگونه می‌توانم به آن راه ببرم.

اما نکته دیگر این که از نظر روحی حتماً می‌بایست شما بیش از دیگران تذهیب نفس نمایید. موضوع تربیت دیگران موضوعی ذوقی نیست. جوان این‌گونه جذب می‌شود.

این‌گونه نیست و در کوتاه مدت آثار منفی می‌گذارد. من می‌گویم اگر در نقطه تربیت قرار می‌گیرید و مربی هستید، واقعاً ما هم باشیم. ممکن است من خودم خیلی آدم خوبی باشم، ولی نتوانم دیگران را راه ببرم. راه بردن دیگران، روش دارد.

خادمین و هیأت امنای قدیمی و اشخاصی که خودشان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق پدر بزرگ هایشان و از کسان دیگر راجع به قدمت و تاریخ گذشته حسینیہ خاطراتی داشته‌اند نقل می‌کنیم.

اولین سند مکتوب که با مهر حاج میرزا لطف‌الله شیخ‌الاسلام و آخوند ملاکاظم مهور شده، تاریخ صفرالمظفر ۱۲۹۵ هجری قمری را نشان می‌دهد. در زیر وقف‌نامه دو شخص خیر و نیکوکار به نام‌های حاج میرزا محمدنقی و حاج میرزا بابایی تاجر که دو باب دکان را وقف صحیح شرعی نموده‌اند، آمده است. در این وقف‌نامه قید شده است: با اطلاع عالیجناب آخوند ملا علی اصغر روضه‌خوان در راه جناب ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) در تکیه حسینیہ خرج و احسان نمایند، از اول ماه محرم تا دوازدهم محرم، هر قسم مصلحت بدانند، صاحب‌اختیار است.

دومین سند مکتوب که با مهر سید عبدالرحیم مجتهد و آقا سیدعلی و آقا شیخ ابراهیم مهور شده، مربوط به تاریخ شوال ۱۳۲۲ هجری قمری است: حاج محمد هاشم شریف‌العلماء وقف صحیح شرعی و حبس مخلد نموده همگی مساحت شش دانگ و یک شعیر و دو ثلث شعیر قریه ده جلال از قراء سجاسرود خمسه را با کافه‌ی توابع و ملحقات و مزارع مائیه و دعیه و مراتع و معالف و بساتین و میاه و عیون و انهار و املاک ... و عمارات و محل اکداس و طراقین بر حضرت سیدالشهداء ارواح العالمین له‌الفداء.

البته قابل ذکر است که نام‌برده این روستا را به مساجد و مدارس واقعه در ذیل که در دارالسعاده زنجان واقع است، وقف نموده. این مساجد و مدارس عبارتند از:

۱. مدرسه و مسجد رضوان معان‌المغفور آخوند ملاعلی‌اعلی‌الله مقامه‌الشریف
 ۲. مدرسه و مسجد رضوان‌مکان‌المبرور آقا سیدفتح‌الله طاب‌ثراه
 ۳. مدرسه و مسجد مقابل حمام حاجی داداش در راسته بازار
 ۴. مدرسه و مسجد حسینیہ
 ۵. مدرسه و مسجد ملا محمدعلی
- آن‌چه در این جا قابل توجه است، این که در سال ۱۳۲۲ هجری قمری حسینیہ اعظم هم مدرسه بوده هم مسجد. زیرا واقف در توضیحاتی که در وقف‌نامه آورده، قید نموده است که متولی، منافع قریه مذکور را در وهله اول برای تعمیرات مدارس و مساجد و تأمین آب آن‌ها صرف نماید و نه عشر دیگر را به حضرات طلاب محصلین ساکنین در



سرزمین ما در ایران

آشنایی با حسینیہ اعظم زنجان



دروازه قلتوق بوده است و بر اساس کتیبه‌ای که بر سردر ورودی گرمابه‌ی این مجموعه قرار دارد، تاریخ تجدید بنای آن به عهد ناصرالدین شاه باز می‌گردد. شرکت بی‌ظنیر عذاران از اقصی نقاط کشور در این دسته عذاران، دارا بودن عنوان دومین قربانگاه بزرگ پس از سرزمین منا، نذورات بی‌شمار از سراسر جهان و در نهایت قدمت و پیشینه‌ی تاریخی این دسته‌ی عذاران، آن را به یک رویداد فرهنگی منحصر به فرد تبدیل کرده است.

تاریخچه

تاریخچه حسینیہ اعظم را با یاری گرفتن از گزارش شفاهی اهالی محل، معمربین،

حرکت راهپیمایی‌وار دسته‌ی عذاران حسینیہ‌ی اعظم زنجان در روز هشتم محرم، سال هاست که شکوه و عظمت خاص خود را دارد و می‌رود تا سال به سال با افزایش خیل عظیم عذاران شرکت‌کننده، به عنوان بزرگ‌ترین مجمع عاشقان امام حسین (ع) در جهان شناخته شود. زنجان شهر کوچکی است و جمعیت آن به پانصد هزار نفر نمی‌رسد، اما سال هاست که در این دسته‌ی عذاران، بیش از صد هزار نفر شرکت می‌کنند.

حسینیہ اعظم زنجان و گرمابه آن در جنوبی‌ترین بخش بافت قدیمی شهر زنجان و در محله‌ای معروف به همین نام واقع شده که در گذشته مشرف به دروازه‌ی جنوبی شهر

حجرات هر مدرسه پردازد، آن هم از قرار هر حجره سه نفر طلبه. در ضمن مشروط به این که هر طلبه بیش از یک ماه در خارج مدرسه نماند و اگر بیرون رود و برگردد باید لااقل دو ماه تمام در حجره خود مقیم باشد تا شهریه دریافت نماید.

حال به یک سند مکتوب دیگر اشاره می‌کنیم. این سند، سنگ‌نوشته‌ای است که در راهرو و مدخل ورودی مسجد حسینییه هم‌اکنون بر دیوار نصب شده و اشعار زیر بر روی آن کنده کاری شده است:

بعد حمد خدای عزوجل
که کریم است و قادر و مئان
جمعی از مؤمنین اهل محل
همه در زهد بوذر و سلمان
سید و میرشان محمدعلی
صاحب جاه و قر و عزت و شان
در دریای پاک پیغمبر

پور و هم اسم موسی عمران
مسجدی خواستند بی‌مانند
طرح از لطف حضرت یزدان
چون به پایان رسید این مسجد
هاتفی سفت این در غلتان
خَبْذا مسجدی که در منظر
آمده رشک روضه‌ی رضوان
سال تاریخ او طلب کردم
روزی از صوفی خجسته بیان
کلک بگرفت و ریخت از کلکش
بر ورق این جواهر الوان
بود از وجه پاک این معبد
طلعت مسجدالحرام عیان (۱۲۶۱)

همان‌طور که تاریخ سنگ‌نوشته نشان می‌دهد، اهالی محل، تعمیر این مسجد را در سال ۱۲۶۱ هجری به پایان رسانده‌اند. طبق گفته معمرین و اهالی محل، این تاریخ مربوط به سال تأسیس مسجد نیست، بلکه مربوط به تعمیر و بازسازی مسجد است. وجود یک سند مکتوب دیگر، گفته معمرین را قریب به یقین می‌نماید. این سند، علمی است که بر روی آن تاریخ (۱۲۲۱) کنده شده و به مسجد حسینییه اهداء گردیده است. این هاسندهای موجود و مکتوب درباره تاریخ تأسیس حسینییه اعظم است ولی گفته‌های شفاهی به زمان‌های پیش از این سال‌ها اشاره دارد. می‌گویند در تاریخ ۱۱۱۴ هجری قمری زنگ بزرگی به مسجد اهداء شده و این زنگ تا چهل یا پنجاه سال پیش موجود بود که بعد شکسته شده و از بین رفته است. همراه این زنگ، مقادیری وسایل دیگر مثل طبل و شیپور و چند قطعه شمشیر و یک عدد کَشکول هم بوده که از

آن‌ها هم فعلاً اثری نیست. شاید در زمان رضاخان به علت تعطیلی مساجد، جمع‌آوری و احتمالاً به مراکز فرهنگی و باستانی برده‌اند و یا اصلاً معدوم کرده‌اند. برای تعیین دقیق تاریخ تأسیس و احداث مسجد به مدارک دیگری نیز نیاز می‌باشد که متأسفانه به آن‌ها دسترسی پیدا نشد. لذا برای نزدیک شدن به تاریخ حقیقی بنای مسجد، بهتر این است که قدمت بافت شهر، تاریخ بنای مساجد و آثار دیگر باستانی شهر را که در اطراف و یا نزدیکی حسینییه قرار دارند بررسی نمود.

دسته عزاداری حسینییه اعظم زنجان در فهرست میراث معنوی کشور ثبت می‌شود
مسئول روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان زنجان، با اشاره به ویژگی منحصر به فرد دسته عزاداری

حرکت راهپیمایی وار دسته‌ی عزاداری حسینییه اعظم زنجان در روز هشتم محرم، سال‌هاست که شکوه و عظمت خاص خود را دارد و می‌رود تا سال به سال با افزایش خیل عظیم عزاداران شرکت‌کننده، به عنوان بزرگ‌ترین مجمع عاشقان امام حسین (ع) در جهان شناخته شود.

حسینییه اعظم زنجان که موجب شهرت جهانی آن شده است، از تلاش اداره کل میراث فرهنگی برای ثبت این رویداد فرهنگی در فهرست میراث معنوی کشور خبر داد و گفت: پیش از این، مراسم قالی‌شوین مشهد اردهال، آیین عزاداری سالار شهیدان در آران و بیدگل، نخل‌گردانی روز عاشورا در قمصر کاشان و... در این فهرست جای گرفته‌اند.

به گفته این کارشناس فرهنگی، شرکت کم‌نظیر عزاداران از اقصی نقاط کشور در این دسته‌ی عزاداری، دارا بودن عنوان دومین قربانگاه بزرگ پس از سرزمین منی، نذورات بی‌شمار از سراسر کشور و در نهایت، قدمت و پیشینه‌ی تاریخی این دسته‌ی عزاداری، آن را به عنوان یک رویداد فرهنگی منحصر به فرد، شاخص ساخته است.

سال گذشته پنج هزار و ۸۰۳ رأس گوسفند، بز، گاو و شتر به صورت زنده تحویل این حسینییه گردید و هزار و ۶۳۷ رأس دام هم در مسیر حرکت سوگواران حسینی قربانی شد.

شانقلی با اشاره به قدمت مسجد حسینییه اعظم زنجان و حمام تاریخی آن، یادآور شد: حمام تاریخی این مجموعه‌ی مذهبی پیش

از این در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و با همکاری میراث فرهنگی و هیأت امنای مجموعه و نیز کمک‌های مردمی، مرمت و بازسازی شده و در صورت تخصیص اعتبار مورد نیاز، به عنوان موزه‌ی حسینییه اعظم زنجان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که در این مورد، وسایل مربوط به محرم و عزاداری سالار شهیدان جمع‌آوری شده و در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت.

وی اضافه کرد: مسجد حسینییه اعظم زنجان و گرمابه‌ی آن در جنوبی‌ترین بخش بافت قدیمی شهر زنجان و در محله‌ای معروف به سیدلر واقع شده که سابقاً به دروازه جنوبی شهر (دروازه قلتوق) مشرف بوده است و بر اساس کتیبه‌ای که بر سر در ورودی گرمابه‌ی این مجموعه قرار دارد، تاریخ تجدید بنای آن به عهد ناصرالدین شاه باز می‌گردد.



را پرسیدند. حضرت فرمود: مگر نشنیدی آن کودک گریه می کرد.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: «هرگاه یکی از شما پیش نماز مردم شود، باید نماز را سبک برگزار کند، زیرا در میان مردم، کوچک و بزرگ و ضعیف و مریض (و کسانی که کار دارند)، وجود دارد اما هرگاه تنها نماز می خوانید، هر گونه که دوست دارید،

بهشت و هم جواری با ائمه معصومین (ع) است برای یک قطره اشک و حتی برای اشکی که به اندازه بال مگسی باشد به عزاداران داده می شود، پس کمیّت و طول زمان مطرح نیست. آن چه مهم است، کیفیت و معنویت عزاداری است. قصیده دعبیل خزاعی که طولانی ترین متن یک روضه در حضور امام معصوم است، گرچه با حجم و کمیّت های مختلف نقل شده، ولی طولانی ترین روایت آن ۱۲۰ بیت است که در ظرف بیست دقیقه تمام می شود.

چه بهتر که هیأت و حسینیه های محله با هم هماهنگی کنند و جلسات شان را در ساعات مختلف برگزار کنند تا در همین ساعات برای همه نوع شرکت کنندگان امکان حضور در مجلس عزاء وجود داشته باشد.



طولانی کردن مجالس

یکی از آفات و آسیب های مجالس عزاداری، طولانی کردن مجلس و استفاده از شگردها و شیوه های مختلف جهت گریاندن مردم است. شاید تعداد اندکی تحمل آن را و حتی اشتیاق، نسبت به طولانی شدن مجلس را داشته باشند اما قطعاً این عمومیت ندارد و



احکام عزاداری

■ استفاده از آلات موسیقی (مانند ارگ) و یا استفاده از طبل و سنج در مراسم عزاداری ائمه معصومین (ع) چه حکمی دارد؟

□ استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان (ع) نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود. البته استفاده از طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.^۱

■ آیا پوشیدن لباس سیاه در عزای امامان معصوم (ع) مکروه است؟

□ کراهت آن ثابت نیست، بلکه اگر برای تعظیم شعائر باشد، دارای اجر و ثواب نیز خواهد بود.^۲

■ در بعضی از مساجد در ایام عزاداری از علم های متعددی استفاده می شود که دارای تزئینات زیاد و گران بهایی است و گاهی موجب سؤال متدینین از اصل فلسفه آن ها می گردد و در برنامه های تبلیغی خلل ایجاد می کند و حتی با اهداف مقدس مسجد تعارض دارد. حکم شرعی در این رابطه چیست؟

□ اگر قرار دادن آن هادر مسجد باشؤونات عرفی مسجد منافات داشته باشد و یا برای نماز گزاران مزاحمت ایجاد کند، اشکال دارد.^۳

■ در بعضی از هیأت های مذهبی، مصیبت هایی خوانده می شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می شود، پاسخ می دهند که اهل بیت (ع)

بخوانید». و نیز در سخنان معصوم (ع) آمده است: «عبادت را به زور بر خود تحمیل نکنید.»

از آن جا که اسلام دین اعتدال است و قرآن، امت اسلامی را امت وسط و به دور از افراط و تفریط دانسته، در تمامی امور دینی و دنیوی باید حد اعتدال را رعایت کرد. در غذا خوردن باید پیش از سیری، دست از غذا کشید. در کار و تلاش، باید به قدری کار کند که گویی فردا آخرین روز عمر وی است و کار، سودی به حال او ندارد. و نیز باید از تنبلی و تن پروری پرهیز نمود و به خود تلقین کرد که هرگز نخواهد مرد و به کار مشغول شد. وقتی ائمه (ع) تصریح دارند که ثواب عزاداری که همان

موجب دل زدگی و سلب علاقه به شرکت در مجالس بعدی خواهد شد.

شارع مقدس که قوانینش بر اساس حکمت و واقع بینی وضع شده، از طولانی کردن عبادت و نماز جماعت منع کرده است. نماز که بهترین حالت بین عبد و معبود است و طولانی شدن این حالت بسیار مغتنم و سازنده و دارای اجر، اگر منافعی با حال معنوی نماز گزار شود، ممنوع است. لذا در فقه همه مذاهب اسلامی آمده که امام جماعت باید رعایت حال اضعف مأمومین را بنماید.

زمانی پیامبر اسلام (ص) در حال نماز صدای گریه ی کودک را شنیدند. به سرعت نماز را به پایان بردند. یکی از صحابه علت این تعجیل

احکام عزاداری

این‌گونه به ما فهمانده‌اند و یا ما را راهنمایی کرده‌اند و واقعه‌ی کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط گفته‌های علما نمی‌باشد بلکه گاهی بعضی از امور برای مداح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود. سؤال این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

□ نقل مطالب به صورت مزبور بدون استناد به روایتی و یا بدون این که در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد مگر آن که نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است، به شرطی که موضوع و شرایط آن، نزد آنان ثابت شده باشد.^۴

■ نظر حضرت‌تعالی نسبت به ادامه حرکت دسته‌های عزاداری در شب‌های محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

□ به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب (ع) و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می‌شود و یافی‌نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.^۵

■ اگر انسان در زیارتگاه‌های ائمه (ع) خود را به زمین بیندازد و همانند بعضی از مردم که صورت و سینه خود را بر زمین می‌مالند تا از آن خون جاری شود و به همان حالت وارد حرم می‌شوند، عمل کند، چه حکمی دارد؟

□ این اعمال که به عنوان اظهار حزن و عزاداری سنتی و محبت‌ائمه (ع) محسوب نمی‌شوند، از نظر شرعی اعتباری ندارند، بلکه اگر منجر به ضرر بدنی قابل توجه و یا وهن مذهب شوند، جایز نیست.^۶

■ معیار شرعی ضرر اعم از جسمی یا روحی چیست؟

□ معیار، ضرری است که در نظر عرف، قابل توجه و معتنا به باشد.^۷

■ آیا هروله کردن در موقع سینه‌زنی (بالا و پایین پریدن) صحیح است؟^۸

□ اگر موجب وهن مذهب یا مؤمنین یا مراسم عزاداری معصومین (ع) باشد، جایز نیست و در هر حال بهتر است مؤمنین، مراعات شوون عزاداری معصومین (ع) بویژه سید و سالار شهیدان اباعبدالله‌الحسین (ع) را بنمایند.^۹

پی‌نوشت

پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

شب تغسیل ماه

«... و لها جلال لیس فوق جلالها الا جلال الله جل جلاله و لها نوال لیس فوق نوالها الا نوال الله عمّ نواله»
و فاطمه سلام‌الله‌علیها را جلال و جبروت و عظمتی است که در ورای آن، هیچ جلالی نیست، مگر جلال خداوند جل جلاله و هم او

بر خویش قطعه‌قطعه دید، به لرزه درآمد و آسمان تیره و تار شد و غبار خشم خداوند از جای جنبید.
در آن جا سجاد (ع) دست بر زمین کوفت و زمین را به آرامش خواند، سر به آسمان برداشت و آسمان را دعوت به سکوت کرد.
آسمان و زمین هر دو، تنها در اجابت فرمان امام خویش آرام گرفتند، دندان بر جگر



سیدمهدی شجاعی

افشاگرانه‌ترین فریاد اعتراض تاریخ

نهادند، خون به لب آوردند، ولی دم نزدند. مویه کردند، ولی فغان نکردند. در خویش شکستند و گریستند، اما ضجه نزدند.
مگر نه زهرا، والاترین محبوبه‌ی خداوند بود و خدا به بهانه و صلتش فرموده بود: «حَبِّ النساءِ الی».

مگر نه فاطمه، محور کسا بود و بقیه و ایستگان او؟ پیامبر، پدر او بود و علی، همسر او و حسنین فرزندان او؟ سلام‌الله‌علیهم اجمعین. فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها. مگر نه رضای خداوند در گرو رضایت مرضیه بود و غضب خداوند در گرو خشم او؟ مگر نه صدیقه کبری، راز آفرینش زن بود، بهانه‌ی خلقت نسوان؟ مگر نه فاطمه شبیه‌ترین بود به رسول خدا؟ «اما رأیت احداً کان اشبه کلاماً و حدیثاً من فاطمه برسول الله». مگر نه فاطمه، آخرین مشایخ و اولین مستقبل پیامبر بود؟ مگر نه فاطمه راستگوترین موجودات بود پس از رسول خدا؟ مگر نه فاطمه، پاره‌ی جگر پیامبر بود و عزیز خداوند جل و علا؟ مگر نه

چه رازی بود در شهادت زهرا (س) که خانه فرو نریخت، مدینه زیر و زبر نشد، عمود خیمه آسمان نشکست و زمین متلاشی نگشت؟ آفرینش این تحمل راز کجا آورده بود؟

را بخشش و عطا و کرمی است که در ورای آن هیچ نوال و کرامتی نیست، مگر نوال خداوند عم نواله. آسمان، این شب‌ها که می‌رسد، عجیب بی‌قراری می‌کند و زمین، داغ دلش تازه می‌شود و زخم شرمش، سر باز می‌کند. ملکوتیان حق دارند سر بر دیوار عرش بگذارند و های‌های گریه کنند.

و تنها خداست که می‌تواند، تسلاهی دل علی باشد.

ماه حق دارد که گوشه‌ی اختفای را برای گریه اختیار کند و ستارگان چه کنند اگر سر بر شانه یکدیگر نگذارند و مصیبت رازبان نگیرند.

آن خانه نمی‌دانم آن شب به چه قدرتی بر پای ایستاده بود. آن مدینه چه مدینه‌ای بود که چنین مصیبتی را تاب آورد و در هم نشکست، آن چه قبرستانی بود که سر چشمه عصمت را در خویش فرو برد و دم بر نیاورد. آن چه خاکی بود که به خود جرأت داد، فاطمه را از علی جدا کند؟

چرا آن خانه بر جای ماند؟ چرا مدینه ویران نشد؟ چرا آسمان در خود نیچید؟ چرا بغض زمین گشوده نشد؟ چرا عالم فرو نریخت؟ گفته‌اند در عاشورا وقتی زخم در جان خورشید نشست و زمین، پیکر مبارک حسین (ع) را



نویسنده: امام موسی صدر

نمونه راستین یک زن مسلمان

مقدمه‌ی امام موسی صدر بر کتاب «فاطمه زهرا (س)» نوشته استاد سلیمان کتانی

■ فاطمه زهرا (س)

خداوند از خشم فاطمه خشمگین و به سبب خشنودی او خشنود می‌شود؛ «فاطمه پاره‌ی تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرد؛ آن کس که با او دوستی ورزد، با من دوستی ورزیده است». فاطمه قلب و روح من است؛ فاطمه بانوی زنان دو جهان است؛ این شهادت و نظایر آن در کتاب‌های حدیث و سیره به تواتر از پیامبر (ص) نقل شده است. پیامبری که از روی هوا سخن نمی‌گوید و تحت تأثیر روابط نسبی و سببی قرار نمی‌گیرد و از سرزنش نکوهش‌گران در راه خدا باکی ندارد. این گفتارها نشانگر تواضع پیامبر اسلام (ص) است که با دعوت خود عجزین شده و برای مردم به مثابه الگو و نمونه‌ای درآمده است. تپش‌های قلب او و نگاه‌هایش و دست‌سودن و گام‌های تلاشگرانه و پرتوهای اندیشه‌اش، قول و فعل و تقریر او، تماماً تعالیم دینی و احکام خدا را می‌نمایاند. چونان چراغ‌های هدایت و راه‌های نجات است. آن‌چه که از جانب رسول خدا (ص) بر سینه فاطمه زهرا (س) نقش بسته، با مرور زمان و تکامل جوامع و نیز با نگاه به مبدأ اساسی در اسلام، در این سخن پیامبر به فاطمه، که فرمود: «ای فاطمه برای آخرت خود بکوش که

من نمی‌توانم در پیشگاه خداوند برای تو کاری بکنم»، در خشنودی بیشتری به خود می‌گیرد. فاطمه زهرا (س) در واقع نمونه زنی است که خدا می‌خواهد و پاره‌ای است از اسلام مجسم در وجود محمد (ص). زندگی‌اش برای مسلمان و انسان مؤمن در هر زمان و مکانی به منزله‌ی الگویی چهره می‌نماید.

به راستی شناخت فاطمه (س)، شناخت بخشی از کتاب رسالت الهی است، و پژوهش و تحقیق در حیات حضرتش، به مثابه تلاشی گسترده برای فهم اسلام و ذخیره‌ای ارزشمند برای انسان معاصر به حساب می‌آید.

■ نمونه راستین یک زن مسلمان

با آن که زنان مدینه بسیار تلاش کردند تا فاطمه را از ازدواج با علی (ع) به بهانه فقر آن حضرت و توجه او به جهاد و سختگیری‌اش در راه خدا منصرف کنند، وی از انتخاب خود دست نکشید.

فاطمه (س) هشت سال با علی (ع) زندگی کرد و زندگی خوب این دوزبانزدهمگان گشت. فاطمه (س) فرزندانانی چون حسن و حسین و زینب و ام‌کلثوم و محسن را طفلی که پس از وفات پیامبر (ص) در وقایع دردناکی

که در آن روزگار رخ داد، سقط شد برای علی (ع) آورد. فاطمه (س) فقط چند ماه پس از رحلت پدرش زیست و سپس بنا به وصیتش در محلی مجهول به خاک سپرده شد. مراسم دفن و تشییع پیکر پاک او نیز بنا بر وصیتش دور از چشم مردم و در تاریکی شب انجام پذیرفت!؟

برخی از قرائین تاریخی و احادیث نقل شده دلالت می‌کنند که قبر آن حضرت در یکی از سه مکان زیر است: بقیع، یا در خانه‌اش که اکنون در زمان ما دقیقاً در کنار مرقد پیامبر (ص) واقع شده، یا در روضه شریفه‌ای که میان محراب و مرقد پیامبر (ص) قرار دارد و امروزه با ایجاد ستون‌های ویژه‌ای مشخص و ممتاز شده است. مجموع عمر آن حضرت هجده سال و چند ماه بود، اما عمر کوتاه وی نمونه کامل و شاملی بود از زندگی زن کامل. تعالیم دینی به نمونه‌های بشری نیازمند است تا بتواند در قالب انسانی تجلی و تجسم یابد و اجرای کامل آن‌ها را تحقق‌پذیر گرداند تا بدین وسیله دین را از حالت ایده‌آلی و ذهنی بیرون آورده و به دایره واقعیت‌ها بکشاند و برای مردم جای هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نگذارد. زمانی که رسول خدا (ص) آهنگ مباحله با



مسیحیان نجرانی کرد، به موجب آیه کریمه:
 فقل تعالو ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و
 نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل
 لعنت الله علی الکاذبین؛ بگو بیایید تا ما
 پسران مان و شما پسران تان، ما زنان مان و شما
 شما زنان تان، ما خویشان نزدیک و شما
 خویشان نزدیک خود را بخوانیم، سپس (به
 درگاه خداوند) تضرع کنیم و بخواهیم که
 لعنت الهی بر دروغگویان فرود آید.
 پیامبر (ص) کسانی را بدین میدان آورد
 که مردان و زنان و فرزندان اسلام به شمار
 می آمدند. آن حضرت، علی و فاطمه و حسن
 و حسین را برگزید و بدین گونه ایمان خود
 به خدا و نمایندگی خاندان خود را به عنوان
 الگوهای کامل از آئینش، برای همگان آشکار
 ساخت.

■ اُمّ آبیها

فاطمه جوان می خواهد در جهاد پدرش
 شرکت جوید. از این رو مخلصانه در صدد
 برمی آید تا کمبود عاطفی که به سبب از دست
 دادن پدر و مادرشان در دوران کودکی ناشی
 شده بود، پر کند. کمبودی که پیامبر (ص) را
 می آزرده و بر دل نازک و مشتاق محبت و شیفته
 عاطفه او پدیدار می گردید. پیامبر (ص) برای
 به انجام رساندن رسالت سنگین خویش و
 نیز در رو بارویی با محیط پرشقاوت خود، به

مهربانی ها و ملاحظت های مادرانه بسیار
 نیاز داشت و آن حضرت این همه را در وجود
 فاطمه (س) پیدا می کرد. در تاریخ تنها نشان
 اندکی از این حالت های مادرانه ثبت شده
 است. اما همین چند مورد اندک به خوبی
 بیانگر موفقیت پیامبر (ص) با بهره مندی از
 این منبع سرشار محبت فاطمه (س) است که
 می توانست پدر خود، محمد (ص) را از جنبه
 عاطفی غنی سازد، به طوری که بتواند بدون
 کمترین دل نگرانی، سنگینی بار عظیم رسالت
 خویش را بر دوش گیرد. تاریخ وقتی بر این
 مواضع تأکید می کند که می بینیم مکرراً از قول
 پیامبر (ص) نقل می شود که فاطمه (س) مادر
 من است. نیز می بینیم پیامبر (ص) با او چنان
 رفتاری دارد که گویا با مادرش رفتار می کند.
 داستان او را بوسه می زند و وقتی به مدینه
 بازمی می گردد، نخست به دیدار او می شتابد و
 هنگام عزیمت به جنگ ها و مسافرت ها با او
 وداع می کند و گویی از این چشمه بی زوال،
 عاطفه ای بی کران برای سفر خود برمی بندد.
 تفصیل این ماجرا در کتب سیره نقل شده
 است. از سویی دیگر درمی یابیم که احساس
 پدری کردن پیامبر در پیوندهایش با فاطمه

معنی می گیرد. وقتی آن حضرت به مردم فرمان
 می دهد که وی را با لقب «رسول الله» خطاب
 کنند و فاطمه از این فرمان تبعیت می کند، آن
 حضرت وی را از این کار باز می دارد و به دختر
 خود می گوید که وی را مانند گذشته با لفظ
 «پدر» خطاب کند. هم چنین در تاریخ زندگی
 پیامبر اکرم (ص) می خوانیم که آن حضرت
 به هنگام بر خورد با سختی ها و اندوه های
 بزرگ، بسیار به نزد فاطمه (س) می رفت.
 وقتی در جنگ ها زخم برمی داشت، یا هنگام
 گرسنگی و فقر تنها به خانه فاطمه می رفت.
 از یک سو فاطمه (س) مانند مادری مهربان به
 او ملاحظت و رسیدگی می کرد، بر زخم هایش
 مرهم می نهاد و دردهایش را سبک می کرد.
 و از سویی دیگر هم چون دختری، کمر به
 خدمت و اطاعت از پدر می بست و احتیاجات
 او را رفع می کرد. بدین گونه نقش فاطمه (س)
 در زندگی رسول خدا (ص) بسیار برجسته و
 عظیم جلوه گر است.

■ همسر علی (علیه السلام)

حضرت علی (ع) می فرماید: «نزد رسول خدا
 رفتم. آن حضرت وقتی مرا دید، خندید و
 فرمود: ای ابوالحسن! چه شده؟
 خویشاوندی ام را با آن حضرت و سابقه
 خود را در اسلام بیان کردم و از یآوری ها و

چه نظری داری؟ فاطمه (س) خاموش ماند ولی رویش را برنگرداند و رسول خدا نیز در چهره او آثار ناخشنودی مشاهده نکرد. پس آن حضرت برخاست، در حالی که می فرمود: الله اکبر، سکوت او قبول این پیشنهاد است. سپس جبرئیل به نزد محمد (ص) آمد و گفت: «ای محمد! او را به همسری علی بن ابی طالب در آور که خدا او را برای علی و علی را برای او پسندیده است.»

علی گفت: سپس پیامبر (ص)، فاطمه را به همسری من داد و پیش من آمد و دستم را گرفت و فرمود: «به نام خدا بر خیز و بر برکت خدا بگو ماشاء الله لا حول و لا قوه الا بالله و تو کلت علی الله». سپس دستم را گرفت و در کنار خود نشاند و آن گاه فرمود: «بار خدایا! این دو محبوب ترین مخلوقات در نزد من اند. پس تو هم این دو را دوست بدار و در نسل آن ها

جهاد هابیم با آن حضرت سخن گفتم. فرمود: علی! راست می گویی، بلکه تو بهتر از آنی که خود گفتمی. سپس عرض کردم: ای رسول خدا! فاطمه (س) را همسر من قرار ده. فرمود: پیش از تو کسان دیگری نیز چنین درخواستی کرده بودند و من خواسته ای آنان

از یک سو فاطمه (س) مانند مادری مهربان به او ملاحظت و رسیدگی می کرد، بر زخم هایش مرهم می نهاد و دردهایش را سبک می کرد. و از سویی دیگر هم چون دختری، کمر به خدمت و اطاعت از پدر می بست و احتیاجات او را رفع می کرد.

برکت قرار ده؛ و از جانب خودت نگاهبانی بر آنان بگمار. این دو و فرزندان شان را از شر شیطان مصون بدار».

مراسم از دواج به همین سادگی پایان پذیرفت. علی (ع) زره خود را مهریه فاطمه (س) قرار داد و بهای آن را صرف خرید اسباب و اثاثیه منزل کرد. مقداری معطرات، یک پیراهن به هفت درهم، یک مقنعه به چهار درهم، یک تن پوش بلند سیاه خیبری، تختی بافته شده از برگ های درخت خرما، دو بستر از کتان مصری که میان یکی از آن ها با برگ خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود، پرده ای پشمین، یک حصیر، یک دستاس، ظرفی مسین، مشکی از پوست، کاسه ای چوبین برای شیر و پاشیدن آب، یک ابریق، یک سبو و دو کوزه ی گلی تهیه نمود.

بدین ترتیب کار خرید جهیزیه و پرداخت مهریه به انجام رسید. فاطمه (س) به خانه علی (ع) که تنها یک اتاق داشت و متعلق به ام سلمه همسر پیامبر (س) بود، نقل مکان کرد. علی بر فراز بلندی برآمد و فریاد زد: به میهمانی فاطمه بشتابید. مردم همگی به مجلس جشن از دواج آن دو حاضر شدند و در



را با فاطمه در میان گذاردم، اما در چهره ی او آثار نارضایتی مشاهده کردم. اما لختی درنگ کن تا باز گردم.

پیامبر به نزد فاطمه (س) رفت. فاطمه (س) بر پای ایستاد و ردای پیامبر (ص) را برگرفت، نعلین از پای آن حضرت در آورد، و برای وضو آب آورد و به دست خود پیامبر را وضو داد و دو پای آن حضرت را شست و آن گاه نشست. پیامبر به او فرمود: فاطمه! پاسخ داد: بلی... بلی ای رسول خدا! فرمود: علی پسر ابوطالب، کسی است که از مراتب خویشاوندی و فضل و اسلام او به نیکی آگاهی، اینک از دواج با تو را پیشنهاد داده است. تو خود در این باره

شادی اهل بیت شرکت جستند. فاطمه (س) زندگی تازه خود را در خانه علی (ع) آغاز کرد. کارهای داخل خانه را ارتق و فتق می کرد. گندم ها را آسیاب می نمود و از آن ها خمیر می ساخت و سپس نان می پخت. علی (ع) نیز در کارهای منزل او را یاری می کرد. گاهی اوقات به خانه می رفت و شیر می دوشید و هیزم جمع می کرد و از چاه آب می کشید.

رسول خدا (ص) روزی میان آن ها به داوری نشست و کارهای خانه را بین آن دو تقسیم نمود. مسئولیت کارهای بیرون از خانه را به علی (ع) سپرد و کارهای داخل خانه را بر عهده فاطمه (س) گذارد.

چندی بعد فاطمه (س) صاحب فرزندان شد و خود به تربیت و پرورش آن ها همت گماشت و به کارهای آنان رسیدگی کرد. آن چنان که این همه کار، و نیز تنهایی او، سنگین می نمود. بنا به خواست شوهرش، به خدمت رسول خدا (ص) رسید و از او خواست تا خدمتکاری برای کمک به آن ها برگریند. اما پیامبر (ص) از پذیرش این خواسته عذر خواست و تنگدستی مردم و کثرت اصحاب صفا، کسانی که نه سرپناه داشتند و نه غذای کافی به یاد وی آورد. پس از گذشت مدتی با بهتر شدن وضع مسلمانان، پیامبر (ص) خواسته دخترش را اجابت کرد و خدمتکاری برای او فرستاد و کارهای خانه میان فاطمه (س) و خدمتکار، بدون هیچ تبعیضی تقسیم شد. یک روز فاطمه (س) به امور خانه می پرداخت و روز دیگر خدمتکار.

فاطمه با عبارتی پوزش خواهانه که در واپسین دم حیات، علی (ع) را با آن خطاب کرده بود، زندگی کوتاه خود را به پایان رسانید.

او به علی (ع) گفت: «ای پسر عمو! تو مرا نه دروغگو یافتی و نه خیانتکار، و از هنگامی که به همسری تو درآمدم، با تو به مخالفت برنخاستم». آن گاه زمانی که شنید علی (ع) به او می گوید: «پناه بر خدا! تو به خداوند داناتر بودی، نیکوکار و پرهیزگار و بزرگووار بودی و بیشتر از دیگران از خداوند پروا داشتی، مرا چه سود که تو را به خاطر مخالفت با من مورد توبیخ و سرزنش قرار دهم. به راستی دوری از تو بر من چقدر گران است!»؛ با آرامش خاطر، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

سخنانی که به اختصار نقل کردم، مرا از بحث و توضیح پیرامون زندگی خصوصی و خانوادگی آن حضرت بی نیاز می کند.

پی نوشت

۱. آل عمران ۶۱



ادبیات
آئینہ



یاس احمد عزیزی

یاس بوی مهربانی می دهد
 عطر دوران جوانی می دهد
 یاس ها یادآور پروانه اند
 یاس ها پیغمبران خانه اند
 یاس ما را رو به پاکی می برد
 رو به عشقی اشتراکی می برد
 یاس در هر جانوید آشتی است
 یاس دامان سپید آشتی است
 در شبان ما که شد خورشید؟ یاس
 بر لبان ما که می خندید؟ یاس
 یاس یک شب را گل ایوان ماست
 یاس تنها یک سحر مهمان ماست
 بعد روی صبح پرپر می شود
 راهی شب های دیگر می شود
 یاس مثل عطر پاک نیت است
 یاس استنشاق معصومیت است
 یاس را آئینه ها رو کرده اند
 یاس را پیغمبران بوییده اند
 یاس بوی حوض کوثر می دهد
 عطر اخلاق پیمبر می دهد
 حضرت زهرا دلش از یاس بود
 دانه های اشکش از الماس بود
 داغ عطر یاس زهرا زیر ماه
 می چکانید اشک حیدر را به چاه
 عشق محزون علی یاس است و بس
 چشم او یک چشمه الماس است و بس
 اشک می ریزد علی مانند رود
 بر تن زهرا! گل یاس کی بود
 گریه آری گریه چون ابر چمن
 بر کی بود یاس و سرخ و نسترن
 گریه کن حیدر که مقصد مشکل است
 این جدایی از محمد مشکل است
 گریه کن زیرا که دخت آفتاب
 بی خبر باید بخوابد در تراب
 گریه کن زیرا که گل ها دیده اند
 یاس های مهربان کوچیده اند
 گریه کن زیرا که شبنم فانی است
 هر گلی در معرض ویرانی است
 ما سر خود را اسیری می بریم
 ما جوانی را به پیری می بریم
 زیر گورستانی از برگ رزان
 من بهاری مرده دارم ای خزان!
 زخم آن گل در تن من چاک شد
 آن بهار مرده در من خاک شد
 ای بهار گریه بار نامید
 ای گل مایوس من! یاس سپید

ریل مثنوی حرکت می کنم، قلبم به ضرباهنگ
 غزل می زند. من به کاسه های دو بیتی کاربابا و
 کلاً صنایع دستی اهالی دشتستان هم فوق العاده
 علاقه مند. گاه گاهی هم به کلبه خیام می روم،
 در کوزه های رباعی غرق می شوم.

گفت و گوی احمد عزیزی
 با ماهنامه صبح، شماره ۶۸، فروردین ۱۳۷۶

عزیزی در چهارم دی ماه ۱۳۳۷ در سرپل ذهاب
 کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با عشایر

محبوبین اهل هچمدان

احمد عزیزی شاعر بر جسته کشورمان
 که هم چنان در کما به سر می برد

سیاه چادر نشین حشر
 و نشر فراوان داشت و
 قبل از رفتن به دبستان،
 خواندن و نوشتن را بدون
 داشتن معلم و تنها از روی
 کنجکاوی و تأمل و دقت از
 نوشته های روی تابلوها و



اسامی خیابان ها... به خوبی فراگرفت. وی قبل از
 پیروزی انقلاب اسلامی به دعوت شمس آل احمد
 به تهران آمد و موفق به دیدار شهید آیت الله
 مطهری شد. وی با آغاز جنگ به همراه خانواده
 به تهران آمد و سپس برای مدتی ساکن شهرستان
 نور شد. سپس در تهران اقامت گزید و به همکاری
 با روزنامه جمهوری اسلامی پرداخت.

آثار

«کشفهای مکاشفه» ۱۳۶۷، «شرحی آواز» ۱۳۶۸،
 «خوابنامه و باغ تناسخ» ۱۳۷۱، «ترجمه زخم»
 ۱۳۷۰، «باران پروانه» ۱۳۷۱، «رودخانه رؤیا»
 ۱۳۷۱، «ملکوت تکلم»، «سیل گل سرخ» ۱۳۵۲.
 احمد عزیزی شاعر بر جسته کشورمان از عصر
 روز چهارشنبه ۱۵ اسفندماه به دلیل عارضه
 قلبی و کلیوی به کما رفت و بستری شد.
 عزیزی بعد از حدود دو ماه از تخت به پایین
 منتقل و برای دقیقری روی ویلچر حرکت داده
 شد. وقتی مادر او را بوسید، احمد هم متقابلاً
 چند بار بر گونه های مادر بوسه زد.

هیچ بن هیچ اهل هیچمدان. من بچه عشق،
 متولد محبت، ساکن سماوات، مقیم ملکوت
 هستم. هشت هزار سال میلادی دارم. در
 سال هزار و سیصد و سی و هفت شمسی
 تبریزی در قصبه مثنوی پا به عرصه عدم
 گذاشتم، مادرم مرا در آخرت به دنیا آورد، من
 در شهر تهران شاه متولد شدم.

پدرم دهقانی از دوره بیهقی و خوش نشینی در
 دامنه شاهنامه است. ما از ایلپاد ادیسه ایم. ما
 از مهاجران مرزهای ملکوتیم، ایل ما از
 سرزمین های ازلی به کوهپایه های ابدی
 مهاجرت کرده است. مردم ما از راه فروش
 عشق و دوشیدن شعر، زندگی می کنند. ما
 ساکن روستای فطرتیم، رودخانه رؤیا در
 خانه ی ماست، شبانان ما در شرحی آواز
 حرکت می کنند. زنان ما از باغ تناسخ میوه
 می چینند. مردان ما شب ها به کرسی سماوات
 تکیه می دهند و خوابنامه می خوانند. شهر
 من، غزستان است. اهالی غزستان به یک
 واژه نامه ی ابدی گرفتارند.



دهقانان ما کفش های مکاشفه می پوشند و
 به کوه می روند. هر سال در ده ها سیل گل
 سرخ می آید و دره های دل ما باران پروانه
 می گیرد. ما ماهیگیران ملکوت تکلم و
 کوچ نشینان کبریا ایم. مردان ما ساده زندگی
 می کنند. پوشش زنان ما از برگ درختان
 تجلی است. کودکان ما در کوچه های
 کهکشان به تیل بازی ستارگان می روند.
 بچه های ما به اندازه ملکوت قد می کشند و به
 قدر کائنات بزرگ می شوند. ما با ابزار تکامل
 به کارخانه توحید می رویم و اجناس الهی و
 محصولات معنوی تولید می کنیم.

خاک ما جلگه جاودانگی است. مادر سرزمین
 ستاره ها به دنیا می آید و در کرانه خورشیدها
 خاموش می شویم. مردم شعرهای مرا با
 شطحیات می شناسند. بعضی ها عادت دارند
 مراباطحیات صدا کنند، بعضی ها برای مثنوی
 حلوا حلوا می کنند. اما من خود غزل را نصیبه
 ازل می دانم و در رودخانه شطحیات به دنبال
 رگه های طلایی غزل می گردم. حتی وقتی بر

سیلی ستم در حرم آل علی فاطمه‌ها را. به خدا پیش‌تر از این ستم و ظلم و جنایت چه به مکه، چه مدینه، چه سر کوچه و بازار، ندیدند ندیدند قد و قامت ما را. گر از این ظلم و ستم ابر شود آتش و باران همه خون گردد و چون سیل بیارد به زمین یا که سماوات شوند از همه سو پاره و ریزند ز افلاک به روی کره‌ی خاک و یا باز شود کام زمین و بکشد در دل پر آتش خود خلق جهان را عجیبی نیست، شما نامه نوشتید که فرزند پیمبر به سوی کوفه بیاید، در رحمت به سوی خلق گشاید، همه گفتید که باید پسر فاطمه بر ما ره توحید نماید، به چه تقصیر کشیدید به رویش ز ره کینه و تزویر همه نیزه و شمشیر، گه از سنگ و گهی تیر، کج رفت جوان مردی و قدر و شرف و غیرت و مردانگی. افسوس که کشتید پس از کشتن هفتاد و دو تن مثل علی اکبر و عباس نهادید به نی رأس امام شهدار را.

کوفه رفته است فرو یکسره در ننگ، از این خطبه شده زاده‌ی مر جانانه دگر شیشه‌ی عمرش هدف سنگ، که ناگاه سر یوسف زهرا به سر نیزه عیان گشت، همان روبه‌روی محمل زینب همه گفتند امان از دل زینب، به جبین خون و به رخ زخم و به لب آیه‌ی قرآن. چه دل انگیز صدایی، چه ندایی، چه نوایی که زمام سخن از زینب مظلومه گرفته، نه همین برد دل خواهر خود را که دل دشمن خود را، نه دل دشمن خود را که دل قاتل خود را، همه گشتند در آن جلوه‌گری محو جمالش، همه مبهوت جلالش، همه دادند به انگشت نشانش، نگه او به روی زینب و زینب نگه افکند به رویش که هلالم! چه قدر زود غروب تو سیه کرد همه ارض و سما را.

گل احمد، گل حیدر، گل زهرا، همه‌ی آرزوی من، به سر و صورت خونین و به پیشانی بشکسته و لب‌های به خون شسته و چشمان خداین و به اشکی که روان است ز چشمت، به رگ پاره و خونی که روان است ز رگ‌های گلویت، نگهم کن، نگهم کن، نگهم کن که دلم پاره شد از نغمه‌ی قرآن سرت بر سر نیزه، عجا فاطمه می‌گفت به من قصه‌ی داغ تو، نمی‌گفت که روزی به سر نیزه سر پاک تو بر محمل من سایه کند، لب بگشای به لب آیه‌ی قرآن، نه به من، با گل نورسته‌ی خود حرف بزن، در تب و در تاب شده، بر تو دلش آب شده، تا ز تنش روح نرفته است بخوان بار دگر آیه‌ی قرآن و بگو ذکر خدا را.



بخوان بار دگر آیه قرآن و بگو ذکر خدا را

بحر طویل خطبه‌ی حضرت زینب (س) در کوفه

بی‌عار. عجیب است که دارید بدین ننگ به دل ناله به رخ اشک. الهی نشود اشک شما خشک و بگریید به این ننگ که بر دامن آلوده نهادید. شما آن زنی هستید که بگسیخت همه رشته‌ی خود را و شما سبزی فاسد شده در مزبله‌هایید، شما هم چو گچ روی مزارید، ندارید به جز زشتی و پستی و دورویی که خود آراسته‌مانند زنان در اجنبیانید. بگریید که پستید، نخندید که مستید، همین لکه‌ی ننگی که نهادید به دامن، به خدایی خدا پاک به صد بحر نگرده، نتوان شست به آب دو جهان ننگ شما را.

وای بر حال شما مردم کوفه! به جگر پاره‌ی پیغمبر اسلام، چه کردید که از آن، جگر ختم رسل پاره شد و سوخت، بدانید که از آتش بیداد شما سوخت دل فاطمه، آن بضعه‌ی پیغمبر اکرم، به خود آید و ببینید چه خون‌های شریفی ز دم تیغ شما ریخته بر خاک، چه تن‌های لطیفی که ز شمشیر شما شد همه صد چاک، چه بی‌باک کشیدید به آتش حرم آل نبی را و کشانید به صحرا و درو دشت، زن و دختر و اطفال صغیری که نهادند سر از کثرت وحشت به بیابان و دویند روی خار مغیلان و زدید از ره بیداد به کعب نی و

کوفه شهری است پر از فتنه و آشوب و بلا، صحنه‌ای از کرب و بلا، خلق ز اطراف و ز انکاف روان گشته سوی شهر، گروهی به جگر سوز و گروهی به بصر اشک و گروهی ز خوارج همه خشنود ز خشم احد قادر معبود.

همه منتظر عترت پیغمبر اسلام، به کوفه شده اعلام که از جور و جفا و ستم و گردش ایام، رسیدند به آیین اسارت حرم‌الله، به عز و شرف و جاه، به اشک و شرر و آه ستاندند و گشودند همه چشم تماشا، که ببینند اسیران شه کرب و بلارا. در آن هلهله و شور، گروهی شده محزون و گروهی شده مسرور، گروهی ز خدا دور، در آن عرصه‌ی محشر، صدف بحر ولایت، ثمر نخل ولا، دخت علی، شیر خدا، جلوه‌ی مصباح هدی، شیرزن کرب و بلا، زینب کبری، به همان شیوه‌ی حیدر، به همان عزت مادر، به بلندای مقام دو برادر، به فصاحت، به بلاغت، به شهامت، به شجاعت، چو یکی کوه مقاوم، به خروش دل دریا، به نهیبی که صلا‌ی علوی داشت به نام احد قادر منان، به چنین خطبه سخن گفت که دیدند به نطقش نفس شیر خدا را.

بعد حمد احد و نعت محمد همه دیدند که آن عصمت‌دادار، ندا داد که ای وای بر احوال شما مردم غدار ستم‌پیشه‌ی مکار جنایتگر

مرثیه آفتاب

نگاهی به شعر عمان سامانی

نویسنده: حسین آهی



میرزا نورالله عمان سامانی فرزند میرزا عبدالله فرزند میرزا عبدالوهاب قطره اصفهانی سامانی شاعری عارف و ادیبی صاحب کمال به شمار می‌آمد. او را قصیده‌ای لامیه است در مدیحت امام علی بن ابی طالب (ع) با مطلع ذیل که سخت معروف است:

به پرده بود جمال جمیل عزّ و جل
به خویش خواست کند جلوه‌ای به صبح ازل
چو خواست آن که جمال جمیل بنماید
علی شد آینه، خیر الکلام قل و دل
من از مفصل این نکته مجملی گفتم
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

میرزا عبدالله پدر گرامی عمان نیز از شاعران بود و جیحون تخلص می‌نمود. و نیز جد وی میرزا عبدالوهاب، تخلص قطره را برای خویش برگزیده بود و عم دانشور عمان نیز متخلص به دریا بود. عمان از خانواده‌ای است که بیشتر آنان اهل شعر و فضل بوده و از اصحاب معرفت به شمار می‌آمدند. وی خود از مردان بزرگ و فاضلان عارف روزگار خویش خوانده می‌شد.

یکی از آثار جاودانه وی منظومه گنجینه اسرار است که در شرح وقایع انقلاب عاشورای سال ۶۱ هجری، و نیز در بسط دقائق شهادت و اسرار آن بازبانی فصیح و بیانی بلیغ و شیوه‌ای بلند و دلپسند به رشته نظم کشیده شده و بر جزالت طبع و لطافت اندیشه سراینده‌اش دلیلی بس آشکار است.

عمان را تألیف گران‌مایه و ارز‌شمند دیگری است با نام سفینه‌الدرر که در ترجمه حال شعرای چهار محال، با خامه‌ای منشیانه و روشی فاضلانه نگارش یافته و دیوان او نیز شامل ده دوازده هزار بیت است. این دیوان را استاد علامه جلال الدین همایی در قصبه‌ی سامان نزد محیط سامانی فرزند مرحوم عمان دیده و شرحی مفصل پیرامون احوال آن مرحوم در مقدمه‌ی دیوان طرب نگاشته است. عمان از عرفای سخنور بوده و رحلتش در شب



که آهست اکبر را چه وقت لنگی است
دیز شد هنگام رفتن ای پدر
رخستی گر هست باری زودتر

در جواب دادن آن ولی، اکبر اباتو جهات و تفقذات،
مر نور دیده‌ی خود علی اکبر را بر مصداق:
در جواب از تنگ شکر قنر ریخت
شکر از لب‌های شکر خنر ریخت
گفت: کای فرزند مقبل آمدی
آفت جان، رهن دل آمدی
کرده‌ای از حق تجلی ای پسر
زین تجلی فتنه‌ها داری به سر
راست بهر فتنه قامت کرده‌ای
وه کز این قامت قیامت کرده‌ای
نرگست بالاله در طنازی است
سنبلت با ارغوان در بازی است
از رخت مست غرورم می‌کنی
وز مراد خویش دورم می‌کنی
گه دلم پیش تو گاهی پیش دوست
رو که در یک دل نمی‌گنجد دو دوست
بیش از این بابا! دلم را خون مکن
زاده‌ی لیلی! مرا مجنون مکن
پشت پا بر ساغر حالم مزین
نیش بر دل، سنگ بر بالم مزین
خاک غم بر فرق بخت دل مریز
بس نمک بر لخت لخت دل مریز
هم‌چو چشم خود به قلب دل متاز
هم‌چو زلف خود پریشانم مساز
حایل ره، مانع مقصد مشو
بر سر راه محبت سد مشو
لن تنالوا البر حتی تنفقوا
بعد از آن مما تحبون گوید او
نیست اندر بزم آن والانگار
از تو بهتر گوهری بهر نثار
هر چه غیر از اوست سد راه من
آن بت است و غیرت من بت شکن
جان رهین و دل اسیر چهر توست
مانع راه محبت، مهر توست
آن حجاب از پیش چون دور افکنی
من تو هستم در حقیقت، تو منی
چون تو را او خواهد از من رونما
رونما شو، جانب او رو نما

خانه بر انداز که گرد تعلقات به باران مجاهدت
فرو نشانده، و نقود تعینات رابه هوای مشاهدات
بر فشانده است و شرح پاره‌ای از حالات علی اکبر
سلام الله علیه که در مرتبه‌ی والاترین تعینات و
در منزل‌ه‌ی بالاترین تعلقات بود». باز اندر هر قدم در ذکر شاه
از تعلق گردی آید سد راه
پیش مطلب سد بایی می‌شود
چهر مقصد را حجابی می‌شود
ساقی! ای منظور جان افروز من
ای تو آن پیر تعلق سوز من
در ده آن صهبای جان پرورد را
خوش به آبی بر نشان این گرد را
تا که ذکر شاه جانبازان کنم
روی دل با خانه پر دازان کنم
آن به رتبت موجد لوح و قلم
و آن به جانبازی ز جانبازان علم
بر هدف تیر مراد خود نشانند
گرد هستی را بکلی بر فشانند
کرد ایثار آن چه گرد آورده بود
سوخت هر چه آن آرزو را پرده بود
از تعلق پرده‌ای دیگر نماند
سد راهی جز علی اکبر نماند
اجتهادی داشت از اندازه پیش
کآن یکی را نیز بردارد ز پیش
تا که اکبر بارخ افروخته
خرمن آزادگان را سوخته
ماه رویش کرده از غیرت عرق
هم‌چو شبنم صبحدم بر گل ورق
بر رخ افشان کرده زلف پر گره
لاله را پوشانده از سنبل زره
نرگش سر مست در غارتگری
سوده مشک تر به گلبرگ تری
آمد و افتاد از ره با شتاب
هم‌چو طفل اشک، بر دامان باب
کای پدر جان! هم‌رهان بستند بار
ماند بار، افتاده‌اند در رهگذار
قاسم و عبداله و عباس و عون
آستین افشان ز رفعت بر دو کون
از سپهرم غایت دل‌تنگی است

سه‌شنبه دوازدهم ماه شوال سال ۱۳۲۲ ق
روی داده و پیکرش را بنا بر وصیتش به نجف
اشرف منتقل نموده‌اند. از آن جا که لقبش
عمان تاج الشعرا بوده، ماده تاریخ وفات وی را
این‌گونه گفته‌اند:
گفتا به جنان آمد تاج الشعرا عمان (۱۳۲۳)
اینک در پی، گنجینه اسرار را باز می‌گشاییم
و از انفاس قدسی اصحاب معرفت یاری
می‌جوییم.

کیست این پنهان مراد در جان و تن
کز زبان من همی گوید سخن
این که گوید از لب من راز کیست
بنگرید این صاحب آواز کیست
در من این سان خودنمایی می‌کند
ادعای آشنایی می‌کند
کیست این گویا و شنوا در تنم
باورم یارب نیاید کاین منم
خوش پریشان با منش گفتار هاست
در پریشان با منش اسرار هاست
با خدنگ غمزه صید دل کند
دید هر جا طایری بسمل کند
گردنی هر جا در آرد در کمند
تا نگوید کس اسیرانش کم‌اند
عمان سامانی این سخن آفرین شوریده‌حال،
و این عارف صاحب کمال که بازار او از
آتش عشق حسینی گرم است، از زمره‌ی
پاک‌باختگانی است که از همگان پرداخته و به
حسین بن علی (ع) پیشتاز بلنداندیشان قرون
و اعصار دل‌باخته و از تأثیر این دل‌باختگی
ایباتی شورانگیز ساخته که هر اهل دلی را
مجدوب می‌کند.
«در بیان آن که طالبان راه، و عاشقان لقاء الله را،
از خلع تعینات و قلع تعلقات که هر یک مقصد
و مقصود را سد راه‌اند، و حجابی همت‌کاه،
گریزی نیست، چه عارف را حذر از آفات، و
موحد را اسقاط اضافات واجب است».
چو ممکن گرد هستی بر نشانند
به جز واجب دگر چیزی نماند
«و اشارت بدان موحد بی‌نیاز و مجاهد



در ایام فاطمیه، طی تماس تلفنی که با تنی چند از اساتید و شاعران آیینی گرفته شد، این عزیزان بذل محبت نموده و جدیدترین اشعار خویش در رثای بانوی آب و آیین، حضرت فاطمه زهراء (س) را در اختیار تحریریه ماهنامه خیمه قرار دادند. همین جاز لطف تمامی این گرامیان کمال سپاس را داریم.

بنفشه گفت

بنفشه می‌رود از این چمن قیام کنید
گلاب و آینه از چشم خویش وام کنید
بنفشه تازه گرفته است انس با پاییز
برای بدرقه اش کم تر از دحام کنید
بنفشه رفت و به گل‌های ارغوان پیوست
سزد چو لاله شما خون دل به جام کنید
بنفشه رفت شما چون ستاره‌ی پروین
شب وداع به خود خواب را حرام کنید
بنفشه گفت که این نیست رسم گل چیدن
معاشران پس از این ترک این مرام کنید
بنفشه پشت در این درس را به ما آموخت
که سینه را سپر یاری امام کنید
بنفشه گفت اگر دست عشق را بستند
شما به یاری آلاله‌ها قیام کنید
بنفشه گفت در این باغ هر چه بود گذشت
خدای را حذر از روی انتقام کنید
بنفشه گفت در آن سوی باغ منتظرم
که با نسیم سحر یاد از این پیام کنید
بنفشه گفت نه تنها به آسمان کبود
به رنگ نیلی دریا هم احترام کنید
بنفشه گفت که با مهر عترت یاسین
مگر محبت خود را به ما تمام کنید
بنفشه دل نگران چهار نسترن است
به باغبانی این غنچه‌ها قیام کنید
بنفشه چشم به راه دو دست نورانی است
بر این بنفشه، بر آن دست‌ها سلام کنید
بنفشه گفت از امروز هر شقایق را
شفق خطاب کنید و بنفشه نام کنید

محمد جواد غفورزاده (شفق)



نخل ولایت

زه‌رای من که غصه تو را پیر کرده است
دردا که با تو بازی تقدیر کرده است
تو سینه‌سوز دردی و من خانه‌سوز صبر
ما هر دور از زمانه زمین گیر کرده است
آیات درد بر سر و رویم نشسته است
در من ز بس ملال تو تأثیر کرده است
ای نخل سر بلند ولایت! جفای خلق
غم را به خانه‌ی تو سرازیر کرده است
آن عزت گذشته کجا، این ستم کجا
رفتار مردم این همه تغییر کرده است
شیرینی حیات علی! ترک من نگو
کم تر بگو که مرگ چرا دیر کرده است
عشق علی! بهشت پیمبر! چه روی داد
کاین قدر رنگ و روی تو تغییر کرده است
فریاد از این گروه که آیات وحی را
بر له خود علیه تو تفسیر کرده است
دستت شکست کاش نباشد علی مگر
ضرب غلاف کار چو شمشیر کرده است
خواب تو را که سوی پدر می‌کنی سفر
تابوت پیش ساخته تعبیر کرده است
آن جا که می‌زدند تو را، هیچ کس نگفت
این بضعه‌النبی است، چه تقصیر کرده است

سید رضا مؤید

ای عشق نبی سرشته با آب و گلت
ای مهر علی روشنی جان و دلت
ای سوره‌ی کوثر از نگاهت جاری
یک آیه بخوان «بأی ذنب قتلت»

گل سرخ‌هاشم

گل را خزان ظلم زمین گیر کرده است
افسرده دل شکسته ز جان سیر کرده است
از لحظه وداع «گل سرخ‌هاشمی»
«یاس کبود» این همه تغییر کرده است
بعد از غروب شمس نبوت در این دو روز
شب‌ناله‌های فاطمه تأثیر کرده است
این سیل اشک «ماه مدینه» است یا کسی
از آسمان ستاره سرازیر کرده است
تا زودتر به فیض وصال پدر رسد
می پرسد از اجل که چرا دیر کرده است
«هجده بهار» دارد و تا آخرین نفس
با دشمنان نبرد نفس گیر کرده است
در اوج خطبه خوانی در مسجدالنبی
اسلام را در آینه تفسیر کرده است
الله اکبر از سخن آتشین او
یک خطبه کار صدها شمشیر کرده است
محراب آمده است به فریاد، نیمه شب
انگار او اراده‌ی تکبیر کرده است
تا چلیچراغ راه شود اهل بیت را
آیات وحی را همه تفسیر کرده است
آیین‌های تمام‌نمای مقدرات
متن «صحیفه» ای است که تقریر کرده است
در اوج بندگی خدا جان خویش را
روشن ز نور آیه‌ی تطهیر کرده است
ایام نقش غربت «مولود کعبه» را
در چشم‌های فاطمه تصویر کرده است
با افتخار سینه سپر کرد پشت در
کی کار را حواله به تقدیر کرده است.
در قحط‌سال غیرت و مردی کسی نگفت
این «گلبن عفاف» چه تقصیر کرده است
محمدجواد غفورزاده (شفق)

صاعقه غم

گرد ماتم که نشستنی به روی چادر من
بنگر حال و هوای دل از غم پر من
با وجودی که شرف بر همه عالم دارم
کوهم اما به جگر آتشی از غم دارم
آسمان‌ها و زمین یکسره در مشیت من اند
لشکر جان به کف حور و ملک پشت من اند
انبیا جمله به نامم متوسل شده اند
ایمن از دغدغهی لشکر باطل شده اند
من که پیوسته به لاهوت تشریف دارم
در امور همه‌ی عرش تصرف دارم
باید از کینه‌ی دشمن شکند پهلویم؟
به سپیدی رسد از جور زمانه مویم؟
دست‌های شرک که از باده‌ی قدرت مستند
در سکوت همه داستان علی را بستند
همه در عافیت خانه‌ی خود پنهان اند
گرچه در ظاهر خود مدعی ایمان اند
آسمان خواست بیفتد به روی خاک ولی
ماند در جای خودش گوش به فرمان علی
من که خود در دل هر حادثه طوفان زده‌ام
آمده صاعقه‌ی غم بکند بنیادم
سایه‌ای آمد و چشمان مرا تار نمود
ضربتی آمد و بر خاک فرو افتادم
راه این خانه کجا بود؟ نمی دانم آه
برق این صاعقه‌ی سخت ببرد از یادم
یک مسلمان عجبا در همه‌ی شهر نبود
تا در آن حالت غربت برسد بر دادم
همه دیدند و گذشتند، خداپا افسوس
هیچ کس محض رضای تو نکرد امدادم
ای پدر! رفتی و انگار پس از رفتن تو
هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم
سید محمد با مامیری

روز مبادا

نمی از چشم‌های تو، چشمه، رود، دریا هم
کمی از رد پای تو، جنگل، کوه، صحرا هم
عصایت چاره‌ی طوفان، دمت آب حیات جان
تویی تو نوح، عیسی هم، تویی تو خضر، موسی هم
صدایت نغمه‌ی داود، حسنت سوره‌ی یوسف
مرا ذوق شنیدن می‌گشدد، شوق تماشا هم
تو آن ماهی که در پایت تلاطم می‌کند دریا
من آن دریای سرگردان دور افتاده از ماهم
اسیر روی ماه تو، تب و تاب نگاه تو
نشسته بین راه تو، نه تنها من که دنیا هم
تمام روزها بی‌تو شده روز مبادا، نه
که می‌گرید به حال و روز ما «روز مبادا» هم
همین امروز تا مثل غروب جمعه دلگیر است
که بی‌تو تیره و تلخ است، چون دیر روز، فردا هم
جهانی را که پژواک صدایت رانمی‌خواهد
نمی‌خواهم، نمی‌خواهم، نمی‌خواهم، نمی‌خواهم
سید جواد شرافت



عاشورا

سینما، سینما

تأثیرپذیری و الهام سینما از واقعه کربلا

دین و مفاهیم و انگاره‌های دینی به همراه حوادث و وقایع تاریخی وابسته به آن همواره با هنر و اندیشه و شؤون مختلف آن، تعاملی دیرینه داشته و در مقام منبع و مرجع آفرینش ادبی و هنری مورد توجه فرهیختگان و اهل نظر بوده است. قصد نگارنده از طرح این موضوع، البته تحلیل هنر یا سینمای دینی نیست که توضیح این مناقشه‌ی پیچیده، در حوصله این مقال نیست و فرصتی فراخ‌تر می‌طلبد، اما با هر نوع نگرش و تفسیری راجع به هنر دینی نمی‌توان از پتانسیل و ظرفیت‌های ادبی و نمایشی و تصویری موجود در تاریخ دین به سادگی گذشت. بسیاری از حوادث و وقایعی که در بستر دینی اتفاق افتاده است، به خودی خود و به عنوان یک پدیده انسانی و تاریخی دارای وجوه دراماتیک و داستانی است و از قابلیت بالایی جهت تولید و آفرینش گونه‌های مختلف هنری برخوردار است. بسیاری از ما داستان‌های قرآنی و مذهبی زیادی از زندگی بزرگان دین را به خاطر داریم و هنوز نیز از شنیدن و خواندن مکرر آن لذت می‌بریم؛ داستان‌ها و روایت‌هایی از تجربیات سیره پیامبران و امامان که چه بسا با مطالعه آن، تصویرسازی ذهنی و تداعی نمایشی آن در عالم انتزاعی شکل می‌گیرد و هم‌چون یک خاطره ازلی و اسطوره‌ای در ذهن‌ها باقی می‌ماند. روح جاودانه و مقدسی که بر فضای دراماتیک و ساختار نمایشی برخی حوادث و پدیده‌های دینی حاکم است نیز به استحکام این خاطرات و تداوم لذت‌های آن دامن می‌زند. هنوز ما از تماشای فیلم محمد

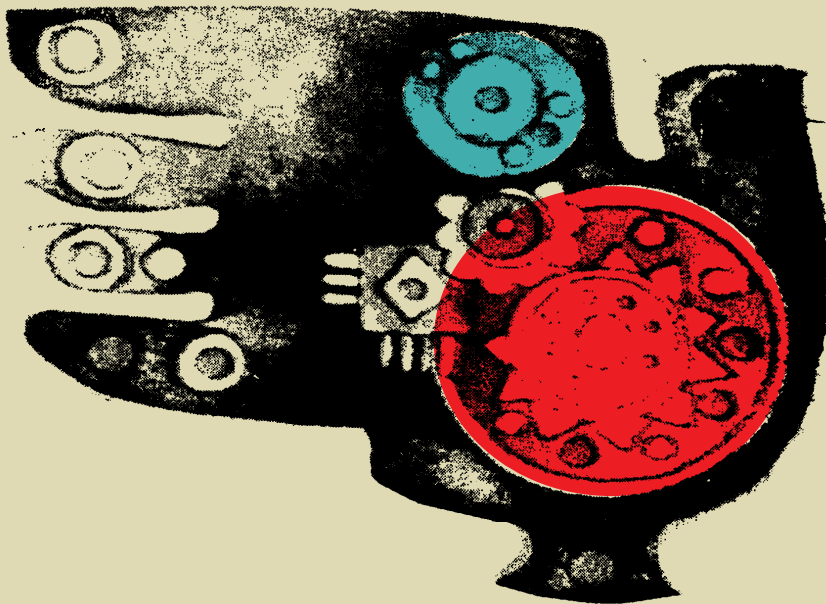
رسول الله و ده فرمان و داستان ابراهیم و نوح و موسی (ع) لذت می‌بریم و قصه آن‌ها هم چون یک فیلم سینمایی در اذهان مخاطبان به یادگار مانده است.

یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخی که در ساحت و بستر دینی نیز روی داده و شاید بیش از وقایع دیگر مورد توجه اهالی هنر قرار گرفته، واقعه کربلا و حادثه عاشورا است.

عاشورا و سیر حوادث کربلا یک قصه حماسی و تراژیک است که عناصر داستانی لازم برای طرح و تولید یک اثر نمایشی را دارد. وجود قهرمان و ضدقهرمان، فراز و فرودهای قصه، شکست و پیروزی، گفتارها و دیالوگ‌های قدرتمند و لوکیشن و موقعیت‌مندی داستان و... مؤلفه‌هایی هستند که در یک چیدمان داستانی به آفرینش یک اثر ماندگار کمک می‌کنند. در میان ژانرهای گوناگون هنری شاید سینما کم‌ترین نسبت را با این حادثه تاریخی دارد و شاید یکی از دلایل مهم آن، تأخیر زمانی هنر هفتم در تعامل با این حادثه نسبت به هنرهای دیگر است، و گرنه در حوزه نمایش و شعر و ادبیات، آثار متعددی تحت تأثیر این واقعه و مسائل انسانی آن خلق شده است. تعزیه به عنوان یک نمایش شرقی، اساساً محصول مستقیم روایت‌های هنر با این حادثه تاریخی مذهبی است که اتفاقاً با مخاطبان عام نیز ارتباط خوبی برقرار کرده است و شاید به جرأت بتوان گفت، نمونه بارز هنر عاشورایی قطعاً تعزیه است، اما دامنه نفوذ این رویداد مذهبی در مدیوم سینما چندان گسترده و چشمگیر نبوده و دوربین‌های فیلمبرداری نتوانسته در به تصویر کشیدن قصه کربلا و بازنمایی ساحت‌های درونی‌تر آن، کار خاصی انجام دهد.

تأثیرپذیری و الهام سینما از واقعه کربلا را می‌توان در دو حوزه مورد بررسی قرار داد؛ یکی خود حادثه و روایت تاریخی آن است که در قالب ژانرهای تاریخی و مذهبی به خلق فیلم‌های کوتاه و داستانی در این زمینه منجر می‌شود و دیگری آیین و رسوم عزاداری و سوگواری است که در ژانرهای گوناگون سینمایی به تصویر کشیده می‌شود. مناسبات مذهبی صرفاً بازتاب یک اثر دینی نیست و در واقع هنجارها و سنت‌های فرهنگی اجتماعی جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. مثلاً صحنه‌های عزاداری در فیلم‌های نمونه‌ای از این مسئله است که تأثیرات فرهنگی تربیتی این حادثه را در قالب سنت‌های اجتماعی عاشورایی بررسی می‌کند. به عبارت دیگر در اکثر آثار سینمایی ما بیش از آن که خود حادثه

کربلا به عنوان یک داستان قابل پردازش مورد توجه قرار گیرد، باورهای عاشورایی و آیین و رسوم اجتماعی و نمادین بر ساخته‌ی آن به تصویر کشیده شده و تلاش شده از پیام‌های انسانی و معنوی عاشورا در متن اجتماع و مناسبات انسانی امروزی استفاده شود.



روح یک داستان غیرتاریخی بسط می‌دهد و روایت می‌کند. این باورها و انگاره‌های اخلاقی عاشورا است که در سیمای کهن الگوهای اسطوره‌ای در سینمای ما بسط یافته است یا وقایع تاریخی مرتبط با آن که به شکل غیرمستقیم واقعه کربلا را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد. مشهورترین فیلم سینمایی در این زمینه که در حافظه هنری مخاطبان نیز حک شده، روز واقعه شهرام اسدی است که بر اساس فیلم‌نامه بهرام بیضایی در سال ۷۳ ساخته شد و به شکل غیرمستقیم و نمادین به قیام عاشورا و حادثه کربلا خود را نزدیک ساخت. «سفیر» فریبرز صالح در نخستین سال‌های انقلاب، هم‌چنین فیلم‌های داستانی مثل بازرس ویژه منصور تهرانی در

قطعاً بیشترین کاربرد سینما با این رویکرد، در سینمای دفاع مقدس و فیلم‌های جنگی ماصورت گرفته است. در واقع حادثه کربلا در جهان سینمایی ما بیش از آن که به لحاظ دراماتیک تأثیر بگذارد، به شکل ایدئولوژیک مؤثر بوده و نقش این حادثه به عنوان یک تراژدی و پدیده دراماتیک مورد توجه قرار نگرفته است. به عبارتی دیگر درس‌ها و پیام‌هایی که از این واقعه‌ی عظیم برمی‌آید، دستمایه‌ی داستان‌پردازی و فیلم‌سازی قرار گرفته و مورد تأویل و تفسیر مؤلف واقع شده است. سریال‌سازی‌های مناسبتی که در سال‌های اخیر به راه افتاده، نمونه‌هایی از این الهام‌گیری از واقعه عاشورا است که نه متن اصلی که تأویل‌های برگرفته از آن را در

انگیزد، از این رو اثرگذاری این سوژه برای مخاطبان بسیار بالاست.

عاشورا و مراسم و آیین‌های عاشورایی البته در فیلم‌های مستند نیز مورد توجه قرار گرفته و آثار تجربی و حرفه‌ای متعددی در این حوزه ساخته شده است که البته بیش از آن که به خود واقعه بپردازد، به سنت‌ها و آیین‌های مذهبی و عزاداری و شیوه‌های گوناگون آن در مناطق و قومیت‌های مختلف توجه کرده است. شاید بیش از همه‌ی این‌ها و به غیر از تعزیه که ژانر تئاتری عاشورایی است، واقعه کربلا در تئاتر مورد استقبال قرار گرفته است

امروز سینما می‌تواند بیش از سخنرانی و منبر و حتی تعزیه و عزاداری، با قدرت تصویر و رسانه، مخاطبان علاقه‌مند را جذب پیام عاشورا کند، اما یک آسیب جدی، این سینما را تهدید می‌کند و آن سکولار بودن تصویر است. تزریق مفاهیم و آموزه‌های دینی و معنوی در رسانه‌ی سینما، همواره با این خطر مواجه است که هاله‌ی تقدس و ماورائی آن به واسطه نمایش و تصویری شدن، کمرنگ می‌شود و فرومی‌ریزد و یا این که حقیقتی والا و انتزاعی در ساختاری محدود و انضمامی، صورتی مشخص می‌گیرد و از فر بهی و چندلایگی آن کاسته می‌شود. گویا کسوت معنایی و تقدس‌گونه‌ی یک حقیقت ماورائی، به واسطه تصویر و سینمایی شدن، از تن حادثه فرومی‌ریزد و به یک امر عادی و متعارف بدل می‌گردد.

و جشنواره تئاتر عاشورایی در همین راستا راه‌اندازی شده است که هم وقایع و حوادث مختلف در این حادثه و هم داستان‌هایی با رویکرد عاشورایی را به نمایش می‌گذارد. تله‌تئاترهای تلویزیونی را اگر چه به شکلی محدود باید به این مجموعه‌ها افزود.

در میان سریال‌های تلویزیونی نیز شاید بیش از همه، مجموعه «شب دهم» در سال‌های اخیر با تم عاشورایی مورد توجه مخاطبان واقع شده و نشان داده است اگر از عناصر و مؤلفه‌های سینما در طرح داستان‌های مذهبی و دینی به درستی استفاده شود و بویژه فرم و ساختار نمایشی و دراماتیک، فدای پیام‌ها و نظام معنایی اثر نشود، می‌توان به ساخت آثار سینمایی در حوزه‌های مذهبی با مخاطب‌پذیری بالا امیدوار بود. در واقع عاشورا در مقام یک داستان تراژیک و حماسی، جدای از تفاسیر و تأویل‌هایی که می‌توان از آن داشت، بستر خوبی برای شکل‌گیری یک اثر سینمایی ارزشمند است که قهرمان آن با کشته شدن، نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه چهره‌ای اسطوره‌ای‌تر می‌یابد و فراتر از سوپرستارهای معروف می‌نشیند، گرچه نسبت این همانی برقرار کردن میان قهرمان‌های سینمایی و قهرمان‌های تاریخی و دینی، نمی‌تواند مقایسه منطقی و

سال ۱۳۶۰، به خاطر هانیه کیومرث پوراحمد در سال ۱۳۷۳، بال‌های سپید مهدی و ناصر هاشمی در سال ۱۳۷۷ و راه‌طی شده عباس رافعی در سال ۱۳۸۴ نمونه‌هایی از فیلم‌های سینمایی با رویکرد عاشورایی هستند که داستان خود را با الهام از این واقعه ساخته‌اند. اینک باید منتظر بود تا احمد رضا درویش پروژه‌ی عظیم خود، «روز رستاخیز» را درباره‌ی واقعه‌ی عاشورا جلوی دوربین ببرد تا شاهد اولین فیلم سینمایی باشیم که خود قیام عاشورا و حوادث کربلا را به تصویر می‌کشد. درویش که از دو سال پیش مطالعه و تحقیق برای نوشتن فیلم‌نامه روز رستاخیز را شروع کرده، قصد دارد پروژه تاریخی خویش را از مرگ معاویه تا قیام امام حسین (ع) روایت کند. گرچه تجربه روایت تصویری از زندگی ائمه (ع) در قالب سریال‌های تلویزیونی ساخته شده است اما ساخت یک فیلم سینمایی با محوریت قیام کربلا می‌تواند جذابیت‌های بیشتری داشته باشد؛ یکی به دلیل مدیوم آن و فضای خاص سینمایی و دیگری خود موضوع و دامنه‌ی تراژیک آن که دست‌کم در میان مخاطبان شیعه دارای ارزش‌های دراماتیک بیشتری است. داستان زندگی امام حسین (ع) بیش از دیگران، عواطف و احساسات آنان را برمی

خوبی باشد، چرا که قهرمان‌های سینمایی، کاراکترهای مجازی و قهرمان‌های تاریخی، انسان‌های واقعی و زمینی هستند. اتفاقاً یکی از چالش‌ها و موانع عمده فیلم‌سازی در حوزه‌های دینی و مذهبی، همین مسئله است. سینما و هنر باید فراتر از تفاسیر و رویکردهای متضاد و تعصبات و خرافات و بدعت‌های نهفته در این واقعه، به روایت قصه خود بپردازد، قصه‌ای که برای مخاطبان شاید موضوع تازه‌ای نباشد و آنان از پیش، داستان و قهرمان داستان را می‌شناسند و حتی شاید نسبت به قهرمان خویش، حساسیت و تعصبات خاصی دارند؛ قهرمانی که ساخته ذهن کارگردان نیست بلکه از پیش وجود داشته و باید آن چنان که هست، به تصویر کشیده شود. در جهان رسانه‌ای شده‌ی امروز حتی قهرمان‌های مذهبی و اسطوره‌ای نیز خود را در چهره‌ای رسانه‌ای نشان می‌دهند و قدرت و دامنه‌ی نفوذپذیری آن‌ها بر مخاطب بیش از مدیوم رسانه‌های سنتی است.

امروز سینما می‌تواند بیش از سخنرانی و منبر و حتی تعزیه و عزاداری، با قدرت تصویر و رسانه، مخاطبان علاقه‌مند را جذب پیام عاشورا کند، اما یک آسیب جدی، این سینما را تهدید می‌کند و آن سکولار بودن تصویر است. تزریق مفاهیم و آموزه‌های دینی و معنوی در رسانه‌ی سینما، همواره با این خطر مواجه است که هاله‌ی تقدس و ماورائی آن به واسطه نمایش و تصویری شدن، کمرنگ می‌شود و فرومی‌ریزد و یا این که حقیقتی والا و انتزاعی در ساختاری محدود و انضمامی، صورتی مشخص می‌گیرد و از فر بهی و چندلایگی آن کاسته می‌شود. گویا کسوت معنایی و تقدس‌گونه‌ی یک حقیقت ماورائی، به واسطه تصویر و سینمایی شدن، از تن حادثه فرومی‌ریزد و به یک امر عادی و متعارف بدل می‌گردد.

البته این به هنر مؤلف برمی‌گردد که چگونه مفاهیم بلند را در صدف تصویر قرار دهد تا پیام قصه بدون آن که دچار استحاله شود، صید گردد.

بازسازی حادثه و باورهای عاشورایی در سینما به فرآیندی پیچیده‌تر از ژانرهای دیگر نیاز دارد و هم‌چون حقیقت این قیام، سرشار از حادثه و اتفاق است. شاید در رویکرد سینمایی به واقعه عاشورا نیز هیچ سخنی به اندازه توصیه به آزادی خود امام حسین (ع) به کار نیاید. آزادی، تادر به تصویر کشیدن آن چه گذشت، بدعتی صورت نگردد.

شمار از صحنه کربلا حذف می شود

ساخت تله فیلم «شمر کجاست؟»

این فیلم‌نامه با محوریت مذهبی و با نگاهی به واقعه عاشورا به رشته تحریر درآمده است. احمد زالی، تهیه کننده «شمر کجاست؟» با اشاره به مقدمات تولید این فیلم تلویزیونی گفت: «پیش تولید را آغاز کرده ایم و در حال رایزنی و انتخاب عوامل بازی و هم چنین عوامل پشت دوربین هستیم».

وی در ادامه در خصوص موضوع فیلم‌نامه و اهمیت آن گفت: «با توجه به این که فیلم‌نامه‌ی «شمر کجاست؟» به واقعه‌ی کربلا و ایام محرم می‌پردازد، نظر خاصی روی این فیلم‌نامه از لحاظ تهیه یک کار خوب و مطلوب، وجود دارد».

زالی با اشاره به مرحله پیش تولید و زمان کلید خوردن این پروژه اعلام کرد: «احتمالاً طی چند هفته آینده، پیش تولید را به پایان برسانیم و اواخر خردادماه نیز کار را کلید بزنیم».

«شمر کجاست؟»، داستان تعدادی از بچه‌های مدرسه‌ی یک روستا را روایت می‌کند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند در تعزیه‌ای که هر ساله برگزار می‌شود، با برکناری شمر، اجرایی متفاوت داشته باشند. فیلم‌نامه‌ی تله‌فیلم «شمر کجاست؟» توسط احمد زالی در مرکز سیما فیلم مقابل دوربین می‌رود.

فرهنگ‌سازی و تحکیم و تقویت بنیان‌های ارزشی و مبانی اعتقادی مؤثر باشد. وی اظهار داشت: این‌گونه طرح‌ها، برای آشنایی بیشتر نسل جوان با مباحث دینی و ارزش‌های فرهنگ حسینی (ع) و مکتب شهادت، نقشی به‌سزا دارد و به نظر می‌رسد بعضاً در برگزاری و اجرای این‌گونه برنامه‌ها تا حدودی غافل شده‌ایم.

به گفته وی، به دلیل اهمیت این یادواره، به حسب موضوع آن و نیازی که جامعه و نسل جوان و نوجوانان کشور به شناخت عمیق‌تر نسبت به این حوزه دارند، شایسته است متولیان و مسئولان برگزاری، برنامه‌ریزی کنند تا آثار این یادواره به صورت دوره‌ای در شهرستان‌ها و استان‌های مختلف در معرض دید عموم قرار گیرد.

شورجه با بیان این که نباید صرفاً به برپایی یک نمایشگاه بسنده کرد، تأکید کرد: استمرار، لازمه‌ی این برنامه‌هاست و جادار در این حرکت در دسترس تمامی علاقه‌مندان و عاشقان خاندان عصمت و طهارت قرار داده شود.

به اعتقاد وی، عکس و عکاسی یک وسیله‌ی جریان‌ساز تبلیغی است و می‌توان با بهره‌گیری از امکانات عکس و سایر هنرها در راستای نهادینه‌سازی آموزه‌های حسینی و عاشورایی در میان نسل جوان کشور حرکت‌های اصولی ایجاد کرد.

سالن اصلی «تالار محراب» با اجرای نمایش عاشورایی آغاز به کار می‌کند

مدیر تالار محراب در جمع خبرنگاران به تشریح برنامه‌های این تالار پرداخت و گفت: برای اجرای نمایش در تالار محراب، برنامه‌ای را تدوین و در اختیار اداره کل فرهنگ و ارشاد استان تهران قرار داده‌ایم و برای اجرایی شدن آن منتظر تصویب اداره کل ارشاد هستیم.

وی ادامه داد: اولین کار تالار محراب، اجرای نمایش «قربانی» نوشته‌ی سیروس همتی و به کارگردانی خود ایشان است که از دومین روز خردادماه اجرایی می‌شود. در ادامه نیز اجرای سه نمایش «خط طویل تقلا» به کارگردانی شجاع پروند، «پدرانه» به کارگردانی علی اصغر راسخ و «جاثلیق» به کارگردانی رسول نقوی قطعی شده است.

نوشیر اضافه کرد: این تالار زیرمجموعه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی است و به همین

دلیل اولویت‌های مانیز رسیدگی به گروه‌های نمایشی استان‌های تهران خواهد بود.

مدیر تالار محراب اضافه کرد: تمام تلاش خود را خواهیم داشت که گروه‌های نمایشی بتوانند به راحتی در این تالار اجرای خود را داشته باشند و در طول اجرا نیز امکانات مناسب نور، طراحی صحنه، و صدا را برای هنرمندان فراهم می‌کنیم. هم‌چنین کمک‌هزینه‌ای نیز از همایش آیین‌های عاشورایی گرفته‌ایم که از آن برای ساخت دکور و امکانات صحنه استفاده کرده‌ایم، اما یکی از مشکلات ما، تهیه پوستر و بروشورهای نمایش است که نمی‌توانیم هیچ هزینه‌ای اختصاص دهیم.

با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛

«مسافر کربلا» فیلم می‌شود

«مسافر کربلا» عنوان کتابی از داود میزیان است که به زودی توسط بیژن شکرریز در قالب یک فیلم ساخته می‌شود.

سیدمهدی شجاعی فیلم‌نامه این فیلم را با برداشتی آزاد از کتاب مسافر کربلا نگاشته است. پروژه‌ی ساخت این فیلم که هم‌اکنون در مرحله پیش تولید قرار دارد، به زودی در مسیر تهران تا کربلا آغاز می‌شود. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حمایت مالی این فیلم را بر عهده دارد.

به همت مؤسسه ناجی هنر

«عکس‌های یاران حسین (ع)» کتاب شد

روابط عمومی یادواره عکس یاران حسین (ع) اعلام کرد: این مجموعه توسط مؤسسه ناجی هنر و به کوشش علی‌رضا کریمی صارمی هم‌زمان با افتتاح اولین یادواره عکس یاران حسین (ع) در دوازدهم خرداد توزیع می‌شود. کتاب مجموعه عکس‌های نمایشگاه یاران حسین (ع) شامل پانزده عکس از ۷۸ عکاس از سراسر کشور است که از میان ۲۱۶۱ عکس رسیده به دبیرخانه یادواره انتخاب شده‌اند. این کتاب به دوزبان فارسی و انگلیسی منتشر می‌شود.

اولین یادواره عکس یاران حسین (ع) از ۱۲ تا ۱۸ خردادماه به همت مؤسسه ناجی هنر با همکاری مؤسسه مالی و اعتباری قوامین در سالن حجاب تهران برپا می‌شود.

با هنر می‌توان آموزه‌های عاشورایی را در میان نسل جوان نهادینه کرد

جمال شورجه، کارگردان سینما و تلویزیون در آستانه برگزاری اولین دوره نمایشگاه عکس یاران حسین (ع) که از ۱۲ تا ۱۸ خرداد در تهران برپا می‌شود، گفت: برگزاری این نمایشگاه را در تهران بلوکه نکنیم و شایسته است آن را در سراسر کشور و در مقیاس فرامرزی و بین‌المللی برگزار نماییم.

وی افزود: این‌گونه حرکت‌ها نباید مقطعی و زودگذر باشد، چرا که در پرتو تداوم و استمرار این حرکت‌ها، شاهد به بار نشستن آن و شکل‌گیری دستاوردهای ماندگار و تأثیرگذار خواهیم بود.

وی ادامه داد: نباید برگزاری یادواره عکس یاران حسین (ع) و این قبیل برنامه‌ها به یک دوره ختم شود و عقیم بماند. این هنرمند معتقد است: برگزاری هرگونه نمایشگاه، جشنواره و همایش قطعاً می‌تواند در زمینه

۱) چندین سال پیش: ایستاده بودم کنار مقام ابراهیم. شنیده بودم که آن جا اگر کسی دو رکعت نماز صحیح بخواند. گناهایش پاک می‌شود و یک کله می‌افتد بغل حوری‌ها و ... نفسم بریده بود. نمی‌دانستم که چه باید بکنم. رفتم پشت مقام ابراهیم و یک دفعه دیدم که یک جای خالی هم چسبیده به مقام پیدا است. گفتیم این هم نشانه! دویدم و رفتم همان جا ایستادم. انگار دور خیز می‌کردم برای آمرزش. پیش‌تر کلی با خدا کل‌کل کرده بودم که دور رکعت نماز صحیح خواندن که کاری ندارد... ایستادم به نیت کردن. زور می‌زدم که بگویم قربه‌الی‌الله. در همین حین، کنارم جایی باز شد و یک پیر مرد دهاتی، با تلبان گشاد سیاه آمد و کنارم ایستاد. برای این که جاتنگ بود، نیم تنه‌ای هم به ما زد. با خودم گفتم، چه قدر درک این مرد عوام پایین است. نمی‌فهمند که من الان مشغول چه معراجی هستم و تا چند دقیقه دیگر که نماز تمام شود. مانند نوزادی پاک خواهم شد و از این اباطیل... هنوز نیت نکرده بودم که یارو الله اکبر گفت و شروع کرد بالهجه دهاتی اش نماز خواندن. من با خودم گفتم، حروف را هم از مخارج ادا نمی‌کند. خلاصه بین نیت خودم و نماز یارو در گشت و گذار بودم که پیر مرد بسم الله سوره دوم را خواند. بعد خیلی آرام همین جوری که اشک از چشمانش می‌ریخت، عین آیه ۸۲ سوره

شود. مهمان‌ها داخل شدند و قاتی شدند با برو بچه‌های هیات ما و شروع کردند به عزاداری. سینه‌زنی به شور رسیده بود و مداح فریاد می‌کشید:

- حسین، حسین، ابی‌عبدالله...

فریاد کسی که کنارم ایستاده بود، حالم را کرد توقوطی! به جای ابی‌عبدالله می‌گفت علی عبدالله! بدجور شاکمی شده بودم. شور بدون معرفت که می‌گفتند همین بود دیگر. نگاهش کردم پیراهن آستین کوتاه آ.ث. میلان پوشیده بود که میانه نوارهای مشکی اش البته رنگ سرخی هم دارد. می‌خواستم خرده‌ای بگیرم، اما جگر نکردم! هرچه بود مهمان ابی‌عبدالله بود. موقع دعا که شد. روضه خوان، روضه پایانی را خواند. نمی‌دانم چرا به دلم افتاد بود اگر گریه‌ام نگیرد. دعایم مستجاب نمی‌شود. زور می‌زدم که اشکی بریزیم و

که آن جانشسته بودم. اصلاً مراندید انگار. صورتی استخوانی داشت و ته ریشی چند روزه. یقه باز و راه رفتنی کج و معوج. روبه‌روی گنبد ایستاده بود و حرف می‌زد. مرا نمی‌دید، نزدیک‌تر شدم. با پدر فضل نجوا می‌کرد:

- عرب چه می‌فهمد که با این زبان بسته چه جوری تا کند... (به کبوترهای حرم اشاره می‌کرد) قربان معرفت بروم آقا. من که می‌دانم شما راضی نیستی از وضع و حال این جانورها، از کله سحر گندم می‌ریزند جلوشان تا آخر شب. خوب، حیوان ناخوش احوال می‌شود دیگر. هر کاری راهی دارد...

شال سبزی به گردن آویخته بود که رویش نوشته بود: السلام علیک یا اباالفضل! شال را از گردن درآورد و رفت میان کبوترها. بالحنی غریب صدایشان می‌کرد:

- جونم! جونم! پاشو!

کبوترها را پر داد. شال را دور سرش می‌چرخاند و سوت می‌کشید. کبوترها آرام آرام شروع کردند دور گنبد طلایی چرخیدن. مرد جوان شالش را به دور گردنش انداخت و با دو دست، دو طرفش را گرفت. سری تکان داد و لخند زد...

- دیدی آقا! هر کاری یک بلدیتی می‌خواهد.



به خاطر حرم...

رضا امیرخانی

حیوان الان سر حال می‌آید.

زیارت این جوان را بسیار بیشتر پسندیدم از زیارت‌های ریاکارانه خود، کاش خدا کرم می‌کرد و چیزی از خلوص کفتر باز حرم ابالفضل به ما هدیه می‌داد.

۴) هرگز حکمت عتبه‌بوسی را دریافته بودم تا وقتی در حرم اباعبدالله زائرانی را دیدم که خسته از راهی طولانی که با پای پیاده پیموده بودند، لنگان لنگان راه می‌رفتند. آن جا بود

که فهمیدم عتبه بوسی، بوسیدن پای این زائران است و الا ما را چه به مقام معصوم... اهل دلی را دیدم که در حرم اباعبدالله رفت سراغ پیرزنی را خادم حرم و به قاعده مشتی از خاک‌هایی را که پیرزن از کف صحن روئیده بود به رقمی گزاف خرید. چشم را به خاک متبرک کرد و گفت: ما را چه به تربت اباعبدالله همین گردد و غبار زائران حسینی ما را بس...»

هیچ فایده‌ای نداشت. نگاهم افتاد به پیراهن شماره ۱۰ آ.ث. میلان می‌گفت علی عبدالله وزارزار می‌گریست «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» (سوره مبارکه ملک، آیه ۳۰) کیست که باز آب گوارا برای شما پیدا آورد؟

۳) نماز صبح را در حرم حضرت ابوالفضل خواندم بودم و در ایوان یکی از حجره‌های کنار صحن نشسته بودم مردم دورادور ضریح را گرفته بودند و هر یک کس به زبانی زیارت می‌خواند.

صحن از جمعیت خالی بود. همه برای زیارت رفته بودند داخل حرم. آرام کسی از کنارم گذشت. بی توجه به من

یاسین را به عنوان سوره دوم نمازش خواند... من نماز نخوانده، جل و پلاسم را جمع کردم و زدم به چاک جعد... «قَالَ الْمَ أَلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (سوره مبارکه کهف، آیه ۷۵) ... هرگز نتوانستی صبر نیست!

۲) محرم چهار سال پیش بود که هیات مان تصمیم گرفت تا اجازه بدهد سایر دسته‌ها داخل حسینیه داربستی مان شوند و سلام بدهند. ما مخالف بودیم. فضای هیات راهمان جور آرام و خودمانی بیش‌تر می‌پسندیدیم. به هر رو، وسط زیارت عاشورا بودیم که سرو صدای سنج و دهل از خیابان بلند شد. ناظم هیات چای برای مهمانان برد و نگاهشان داشت تا زیارت عاشورای غیر معروفه تمام

A decorative floral pattern in a lighter shade of green, featuring intricate scrollwork and leaf-like motifs, centered behind the text.

تاریخ و اندیشه

شمرها غربال شدگان صافی‌های نورند. تاریکی و جودشان خاکستر مرگ است که در تار و پود ننگ و بدنامی سرشته شده و گذر زمان و بالا و پایی‌نی روزگار، پرده از چهره‌ی گرگ سیرت آنان بر خواهد داشت. شمرها به هزار و چند چهره بازی خورده و به چندین هزار قیافه در می‌آیند، اما این مکتوب ابدی‌شان است که در گذر غربال تاریخ، رسوا شدگانی بی‌سرپناهند. غربال زمان، درگاه روشنایی و تاریکی است؛ و ای بر فرو افتادگان...

پایین‌ترین، بالاترین و بالاترین، پایین‌ترین شود و جلو خواهند افتاد، کسانی که عقب مانده‌اند و عقب خواهند ماند، پیش‌تازانی که جلو افتاده‌اند. به خدا قسم! هرگز حقیقتی را پنهان نکردم و هیچ‌گاه دروغی نگفتم. شاخصه‌ی بزرگ شمرها، دورماندگی و واماندگی از «ادب» است. شمرها بر مسلک دوری از ادب روزگار می‌گذرانند و سرانجام، محبوس و شکست خورده این راه تاریکند. ادب، گم‌شده‌ی حیات شمرهاست؛ و همین

دوری از ادب است که شمرها را خالدین اسفل السافلین خواهد کرد. دوری از ادب در مسلک شمرها، در عین آن که خود فاعل و باعث هر زشتی است؛ مفعول و متأثر تاریکی ذاتی‌شان است. اما ذات مقدس «امام» معنای ادب است، عین ادب است، غایت ادب است و کلمه کلمه او جرعه جرعه احترام است خلقت را... و إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ^۲ وجود امام، شاکله‌ی اخلاق است و اسوه‌ی ادب. و او آن کریم نیک‌خواهی است که شیرینی اخلاق نکور امیهمان آلام و مصائب بشریت خواهد کرد.

خداوند تبارک و تعالی وجود امام را بارگاه ادب و مهد اخلاق قرار داد و او را معلم اخلاق بشریت دانست... و پیش از آن که او را بر این جایگاه نهد، خود، او را تربیت کرد و ادب را بر قامت وجود منورش شکل داد... إِنَّ اللَّهَ أَدَّبُنِي ثُمَّ رَبَّنِي^۳

امام نهایت ایمان را اخلاق و ادب می‌انگارد و واحه‌های حیات انسان را سزوار شور و سرور ادب معرفی می‌کند. او نشانی حیات طیبه را بر شاخ و برگ شجره طیبه‌ی ادب راهنمایی می‌کند و خلیفه‌اللهی انسان را چیزی نمی‌بیند مگر «مؤدب» شدن انسان... انسان مؤدب... انسان مؤدب... ما شیء أثقل في الميزان من خلق حسن^۴ حالیا که شمرها در برترین جایگاه خود غرقه‌ی اسلوب و ظواهر بوده و از ذات دین بری و ناآگاهند...

عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِحَسَنِ الْخَلْقِ، فَإِنَّ حَسْنَ الْخَلْقِ فِي الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ. وَإِيَّاكُمْ وَسُوءَ الْخَلْقِ، فَإِنَّ سُوءَ الْخَلْقِ فِي النَّارِ لَا مَحَالَةَ.

پی‌نوشت
۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰
۲. القلم / آیه ۴
۳. نبی اکرم (ص).
۴. نبی اکرم (ص).



قال علی (ع): (ع) أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتَلْبَلُنَّ بَلْبَلَةً، وَلَتَعْرِزُنَّ غَرْبَلَةً وَلَتَسَاطُنَّ بِسُوطِ الْقَدْرِ، حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ، وَأَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ، وَلَيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا، وَلَيَقْصُرَنَّ سَبَّاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا، وَاللَّهُ مَا كَتَمْتُ وَشِمَّةً وَلَا كَذِبْتُ كَذِبَةً! بدانید که بلای شما، بازگشته است، مانند آن امتحانی که در روز بعثت رسول‌الله (ص) بود. سوگند به آن کسی که او را به حق مبعوث کرد، به هم خواهید خورد و غربال خواهید گردید و جدا خواهید شد تا

مقتل نگاری

نویسنده: حجت‌الله جودی

خاندان امام حسین (ع) و ستمگری و بی‌رحمی بنی‌امیه باشد. این احساسات و عواطف کم‌کم به بیان داستان‌هایی در خصوص قساوت دشمن تبدیل گشت و هر ساله بر تأثر شیعیان افزود تا جایی که بعد از گذشت چند قرن به قدری تکرار شد که بزرگان شیعه هم به نقل آن پرداختند. این شاخ و برگ‌های اضافی سپس جزء وقایع کربلا قلمداد شد و به درون کتب تاریخ و مقتل راه یافت و تشخیص سره از ناسره را در واقعه «طف» مشکل کرد. مراثی و اشعار سوزناک نه تنها از این جنبه‌های اضافی و تا حدی نادرست مایه گرفت، بلکه موجب رواج و توسعه این تحریف‌ها و خرافات گردید.

مقتل‌الحسین و ... تحریر شده‌اند، از این گونه‌اند. هر چه کیفیت قتل و یا شهادت فرد مورد نظر، پر حادثه بوده و بر اذهان مردم آن روزگار بیشتر تأثیر گذاشته، مورخان بیشتری به آن عنایت کرده‌اند که باعث نگارش مقتل‌های متفاوتی در آن باب شده است. واقعه دردناک کربلا و شهادت سبط رسول خدا، مسلمانان بلاد اسلام را در شعاع وسیعی و تا مدت زمان طولانی تا عصر حاضر متأثر کرد، آن‌سان که تاکنون اندیشه‌های بسیاری را به خود مشغول نموده و صدها کتاب و رساله در موردش نوشته‌اند.

بعد از واقعه کربلا، محبت شدید شیعه به اهل بیت (ع) و شدت تنفرش از بنی‌امیه، موجب گردید در طول تاریخ به حادثه‌ی دردناک کربلا، شاخ و برگ‌های زیادی اضافه گردد تا بیش از پیش بیانگر مظلومیت

تاریخ‌نگاری در میان مسلمانان با سیره‌نویسی آغاز شد و با نگارش کتب مغازی، مقاتل، فتوح، مسالک و ممالک، خراج، حدیث، رجال، کلام و ... تکامل یافت (این موارد شاخه‌های کمکی علم تاریخ هستند). مورخان بر اساس تمایل عقیدتی سیاسی خویش، مقتل مشاهیر مورد وثوق خود را تحریر کردند و اخبار و احادیث پیرامون زندگی، کیفیت، زمان و مکان قتل یا شهادت آن‌ها را گردآوری نمودند. در نتیجه مقاتل مختلف و متنوعی نگاشته شد که نام آن‌ها گرایش مذهبی سیاسی مؤلف، و نام مؤلف تا اندازه‌ای در جه اعتبار گفته‌هایش را تعیین می‌کند. کتبی که تحت عنوان مقتل علی، مقتل عثمان، مقتل حجر بن عدی،



چهره‌های درخشانی که با خلوص نیت در روز عاشورا جان در طبق اخلاص نهادند و مردانه به صفوف دشمن زدند و با تمام وجود به این دنیای پر زرق و برق پشت کردند، در برخی از کتب مقاتل و در بعضی از اشعار و مرثیه به موجودات زبونی تبدیل شدند که از دشمن باذلت و خواری تقاضای جرعه‌ای آب می‌کردند. تشبیهات و توجیهات نامعقول، ستم مضاعفی در حق این شهیدان روا داشت و این جسارت تا بدان حد رسید که از زبان سالار شهیدان، مداحان و روضه‌خوانان سرودند: «مگر من از گوسفندی کم‌ترم، گوسفند را قبل از کشتن آب می‌دهند». و بسیاری مطالب سخیف دیگر که موجب وهن شهدای کربلاست. نویسندگان جاهل و دوستان نادان با این جهت‌گیری‌های غلط، چهره کربلائیان را مخدوش نمودند و به زعم خویش تلاش کردند برای امام و اصحابش

در این مقاتل تکیه فراوانی بر مشکل بی‌آبی در کربلا می‌شود و مطالب سخیف و نادرستی در این خصوص بیان می‌گردد.

آبرو و حیثیت بیشتری کسب کنند. لذا هر روز بر تعداد سپاهیان دشمن افزودند (نخستین مقتل مکتوب، تعداد سپاهیان دشمن را پنج هزار نفر و کشته‌های آنان را هشتاد و هشت نفر ذکر می‌کند. این را مقایسه کنید با اسرار الشهادة ملا آقا در بندی که تعداد سپاه عمر بن سعد را در کربلا، یک میلیون و ششصد هزار نفر و تعداد کسانی را که فقط به دست امام حسین (ع) کشته شدند، سیصد هزار نفر ذکر می‌کند). و در این خیال بافی آن قدر پیش رفتند که نوشتند امام تا بدان حد از سپاه دشمن کشت که خون، رکابش را گرفت. بعد برای توجیه این سخن نابه‌جا، حدیث تراشیدند که خداوند جبرئیل را فرستاد و به امام یادآوری کرد که من تو را فرستادم که نسل بندگام را بر اندازی! و امام ناگهان دریافت که راه را به خطا رفته است، لذا اعلام کرد: الهی رضا بر ضائق، مطیعاً لامرک و... این نویسندگان و گویندگان اساساً به تالی

فاسد این سخنان اندیشه نکرده‌اند و نمی‌دانند که دروغ بستن به ائمه (ع)، گناه است و حتی موجب بطلان برخی فرایض می‌شود. نکته دیگر این که گرچه بیان مسائل سوزناک، احساسات را علیه دشمن برمی‌انگیزد، ولی پر مسلم است که شعور و شناخت صحیح و درست و بی‌غرضانه در همه اعصار و در نزد همه افراد بهتر مقبول می‌افتد. به بیان واضح‌تر این که، پاسخ به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (ع) با دروغ و پیرایه بستن به نهضت او که سبب خشنودی عوام می‌گردد، منافات دارد. در ثانی امروزه روشن شده است که نقل اخبار به تقلید از گذشتگان، بدون تدبیر و اندیشه در آن، دردی را دوا نمی‌کند و شناخت سطحی که از واقعیات تاریخی به دست می‌آید، فقط می‌تواند برای لحظه‌ای انسان را دل‌مشغول بدارد، در حالی که شناخت واقعی و عمیق رویدادهای



تاریخی، به آدمی عبرت می‌دهد که چگونه با مشکلات درآمیزد و تجربه گذشتگان را به خدمت بگیرد. پا به جای نیکان گذارد و از خواری و ذلتی که سرانجام ستمگران است، دوری گزیند. این توصیه امام علی (ع) باید آویزه گوش همه باشد که فرمود: «چون خبری را شنیدید، آن را از روی تدبیر و اندیشه در آن دریابید نه از روی نقل لفظ آن، زیرا نقل کنندگان علم بسیارند و اندیشه کنندگان در آن، اندک»^۲. به لحاظ محتوایی مقاتل را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم کرد. نخست مقاتلی که تا قرن پنجم هجری نگاشته شده است. این مقاتل به دلیل نزدیکی زمانی با حادثه عاشورا دارای کم‌ترین اشکال هستند. به ندرت مطالب سخیف و بی‌پایه و خلاف عقل در آن‌ها وجود دارد. از میان نسل اول مقاتل می‌توان کتاب‌های زیر را نام برد: تاریخ طبری ذیل حوادث سال‌های ۶۰ و ۶۱ هجری. طبری

مقتل‌الحسین را از ابومخنف و عمار دهنی نقل می‌کند. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، نوشته‌ی شیخ مفید.

شاید عیب بزرگ این مقتل، حذف اسناد آن باشد، چرا که مؤلف فقط به این بسنده کرده که مقتل را از کلبی و مدائنی و دیگران نقل می‌کند و گاهی از برخی اشخاص مثل حمید بن مسلم، فرزدق، علی بن حسین، ضحاک بن عبدالله، فاطمه دختر امام حسین (ع) و دو نفر از افراد قبیله بنی‌اسد که در طول راه همراه امام بوده‌اند، نام می‌برد. تنها نکته تحریفی این مقتل، نقل پیشنهاد سه گانه عمر بن سعد از زبان امام حسین (ع) است که شیخ مفید بدون نقد و تحلیل، آن را پذیرفته است.^۳

دوم مقاتلی که تا دوره تیموریان نوشته شده‌اند. عامل تحریف در آن‌ها به وفور رسوخ کرده است و تحریف، جابجایی، کاستی، فزونی‌ها و دگرگونی، متون به جامانده را در بر گرفته است. در این مقاتل نویسندگان تلاش کرده‌اند بهترین‌ها را برای خود و بدترین‌ها را برای دشمن بنویسند. معجزات و کرامات غیر واقعی به سپاهیان امام نسبت داده‌اند و مطالب خلاف عقل و عرف در آن‌ها فراوان است. از میان نسل دوم کتب مقاتل می‌توان کتاب‌های زیر را نام برد: مقتل‌الحسین خوارزمی، اللهوف علی قتلی الطفوف ابن طاووس.

از این کتاب سه ترجمه به زبان فارسی وجود دارد: آهی سوزان بر مزار شهیدان، نوشته‌ی زندگانی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، نوشته‌ی صفی؛ چاپ سنگی این کتاب با ترجمه شیخ عباس قمی.

روضه‌الواعظین و بصیره‌المتعظین، نیشابوری خلاصه‌ای از مقتل ابومخنف است که مطالب سخیف و تحریف شده‌ای را به آن افزوده است. مثل زیاد نمودن کشته‌های دشمن جهت بیان رشادت و جنگاوری اصحاب امام، نوحه‌سرایی جنیان بر امام، سخن از نامه‌ای که سیصد سال قبل از شهادت امام حسین (ع) در یکی از کلیساهای روم خبر داده بود که: آیا آن امت که حسین را کشتند، امید به شفاعت جدش در روز قیامت دارند؟ یا این که پس از شهادت امام هر سنگی که از روی زمین بیت المقدس برداشته می‌شد، در زیر آن خون تازه وجود داشت و...

نسل سوم مقاتل با نگارش کتاب روضه‌الشهدا توسط ملا حسین کاشفی شروع می‌شود و در دوران صفویه و قاجاریه به اوج خود می‌رسد. در این مقاتل به کلی اهداف نهضت‌حسینی واژگونه شده‌اند و تلاش فراوانی صورت گرفته

تا شیعیان صرفاً بر مصائب سیدالشهدا(ع) گریه کنند. آن چه که در این مقاتل آمده، با آن چه که توسط مقتل نویسان نخستین نوشته شده، بسیار متفاوت است. در این مقاتل به دلیل برجسته شدن مسائل منفی الحاقی به نهضت کربلا، اهداف اصلی و مهم و به عبارتی پیام اصلی عاشورا و کربلا به دست فراموشی سپرده شده است. در عوض مسائل حاشیه‌ای که اغلب فقط جنبه‌هایی از حقیقت را هم در بر دارد، به شکلی محوری همه چیز را تحت شعاع خود قرار داده است. از میان نسل سوم مقاتل به ذکر سه کتاب زیر بسنده می‌شود:

روضه الشهداء، کاشفی،^۴ طوفان البکاء، جوهری

بخش منظوم این کتاب بیش از قسمت‌های منثور آن است که به صورت قصیده، غزل، مثنوی و قطعه بیان شده است. این اشعار و مرثی سوزناک بیش از پیش خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل وعاظ و اهل منبر به ویژه روضه خوانان به این کتاب عنایت خاصی داشته‌اند. بیشتر اشعار کتاب در حکم وهن به ائمه(ع) و به لحاظ سند بسیار ضعیف است. در واقع آن چه را که کاشفی در روضه الشهداء آغاز کرد و پیرایه‌های بسیاری بر نهضت حسینی بست، جوهری با اشعار نغز خود، کامل نمود و با توجه به تأثیر شعر بر عوام الناس، بسیاری از این تحریفات در بین مردم جاودانه گردید.

اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، مشهور به اسرار الشهداء، فاضل دربندی
از این کتاب چند ترجمه در دست است:

انوار السعاده فی ترجمه اسرار الشهداء
قسمتی از این کتاب توسط خود دربندی تحت عنوان السعادات الناصیه و الافوات الروحانیه برای ناصرالدین شاه قاجار ترجمه شده است.^۵

در این مقاتل تکیه فراوانی بر مشکل بی‌آبی در کربلا می‌شود و مطالب سخیف و نادرستی در این خصوص بیان می‌گردد. در مقاتل نخستین آمده است که امام و یارانش در صبح عاشورا خیمه مخصوص بر پا داشتند که افراد در آن جا به نوره کشی می‌پرداختند.^۶ روضه خوانان متأسفانه به این نکته توجه ندارند که در فقه شیعه تأکید شده است، مادامی که حتی حیوانی مثل سگ ممکن است از خطر بی‌آبی تلف شود، با آب موجود نمی‌توان وضو گرفت و آب را باید صرف حیات آن حیوان نمود. به طور مسلم امام و اصحابش بر این نکته واقف بوده‌اند.

دیگر این که تحریف‌گران به این نکته توجه

نکرده‌اند که شعار امام حسین «هیاهات من اللذله بود، لذا ما هم نباید ایشان را ذلیل کنیم. نسل سوم مقتل نویسی که باروضه‌شهدای کاشفی آغاز شد، چند بدعت و تحریف آشکار وارد تاریخ نهضت کربلا کرد که البته با اعتراض علمای بزرگ شیعه روبه‌رو شد. از جمله محدث نوری صاحب مستدرک و کتاب لؤلؤ و مرجان، شیخ عباس قمی در نفس‌المهموم. کتاب نفس‌المهموم یک بار توسط مرحوم کمره‌ای و بار دیگر توسط مرحوم شعرانی ترجمه شده است. نکته‌ای که نفس‌المهموم را در میان کتب مقاتل ممتاز کرده است، یکی تبهر و مهارت و اشراف مؤلف بر کتب پیشینیان و اخبار و حدیث است، دیگری روحیه نقادانه او که هر آن چه را مخالف واقع و عقل تشخیص می‌دهد، به صراحت نقد و یاردمی کند و در این خصوص وارد جزئیات مسائل می‌شود.



شیخ عباس قمی در این کتاب حداقل سی مرتبه موضوعات مختلف را نقد کرده است. ویژگی مهم نفس‌المهموم این است که خواننده با بررسی و مطالعه دقیق این کتاب می‌تواند حداقل با مهم‌ترین مقاتلی که از قرن دوم هجری تا پایان قاجاریه نگارش یافته‌اند، آشنا شود و نمونه‌آرای هر کدام از این مقاتل را در یک موضوع مشخص ببیند. این بزرگان داستان‌های مجعولی هم چون عروسی قاسم در کربلا،^۷ شهادت رقیه دختر سه ساله امام حسین(ع) در خرابه‌های شام،^۸ اسبی به نام ذوالجناح،^۹ تقاضای ملتسمانه امام از سپاه دشمن برای جرعه‌ای آب، پیشنهاد سه‌گانه‌ای که عمر سعد از قول امام برای ابن زیاد فرستاد،^{۱۰} مسئله اربعین و آمدن اسرار در همان سال نخست بر سر مزار شهیدان،^{۱۱} داستان زعفر جنی،^{۱۲} داستان منصور ملک،^{۱۳} داستان مسلم گج‌کار،^{۱۴} سفر امام در روز عاشورا به هندوستان، خون

چکیدن از درختان و آسمان در روز عاشورا، به طی الارض رفتن امام حسین(ع) در روز عاشورا از کربلا به هندوستان و نجات دادن سلطان قیس از چنگال شیر، داستان دو طفل مسلم بن عقیل،^{۱۵} افزودن بر شهدای کربلا و تعداد کشته‌های دشمن، اشعار و مرثی توهین‌آمیز، آمدن حضرت زهرا(س) در هر بعد از ظهر بر سر قبر امام حسین(ع)، داستان طرمح بن عدی، آمدن پیامبر به قتلگاه کربلا و زنده کردن مجدد امام حسین(ع)^{۱۶} و بسیاری مطالب کذب دیگر را با صراحت رد کرده و تأکید نموده‌اند که باید از بیان این دروغ‌ها هر چند که موجبات گریستن را فراهم می‌کند، خودداری کرد.

پی‌نوشت

۱. قیام جاوید / مقتل‌الحسین ابی مخنف / ترجمه حجت‌الله جودکی / ص ۶۴ و ۱۱۹ / تبیان / ۱۳۷۷
۲. ترجمه و شرح نهج البلاغه / فیض الاسلام / حکمت شماره ۹۴ / انتشارات فقیه / بی‌نا
۳. مقدمه قیام جاوید. مقاتل الطالبیین / اصفهانی، ابوالفرج / ترجمه، سولی محلاتی / صدوق / بی‌نا

**این توصیه امام علی(ع) باید
آویزه گوش همه باشد که فرمود:
«چون خبری را شنیدید، آن را از
روی تدبیر و اندیشه در آن دریا بید
نه از روی نقل لفظ آن، زیرا نقل
کنندگان علم بسیارند و اندیشه
کنندگان در آن، اندک».**

۴. برای بررسی تحریفات موجود در این کتاب رجوع کنید به: لؤلؤ و مرجان / محدث نوری، میرزا حسین / دارالکتب الاسلامیه / ۱۳۷۵. حماسه حسینی / مطهری، مرتضی / صدر / ۱۳۷۴ / ج ۱ / ص ۵۳ و ۵۰. طوفان البکاء / جوهری، محمد بن ابراهیم مروی / چاپ سنگی / بی‌نا
۵. پیرامون کتاب اسرار الشهداء رجوع کنید به: مطهری / همان / ج ۱ / ص ۵۵ و ۱۰۵. محدث نوری / همان / ص ۱۶۱ و ۱۸۵
۶. قیام جاوید ص ۷۹
۷. داستان عروسی قاسم بن حسن را نخستین بار کاشفی در روضه الشهداء نقل کرده است. کاشفی / همان / ص ۲۲۰ - ۲۲۹
۸. شهادت رقیه دختر سه ساله امام حسین، نخستین بار در کتاب کامل بهائی نقل شده است، کامل بهائی / عمادالدین طبری، حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری / ج ۲ / ص ۱۷۹ / بی‌نا
۹. نام ذوالجناح را نخستین بار روضه‌الشهداء نقل کرده است، کاشفی، همان، ص ۲۵۳
۱۰. مقدمه قیام جاوید
۱۱. این مسئله را نخستین بار ابن طاوس در لهوف ذکر کرده است. رک به: آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه لهوف / ترجمه سید احمد زنجانی / ص ۱۹۶، انتشارات جهان / بی‌نا
۱۲. این داستان را نخستین بار کاشفی نقل کرده است، رک به: محدث نوری / همان / ص ۱۸۳
۱۳. فرهنگ عاشورا / محدثی، جواد / ص ۲۴۳ / نشر معروف / ۱۳۷۴. به نقل از مرآة العقول / علامه مجلسی / ج ۵ / ص ۳۸
۱۴. منتهی‌الآمال / قمی، شیخ عباس / ج ۱ / ص ۷۵۱ / هجرت / ۱۳۳۳
۱۵. رک به: بر شطی از حماسه و حضور / مجموعه مقالات / مقاله تحریفات عاشورا و داستان دو طفل مسلم / حجت‌الله جودکی / ص ۲۳۵ - ۲۴۱ / سازمان تبلیغات اسلامی / ۱۳۷۵
۱۶. رک به: مقدمه قیام جاوید

نگاهی به کتاب «تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»
با یاد نخستین شهید محراب، آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی



اربعین

سیدالشهداء (ع)

مدرک، برای پژوهشگر یافتن صحت و سقم خبر مشکلات فراوانی را در پی داشته است. یکی از شبهات تاریخی که مابین محققین مسائل تاریخی و محدثین اسلامی بویژه متأخرین از علمای شیعه هم چون علامه محدث میرزا حسین نوری صاحب کتاب معروف مستدرک الوسائل و لؤلؤ مرجان در مورد رویدادهای واقعه عاشورا دارد و آن هم به دلیل عدم دسترسی آن‌ها به مدارک و روایات مستند بوده، این است که می‌گوید: «بازگشت اسرای اهل بیت (ع) بعد از سفر شام

در هر حال همین روایات مستند بوده است که مأخذ تألیفات کسانی گردید که به جمع‌آوری وقایع مربوط به تاریخ اسلام پرداخته‌اند، مانند ابومخنف لوط بن یحیی از دی متوفی حدود سال ۱۵۷ هجری و یکی از نخستین شیعیانی است که به جمع‌آوری رویداد مقتل امام حسین (ع) پرداخت. مقتل الحسین (ع) او به صورت کامل در بحار الانوار علامه مجلسی آمده است. و یا آن چه که در قدیمی‌ترین متون تاریخی هم چون تاریخ یعقوبی که وقایع اسلام را تا سال ۲۵۲ هجری نگاشته و یا در تاریخ معروف محمدبن جریر طبری متوفی به سال ۳۱۰ در ذکر اخبار سلسله سند خبر آورده شده است. متأسفانه در قرون بعد این رویه کم‌تر مورد توجه مورخین قرار گرفته است و به دلیل عدم ذکر

نگاشتن سلسله سند تا بدان جا که گوینده‌ی نخستین آن مشخص شود، برای ارائه‌ی یک روایت، چه مربوط به وقایع تاریخی و چه پیرامون «احکام و عبادات و عقائد»، سنت حسنه‌ای در بین محدثین و مورخین قرون متمادی اسلام بوده است.

همین رویه را محدثین بزرگوار هم چون شیخ مفید، شیخ طوسی و «علامه سید مرتضی علم‌الهدی»، با این که نزدیک به عصر ائمه اطهار (ع) هم بوده‌اند نیز دنبال می‌کردند و تا خبری که راوی‌اش به شخصیت‌های مورد وثوق آن بزرگواران نمی‌رسید، آن را مورد تأیید قرار نمی‌دادند. بعدها سیدبن طاووس در تألیفاتش تمام مدارک روایاتی را که نقل می‌کند، اگر چه ضعیف باشد، سند آن را ارائه می‌دهد.

نام «رأس الحسين» مشهور است به خاک سپرده شده، مورد تحقیق قرار داده وردمی کند. قابل توجه است که آیت الله شهید قاضی طباطبایی برای نگاشتن این اثر تاریخی تحقیقی از بیش از چهار صد و پنجاه عنوان کتاب جهت مأخذ، منبع و مرجع استفاده کرده است. استاد علامه هنگامی که مأخذی را ارائه می دهد، صفحه و مشخصات مأخذ را با ذکر محل چاپ ذکر می نماید. این مأخذ قدیمی ترین نوشته تا جدیدترین تحقیقات که توسط علمای عامه و خاصه انجام پذیرفته، شامل می شود.

یکی دیگر از اشکالات محدث نوری در مورد خبر عطیه عوفی و آمدن جابر بن عبد الله انصاری به زیارت امام حسین (ع) در اربعین اول است که محدث می گوید: عطیه و جابر نتوانستند اهل بیت (ع) را ملاقات نمایند. در این جا استاد عبارت کامل حدیث را با توجه به قدیمی ترین و اصیل ترین سند ارائه می کند و سپس از کتب موثق متقدم تر هم چون لواعج الاشجان آیت الله سید محسن امین عاملی حدیث را ذکر نموده و می فرماید: حتماً

در اربعین، اول سال ۶۱ هـ. ق به کربلائی معلی از اکذوبه ها و محلات تاریخی است». شهید محراب علامه آیت الله محمد علی قاضی طباطبایی در بحثی محققانه، پژوهشی و علمی به این شبهه ی تاریخی، پاسخی مستدل، کافی و وافی داده اند. تحقیقات ایشان در کتابی تحت عنوان «تحقیق در باره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)» در سال ۱۳۵۲ در تبریز به منتشر شده است. استاد شهید برای پاسخ گویی به شبهه، شیوه ی علمی دقیقی را دنبال می کند. دلائل محدث نوری را از کتاب لؤلؤ مرجان نقل، و سپس به جواب هر یک می پردازد.

ابتدا مورخین و یا محدثینی را که موضوع اسرا را ذکر کرده اند، همراه با توضیحاتی پیرامون توفیق زیارت آنان در اربعین اول ارائه داده که از کتاب موثق «لهوف» اثر سید بن طاووس شروع می شود

ابتدا مورخین و یا محدثینی را که موضوع اسرا را ذکر کرده اند، همراه با توضیحاتی پیرامون توفیق زیارت آنان در اربعین اول ارائه داده که از کتاب موثق «لهوف» اثر سید بن طاووس شروع می شود و سپس از «فقیه ابن نما» در «مثیر الاحزان» و «شیخ فخرالدین طریحی» در کتاب «منتخب» و «آثار الباقیه» ابوریحان بیرونی روایات را نقل می کند. این پاسخ به اشکال اول محدث نوری است. جواب به شبهه اصلی که امکان طی مسافت از کربلا به شام با توجه به توقف اسرا در شام و سپس بازگشت آنان به کربلا در مدت کم تر از چهل روز با هفده دلیل و برهان تاریخی نقلی تأیید شده است. استاد شهید با ارائه اسناد و مدارک، شواهدی را ذکر می نماید که در آن زمان در اندک مدتی امکان مسافرت از شام به عراق عرب وجود داشته است، هم چون رؤیت هلال ذی الحجه در عراق توسط هارون و حضورش در مکه. وی به بحث «برید» و چگونگی ارسال نامه ها توسط پیام رسانانی که در تشکیلات «پست» آن روزگار کار می کردند و یا استفاده از کبوتران نامه بر اشاره دارد و این که اسرا را با شیوه «برید» طی طریق داده اند.

امام زین العابدین (ع) موقعی که به نزدیک حائر مقدس می رسد، با جابر و عطیه ملاقات می نماید. و نتیجه می گیرد که مرحوم محدث نوری خبر عطیه را تقطیع نموده است. استاد در این بحث، مطالب دقیق و نکات عالمانه ای پیرامون مسائل مختلف مربوط به واقعه عاشورا ذکر می نماید، از جمله کیفیت توقف آل البیت در کربلا به مدت سه روز، الحاق رأس مطهر امام حسین (ع) به جسد مبارک آن حضرت توسط امام سجاد (ع) و غیره. وی بیان می دارد رأس مطهر در دمشق و یا در عسقلان مدفون گردیده و سپس در دوره فاطمیان از آن جا به قاهره انتقال و در مسجدی که هم اکنون به

و دیگر این که همواره در مقام پاسخ گویی به شبهه با احترام بی شمار نسبت به مبدع شبهه و نویسنده آن یعنی مرحوم محدث نوری یاد می کند. نظیر این جمله: «بعضی شبها به وسیله ی یکی از بزرگان، مانند علامه محدث نوری» و یا: «پس از کلمات شریفه اش (علامه محدث) که نقل کردیم، می فرماید». و یا: «محدث نوری (ره) تصریح فرمود»، و نیز «محدث معظم نوری (ره)».

این شیوه و این قلم پاک انتقادی باید مورد توجه و امعان نظر نویسندگان و پژوهشگران اسلامی قرار گیرد.

بازگاوای نسخه های خطّ

زیارت عاشورا

یکی از معروفترین زیارات و ادعیه مأثورّه زیارت عاشورای امام حسین (ع) می باشد.

نویسنده: سیدحجت سجادی زاده

مفهوم شناسی زیارت

از دیدگاه اهل لغت، زیارت از ریشه «زور» به معنای میل و عدول از چیزی است. دروغ را نیز زور گویند، چون از واقعیت دور شده است. و شخص زائر از آن رو که از غیر شخص زیارت شونده روی گردانده، به او زائر گویند.^۱ در مصباح المنیر آمده: دیدار اولیای الهی را زیارت نامند، چون حقیقت این عمل، انحراف از عالم طبیعت با توجه به حفظ جسمانیت خویش است.

جایگاه زیارت

یادکرد انسان های شایسته و فرهنگ ساز همانند مصلحان تاریخی و دینی، لازمه محبت و تمنای درونی انسان نسبت به کمالات و نیکی هاست که ریشه در سرشت آدمی دارد.

این پاسداشت گاه در قالب لسان تجلی می کند. گاه نیز در لباس حضور جسمی و روحی در محضر شخصیت حیّ و زنده یا به ظاهر مرده نمود پیدا می کند.

مقام و منزلت زیارت عاشورا

در این میان یکی از مصلحان بزرگ بشری، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می باشد که شعاع محبت او تا قرون متمادی بر تمامی دل های عاشقان آن حضرت حکم فرماست. یکی از شکل های رایج یادکرد این الگوی بشریت، قرائت زیارت عاشورا است. این زیارت به جهت علو شأن انسان زیارت شونده و در برداشتن مضامین عالیه دینی مورد توجه امامان شیعه و به تبع آن ها، عالمان دینی قرار داشته و دارد.

از نشانه های این جایگاه ویژه، وجود روایات فراوانی است که توصیه به قرائت این زیارت در امکنه و از مننه مختلف دارند. به این روایت دقت کنید: «ان قارئ زیارت عاشورا يعطی شیئین یوقی میته السوء و یؤمن هو و اعقابہ من المکاره و الفقد و غلبه العدو و الجنون و البرص و الجذام و من تسلط الشیطان».^۲

پیشینه بحث

همان گونه که گفته شد، به خاطر علو منزلت و رفعت شخصیت شخص زیارت شونده

(امام حسین (ع)) و از نظر دارا بودن مفاهیم بلند سیاسی، عرفانی، فرهنگی و تاریخی آن، علمای فراوانی به شرح و توضیح و گاهی نیز به نقد و بررسی آن از زوایای مختلف پرداخته اند که به چند نمونه از آن ها می توان اشاره داشت، از جمله بررسی محتوایی آن.

- شرح زیارت عاشورا، ملا حبیب الله کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ه.ق)، تحقیق: نزار الحسن

- شرح زیارت عاشورا، میرزا ابوالمعالی کلباسی اصفهانی (م ۱۳۱۵ ه.ق)، تحقیق: شیخ یوسف احسانی

- الدر المنصور فی شرح زیارت العاشور، میرزا احمد ابن عبدالرحیم معروف به میرزا آقا تبریزی

- شرح زیارت عاشورا، احمد امیرخانی از رهگذر این شرح و بسط های صورت گرفته، برخی کتاب ها به بررسی سندی این زیارت از لحاظ صحت و سقم آن پرداخته اند مانند:

- بررسی اسناد زیارت عاشورا مؤلف: آیت الله جعفر سبحانی

رساله شرح تابعیت در زیارت عاشورا، سید میر محمدباقر حسینی استرآبادی میرداماد (م ۱۰۴۱ق) که به شرح کلمه (تابعیت) در زیارت عاشورا پرداخته و اثبات نموده است که تابعیت می‌باشد.^۲

پس با سه رویکرد می‌توان به سراغ این زیارت مقدس و یا هر اثر متنی منسوب به ائمه طاهرین (ع) رفت.

۱- رویکرد نسخه‌شناسانه

یعنی هر حدیث و روایت و یا زیارت به دلیل ماهیت نوشتاری بودن آن، مقتضی دو مطلب است. اول شخص کاتب که این کاتب می‌تواند عالم معروف و یا شخصی مسلمان یا غیر مسلمان باشد. و دیگری وجود خود مکتوبه یا نسخه‌ای است که حاصل تلاش

با این مقدمه می‌توان به خوبی دریافت که ساختار روایی زیارت عاشورا، آنرا مستعد قرار گرفتن در بوت‌های نقد هر سه رویکرد قرار داده است. فلذا در عصر حاضر عالمی هم چون مرحوم علامه عسگری و مرحوم علامه معرفت که وزانت علمی این دو بزرگوار بر هیچ انسان محقق پوشیده نیست، به بررسی این زیارت پرداخته‌اند.

اگرچه در این میان علامه عسگری (ره) مورد بی‌مهری‌هایی نیز قرار گرفت، اما سخن مقام معظم رهبری در جمع‌نندگان حوزه را فراموش نکنیم که فرمودند: «یک نفر نظر فقهی می‌دهد، نظر شاذی است. خیلی خوب، قبول ندارید، کرسی نظریه‌پردازی تشکیل بشود و مباحثه شود، پنج نفر، ده

شناختی اجمالی از نویسنده مقاله
حجت‌الاسلام شیخ حسین راضی، متولد سال ۱۳۷۰ ه.ق در روستای «حوطه» شهر «عمران» در حومه شهر احساء می‌باشد. تحصیلات آکادمیک را تا چهارم ابتدایی خواند. در همان زمان با شخصی مواجه گشت که بر شیعه و معتقدات آن‌ها حمله‌ور شده و شبهه می‌انداخت. همین جریان باعث شد که ایشان درس و مدرسه را رها کرده و تحصیلات حوزوی را آغاز کند تا بتواند پاسخ‌گوی شبهات چنین اشخاصی باشد. در حالی که یازده سال بیشتر نداشت، عازم نجف شد و به محضر سید محسن حکیم رفت و دروس مقدماتی را نزد شهید سید محمدباقر صدر، شهید سید محمدباقر حکیم، شهید سید عبدالصاحب حکیم، آیت‌الله معرفت و... آموخت.

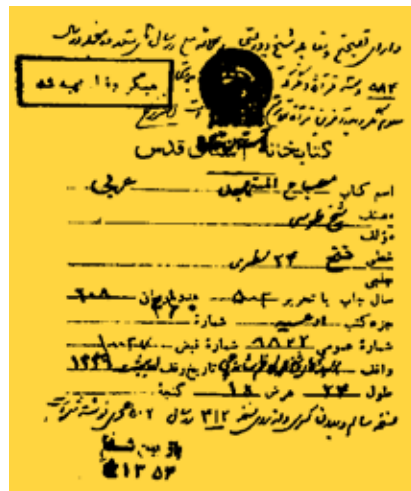
وی از طرف آیت‌الله مرعشی نجفی اجازه روایت دارد. اکنون مسئولیت حوزه علمیه در احساء و قطف را به عهده دارد و امام جمعه شهر احساء عربستان نیز می‌باشد. وی کتاب‌های فراوانی تألیف کرده است از جمله: مشکله‌النا، اسبابها و علاجها، تاریخ علم الرجال، بحث قبر فاطمه (س) و... .

مسئله پژوهی

وی در مقاله‌ی خود سعی دارد با بیان منطقی و تقسیم‌بندی علمی و با استناد به نسخه‌های خطی که در دسترس وی بوده (که جمع‌آوری و دست‌یابی به آن‌ها سه سال طول کشیده)، اثبات نماید که فقراتی که صد مرتبه تکرار می‌باشند و نیز قسمت آخر زیارت عاشورا که مشتمل بر لعن است، در نسخه‌های اصلی کتاب مصباح‌المتهدج‌ش‌طوسی وجود ندارد و زیارت‌های عاشورایی که رایج است و چاپ می‌شود، مُحَرَّف و دست‌کاری شده است.

بازتاب انتشار مقاله‌ی شیخ راضی

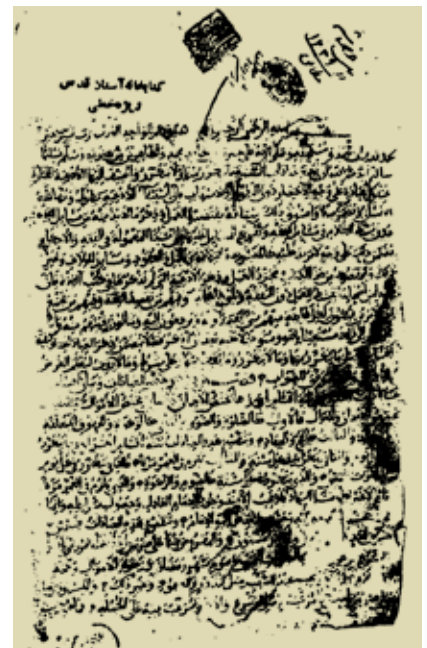
بعد از انتشار این سلسله مقالات، موضع‌گیری‌های مختلفی نسبت به این قضیه در مجامع مختلف صورت پذیرفت. عده‌ای از سر احساسات و تعصبات دینی شروع به تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا کردند که از شأن یک پاسخ علمی به دور بود. در این میان با جست‌وجو در سایت‌ها و تالارهای بحث و مناظره اینترنتی به جوابیه‌ای از طرف شخصی به نام «حب‌الحسین» برخوردیم. ایشان که نام واقعی‌شان حجت‌الاسلام شیخ یوسف احمد احسائی است، مسئول مؤسسه الزهراء در قم می‌باشد. وی از فعالان عرصه تحقیق در کشور عربستان می‌باشد که اتفاقاً او



نفر فاضل بیابند این نظر فقهی را رد کنند با استدلال، اشکال ندارد».^۴

طرح مسئله

در ادامه پژوهش‌های علمی صورت گرفته در مورد زیارت عاشورا در ابتدای محرم الحرام سال ۱۴۲۸ ه.ق سلسله مقالاتی مبنی بر بررسی وجود یا عدم وجود لعن‌های پایانی زیارت عاشورا در یکی از سایت‌های اینترنتی منتشر شد. این مقالات به گفته نویسنده آن حاصل نشست‌هایی می‌باشد که ایشان در همان سال در جمع جوانان شهر احساء عربستان مطرح نموده است. مطالب ارائه شده در رویکردهای فوق، در قسمت نسخه‌شناسی زیارت جای می‌گیرد و بحث نیز روی همین موضع متمرکز می‌باشد.



شخص کاتب است.

لازم به ذکر است که نوشتار حاضر فقط ناظر به همین رویکرد نسخه‌شناسانه می‌باشد.

۲- رویکرد سندی

در مرحله بعد از رویکرد نسخه‌شناسانه قرار دارد. در این مرحله، سند یا همان سلسله افرادی که حدیث را از امام معصوم (ع) اخذ کرده و تا قرن معاصر یا نزدیک به معاصر رسانده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند که در علم رجال بررسی می‌شوند.

۳- رویکرد محتوایی

بررسی محتوای حدیث مثل تفسیر قرآن، محدود به یک علم نیست و دیگر علوم نیز برای درک و مفهوم‌گیری از حدیث به خدمت گرفته می‌شوند، از جمله علم اصول، منطق و فلسفه و... .

نیز ساکن شهر احساء عربستان است. ایشان کتابی دو جلدی تحت عنوان «المدخلات الکامله فی رد مدعی التزویر» در جوابیه شیخ راضی چاپ کرده است.

نقد زیارت عاشورا و پاسخ نقد

در ابتدا حسب امانت‌داری علمی سعی می‌شود تا دیدگاه شیخ راضی توضیح داده شده و در ادامه پاسخ جناب احسائی نیز مطرح گردد.

دیدگاه شیخ راضی

برای روز عاشورا، چهار روایت و زیارت نقل شده است:

۱- زیارت امام حسین (ع) که علقمه از امام محمد باقر (ع) روایت کرده است و در منابع ذیل آمده است:

کامل الزیارات ابن قولویه، مصباح‌المتجهد الکبیر و مصباح‌المتجهد الصغیر شیخ طوسی که سیدبن طاووس همان را در کتاب مصباح‌الزائر و ابن‌مشهدی در کتاب المزار الکبیر به صورت مرسله از کتاب مصباح نقل کرده‌اند و زیارت عاشورای متداول نیز همین قسم است.

۲- زیارت عاشورایی که عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده که در کتاب‌های ذیل یافت می‌شود.

- مصباح‌المتجهد کبیر شیخ طوسی

- اقبال‌الاعمال سیدبن طاووس با سند صحیح خودش

- المزار الکبیر ابن‌مشهدی با سند صحیح خودش

۳- زیارتی که سیدبن طاووس در کتاب اقبال ذکر کرده است.

۴- زیارتی که سیدبن طاووس در کتاب مصباح‌الزائر آورده است.

زیارت عاشورای رایج که تحریف شده نیز می‌باشد، کتاب‌های مفاتیح‌الجنان و دیگران همگی از مصباح‌المتجهد کبیر شیخ طوسی نقل کرده‌اند که همه مرسله می‌باشند.

حال با مراجعه به کتاب کامل‌الزیارات تفاوت زیارت عاشورای آن کتاب با زیارت رایج معلوم می‌گردد. اولین کسی که باب نقد و منازعه در زیارت عاشورا را باز کرد، سیدبن طاووس بود که می‌گوید: من این زیارت را از کتاب مصباح‌الکبیر شیخ طوسی که به خط خودش نوشته، نقل کردم، در حالی که دو فصل آخر یعنی لعن و سلام صد مرتبه تکرار و فصل اللهم خص در آن نبود. و حال آن که بعد از چندین قرن، کتاب‌هایی که زیارت را از مصباح نقل کرده‌اند، همگی دارای لعن و سلام و فصل آخر می‌باشند که همین سخن سید موجب

گردید تا به بررسی نسخه‌های خطی کتاب مصباح شیخ طوسی بپردازیم.

■ مراد از تحریف، کدام قسمت زیارت عاشورا می‌باشد؟

منظور ما از تحریف صورت گرفته در زیارت عاشورا همان مقطع آخر است یعنی: «اللهم خص انت اول ظالم...»، صرف نظر از صحت یا عدم صحت سند زیارت که نظر ما غیر تام بودن سند است. سخن ما این است که این مقطع تحریف شده است و آن در قرن‌های ده به بعد تا معاصر در زیارت عاشورا وارد شده است.

چگونگی تحریف

در ابتدا لازم است در مقام سخن‌شناسی، سه درجه از نسخه‌ها را بیان نمایم:

دسته اول که صحیح‌ترین نسخه‌ها هستند، خود پنج نوع می‌باشند.

۱. قسم اول: نسخه‌ی مؤلف که به خط خود نوشته است.

۲. نسخه‌ای که بر آن از طرف مؤلف برای یکی



شیخ‌راضی: منظور ما از تحریف صورت گرفته در زیارت عاشورا همان مقطع آخر است یعنی: «اللهم خص انت اول ظالم...»، صرف نظر از صحت یا عدم صحت سند زیارت که نظر ما این غیر تام بودن سند است. سخن ما این است که این مقطع تحریف شده است و آن در قرن‌های ده به بعد تا معاصر در زیارت عاشورا وارد شده است.

از شاگردانش اجازه قرائت صادر شده باشد.

۳. نسخه‌ای که دقیقاً بر نسخه مؤلف بر طبق شرایط استنساخ، کتابت شده باشد.

۴. نسخه‌ای که با نسخه مؤلف مقابله شده باشد.

۵. نسخه‌ای که در عصر یا نزدیک به عصر مؤلف کتابت شده باشد که هر چه نزدیک‌تر

به عصر مؤلف باشد، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

دسته دوم

۱. نسخه‌ای که یکی از علمای مشهور غیر از مؤلف آن را نوشته باشد.

۲. نسخه‌ای که بر آن قرائت یا اجازه‌ای از

طرف آن عالم مشهور صادر شده باشد. ۳. نسخه‌ای که با نسخه‌ی آن عالم مقابله شده باشد.

با این توضیحات، مسئولیت چهار نفر در این بحث، مهم به نظر می‌رسد.

۱- ارویان: آن‌ها وظیفه دارند که سخنان پیامبر (ص) یا امامانی که از آن‌ها روایت نقل می‌کنند، با دقت فراوان و رعایت امانت‌داری بدون هر گونه تحریفی نقل نمایند که علم رجال و درایه کار بررسی آنان را بر عهده دارد.

۲- مؤلف: مؤلفان نیز وظیفه دارند که این روایات را همان‌گونه با سند و روایت نقل نمایند تا کسانی که بعد از آن‌ها به روایات مراجعه می‌نمایند، بتوانند در مورد صحت یا عدم صحت آن روایات به قضاوت بنشینند.

۳- ناسخان: ناسخ نیز وظیفه دارد که کتاب را بدون کم و زیاد کتابت کند.

۴- محققان: محققان و اندیشمندان در عصر حاضر دارای مسئولیت سنگین‌تری نسبت به دوره‌های پیش از خود هستند، چون باید وقوف کامل بر امر نسخه‌شناسی داشته باشند تا نسخ محرف را از نسخ غیر محرف باز شناسند.

بر همین اساس من احساس وظیفه شرعی کردم و در رابطه با تحریفات صورت گرفته در زیارت عاشورا به تحقیق پرداختم. به نسخه‌های مختلف و فراوانی از کتاب مصباح‌المتجهد الکبیر شیخ طوسی دست یافتیم. چرا که سرمنشأ اصلی تحریفات موجود را، حذف و اضافاتی دیدیم که بر این نسخه وارد شده است. به طور کلی نسخه‌های موجود از این کتاب را به سه دسته می‌توان تقسیم نمود که به اختصار در جدول صفحه بعد آمده است.

قسم اول: نسخه‌هایی است که با نسخه شیخ طوسی مطابقت دارند و سیدبن طاووس نیز زیارت عاشورار از این نسخه‌ها نقل کرده است.

قسم دوم: مشتمل بر نسخه‌هایی است که با نسخه‌های قدیمی کتاب «مختصر المصباح» شیخ طوسی مطابقت دارند، البته همراه با برخی اضافات.

قسم سوم: نسخه‌هایی که نه با مصباح‌الکبیر و نه با مصباح‌الصغیر مطابقت ندارند و تنها چیزی که در آن‌ها فراوان است، تحریفات و اضافات بر زیارت عاشورا است.

پی‌نوشت

۱. مقایسه‌اللغه، ج ۳، ص ۳۶، ماده‌ی «زور»

۲. الاقبال، سیدبن طاووس، فصل ۱۳، باب اول

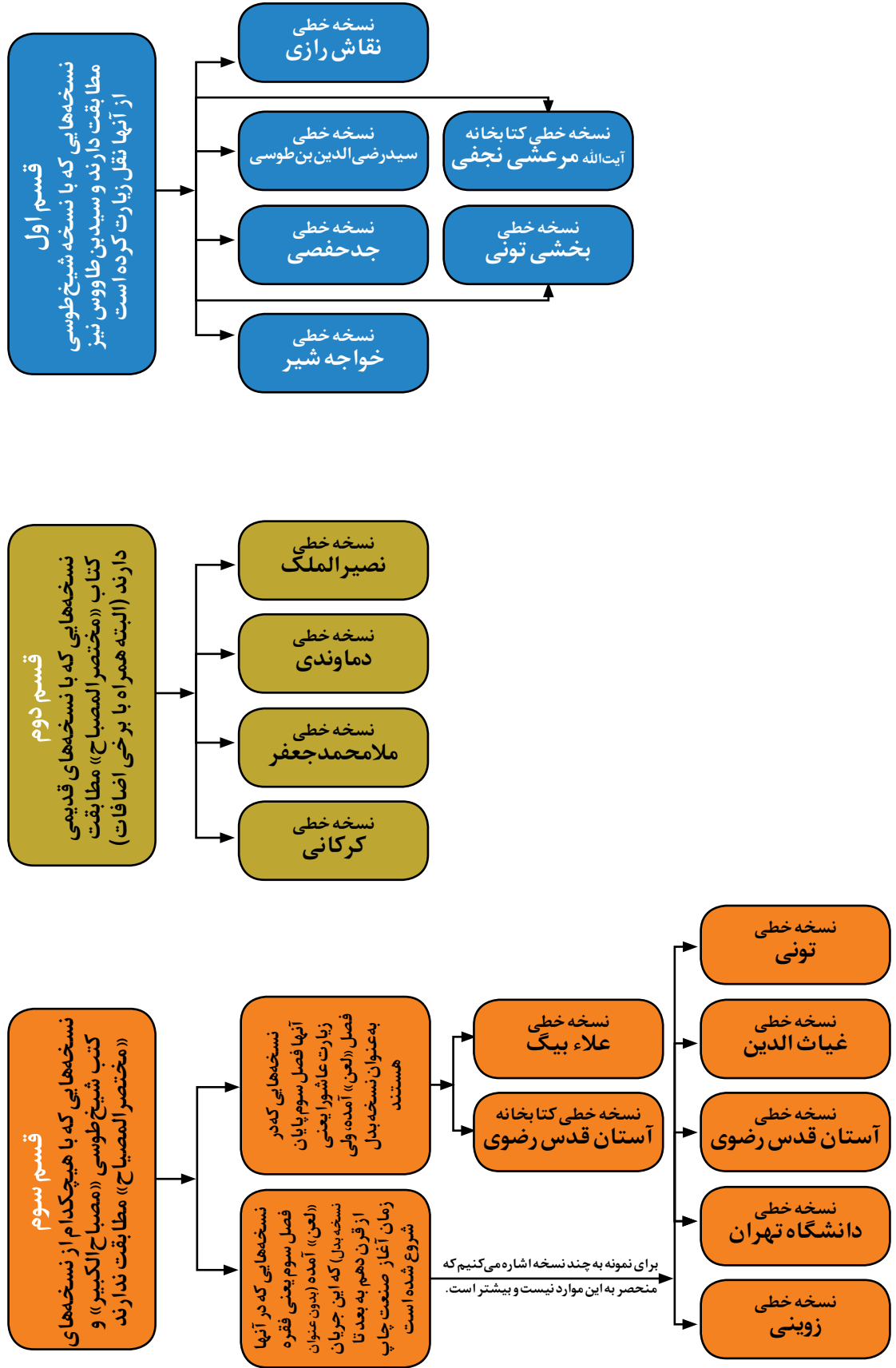
۳. الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۳۲

۴. بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۹/۸

■ ادامه سخنان در شماره آینده

کتاب «مصباح المجتهد الکبیر» شیخ طوسی (رحمه الله)
تقسیم نسخه‌های خطی

جدول نسخه‌ها بر اساس دیدگاه شیخ راضی



شبهه زیر سایه کوفه



نداشته باشند یا اصلاً توجه به موضوع ندارند. پس از قیام کربلا و خطبه‌هایی که در کوفه یا شام ایراد شد، بازتاب‌های آن، امویان را ناچار کرد که دست به توجیهاتی بزنند. آنان دو توجیه را ارائه نمودند که در منابع تاریخی هم هست. توجیه اول مسئله جبرگرایی بود، به این بیان که درست است که مسئله عاشورا در تاریخ رخ داده ولی مادر این میان نقشی نداریم. صرفاً قضا و قدر الهی بوده است و این، چه بخواهیم و چه نخواهیم انجام می‌شد. یعنی یک جبرگرایی که بنیان‌گذار آن معاویه بود. توجیه دیگر این بود که اصلاً ما این کار را انجام ندادیم. یزید که دستور نداده است. این ز یاد و شیعیان عاملان و فاعلان این جریان بودند. کوفی‌ها این حادثه را انجام دادند.

این را با عناوین و الفاظ مختلف در منابع مورخان می‌بینید. مثل فخر رازی که می‌گوید لعن بر یزید جایز نیست. و یا عبارت یکی از نویسندگان معاصر، محب‌الدین خطیب مصری متوفی ۱۳۸۹ هجری قمری، که از حاشیه‌نویسان «العواصم و القواصم ابن العبری» است. او می‌گوید: «این همه تلاش‌های افراد خیر خواه برای ممانعت از سفر حسین بن علی (ع) به کوفه که برای خود و اسلام و امت اسلامی تا امروز و تا به قیامت نامیمون و زبان‌آور بود (از این جهت که برگ‌نگینی است که در اسلام و مسلمین روی داد، نامیمون است ولی از این جهت که اسلام را از دست کسانی که دشمنان اصلی اسلام بودند نجات داد، این گونه نیست) و تمام این زبان‌ها به سبب جنایتی بود که

در سال‌های اخیر، تلاش‌های گسترده و ارزنده‌ای در زمینه‌ی عاشورا پژوهی صورت گرفته و پژوهش‌های متعددی سامان یافته و چاپ و منتشر شده است. نگاه به این آثار، زحمات و کوشش‌های ارزنده پدید آورندگان آن‌ها را به خوبی نمایان می‌سازد. هر یک از این پژوهشگران از زاویه‌ی خاصی به مسئله نگریسته و تنها برخی از ابعاد قضیه را بررسی کرده‌اند. یکی از جدیدترین پژوهش‌ها در این زمینه، پژوهشی به نام جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلاست که توسط محقق ارجمند جناب حجت‌الاسلام محمدرضا هدایت‌پناه صورت گرفته است. این پژوهش، نخست در سال ۱۳۸۱ در قالب مقاله در شماره ۳۳ فصل‌نامه حوزه و دانشگاه با عنوان بازتاب تفکر عثمانی در حادثه‌ی کربلا چاپ شد و اینک بسط یافته‌ی آن به صورت کتاب، با عنوان یاد شده در بالا، چاپ و منتشر شده است. مؤلف در این کتاب کوشش کرده است تا تفکر عثمانی را تبیین و نقش آن را در حادثه کربلا مشخص سازد. به عبارت دیگر، مؤلف بر آن است که تفکر سیاسی مذهبی نیروهای را که در برابر سیدالشهداء (ع) صف‌آرایی کردند، بررسی کند. این اثر در چهار فصل و یک ضمیمه تدوین شده است.

مصاحبه با محمدرضا هدایت‌پناه
نویسنده کتاب «جریان‌شناسی فکری معارضین قیام کربلا»



■ شما انگیزه نگارش این کتاب را متهم کردن شیعیان به قتل امام حسین (ع) از سوی وهابیان از جمله در مقاله «طقوس عاشورا عند الرافضة» عنوان کرده‌اید. مبنای این شبهه چیست؟

□ اصل این شبهه، یک شبهه‌ی بسیار قوی است، یعنی شبهه‌ای نیست که بتوان با یک کتاب و مقاله آن را تبیین نمود. آن چه در این کتاب آمده، گوشه‌ای از آن بحث کلی است. این شبهه هم سابقه تاریخی دارد و هم در منابع تاریخ‌مان به نوعی به این مسئله پرداخته شده است، ولی نمی‌دانم چرا محققان ما به این مسئله نپرداخته‌اند یا نمی‌خواستند به طرف این قضیه بروند، چون ممکن بود به شاخه‌های دیگری منتهی شود که پاسخ‌چندانی برای آن

شیعیان مرتکب شدند. آنان بودند که از روی نادانی و غرور و حس فتنه‌انگیزی و ایجاد شک و اختلاف، حسین بن علی (ع) را برای قیام و سفر به عراق برانگیختند».

عبدالوهاب نجار متوفی ۱۳۶۰ یکی دیگر از این دانشمندان معاصر و از اساتید الازهر مصر می‌گوید: «ظلم است که گفته شود یزید بن معاویه، حسین بن علی (ع) را اجباراً به سوی عراق فرستاد، زیرا حسین با اختیار به واسطه‌ی نامه‌های کوفیان به سمت عراق رفت». از این گونه نوشته‌ها در حال حاضر در باب برائت یزید فراوان است. کتاب‌هایی مثل «برائت یزید بن معاویه من دم الحسین» نوشته دکتر محمود ابراهیم و کتاب «باطل تاریخ» نوشته ابراهیم شعوط و «حزن یزید لاسنتشهاد الحسین».

آیا این شبهه پیش از این در مورد سایر وقایع تاریخی نیز سابقه داشته است؟

بله، نمونه تاریخی آن را در جنگ صفین می‌توان مشاهده کرد. هنگامی که عمار شهید شد، بخشی از مسلمانان در جنگ بی طرف بودند. می‌گفتند: «ملاک ما بر اساس حدیث «تقتلوه الفئه الیاقیه»، عمار است». و این یک حدیث متواتر مسلم عند المسلمین بود. این را شاخص قرار می‌دادند. وقتی عمار کشته می‌شود، یک موج عجیبی در سپاه شام می‌افتد. این‌هایی که این طرف فرار گرفته‌اند یعنی جبهه‌ی عبدالله بن مسعود، جدای از این دو سپاه، تکلیف‌شان مشخص شد که عمار در جبهه‌ی امیر المؤمنین (ع) بود و توسط اموی‌ها کشته شد. آن‌ها آمدند به امیر المؤمنین (ع) پیوستند. از طرف دیگر سپاه شام دچار شبهه شد. چون بعضی سران سپاه اموی از جمله عمرو و عاص خودش راوی این حدیث بود و لذا نمی‌توانست آن را منکر شود و اگر خودش منکر می‌شد، سخن این همه صحابه را چگونه می‌توانست منکر شود.

به هر حال امر مسلمی بود. شروع به توجیه کردند. شایع کردند که در حقیقت ما آن را نکشتیم. آن کس که عمار را به این معرکه آورده، قاتل اصلی است. یعنی درست مسئله را به سمت امیر المؤمنین برگرداندند. لذا این توجیه که با تبلیغات همراه بود، آشوب و بلوایی که در سپاه معاویه پیش آمده بود را آرام ساخت. البته امیر المؤمنین (ع) پاسخ داد که: «اگر ملاک این است، پس پیامبر (ص)، حمزه (ص) را کشته است، برای این که پیامبر (ص) حمزه را به احد آورد». ولی برای آن عوام الناس شامی، با آن فرهنگی که داشتند، توجیه خوبی بود

و آن‌ها را آرام کرد. همین مسئله را در فاجعه عاشورا نیز مشاهده می‌کنیم.

از میان مقتل نویسان هم عصر واقعه کربلا نیز کسی دچار این شبهه شده است؟

بله، اتفاقاً این شبهه مورد توجه سبط بن جوزی بوده است که از مورخان و مقتل نویسان کربلا نیز می‌باشد. وقتی قیام توابین شروع می‌شود و می‌خواهند به طرف شام حرکت کنند، می‌گویند: این که توابین می‌خواهند بروند به شام، چه معنادار است؟ شما دنبال این هستید که مسیبان این حادثه را به مجازات برسانید، خوب چرا اهل شام، قتل‌هی امام حسین (ع) در کوفه هستند. شما چرا لبه‌ی تیغ را به طرف شام گرفته‌اید. به طرف خودتان بگیرید. شما به این طرف نگاه کنید. اگر یزید را می‌خواهید که او سال‌ها پیش یعنی سال ۶۳ مرده است.

این شبهه و اشکال در ذهن سبط بن جوزی پدید آمده و بعضی از اصحاب سلیمان بن صرد خزاعی هم همین مسئله را گفته‌اند.

خود ابو جعفر منصور عباسی می‌گوید: قتل امام علی (ع) به دست شیعیان بود. آن‌هایی که علیه امام علی (ع) قیام کردند، شیعیان

ابتدا مورخین و یا محدثینی را که موضوع اسرا را ذکر کرده‌اند، همراه با توضیحاتی پیرامون توفیق زیارت آنان در اربعین اول ارائه داده که از کتاب موق (لهوف) اثر سید بن طاووس شروع می‌شود

و افراد مورد اعتماد او بودند. او کوفیان را مقصر می‌داند، برای این که قیام‌های حسنی و حتی یزید بن علی از عراق و کوفه برخاست. لذا منصور عباسی می‌خواهد کوفیان را متهم کند که شما گروهی هستید که تاریخچه‌تان با قتل اهل بیت (س) رقم خورده است، حال می‌خواهید مدعی شوید این حکومت را به دست علویان بدهیم، آن هم به دست یکی از سادات حسینی یا حسنی؟

جو تبلیغاتی چیزی جز این نیست. لذا این جا هم در «طقوس عاشورا عند الراضة» دقیقاً همین را گفته است. او می‌گوید: «زمانی که قیام شروع شد، اینان بودند که او را به کوفه

دعوت کردند و همین‌ها نامه نوشتند و او را تنها گذاشتند. سپاه ابن زیاد را نیز همین کوفی‌ها تشکیل دادند، برای این که یک نفر هم از شامیان در میان آن‌ها نیست. بنابراین آن‌ها بعد از واقعه کربلا به این معترف شدند که مسیبان اصلی حادثه، خودشان بودند. آن‌ها بودند که به امام حسین (ع) خیانت کردند و سپاه مقابل امام حسین (ع) از همین کوفی‌ها بودند. لذا می‌گویند این توابین که حرکت‌شان چند سال پس از واقعه عاشورا شروع شد، حرف‌شان و شعارشان توبه از این جنایت بود ولی بعداً و عاظ و علماء و خطبای شیعه بودند که مسئله را منحرف کردند، چرا که این گونه مطرح نمودند که این عزاداری‌ها در حقیقت به خاطر محبت به اهل بیت (ع) است و برای دشمنی و برائت به دشمنان امام حسین (ع)؛ و یزیدیان بودند که امام حسین (ع) را به شهادت رساندند و این فاجعه را به وجود آوردند. در حالی که اصل قضیه چیز دیگری است. این فاجعه در شام که روی نداد.

روی دادن این قضیه در حوزه جغرافیایی شیعه باعث شد این قضیه تثبیت شود و با این تبلیغات مسئله در اذهان عمومی و کتاب‌ها جایفتند.

عبارت کتاب این است:

«با تبلیغات علمای‌شان بدون توجه به فلسفه این عزاداری آن را عبادت تلقی کرده و تصور می‌کنند این گونه نوحه‌سرایبی و به سر و صورت زدن؛ به خاطر امام حسین (ع) و اهل بیت و عشق به آنان است، و با این مراسم عبادی تقرب می‌جویند، در حالی که فراموش کرده‌اند که اساس این مراسم به خاطر چه خیانتی بوده است. شیعیان با گریه بر امام حسین (ع) می‌خواهند این حرکت را که کشندگان امام حسین (ع) بوده‌اند تغییر دهند. اینان بر حسین نمی‌گیرند بلکه بر تاریخچه‌ی خود و خیانت هم‌فکران خود به خدا و رسولش (ص) و علی و حسین (ع) می‌گیرند».

در کشورهای هند و پاکستان و حتی میان حجاج، و هابیان این شبهه را دامن می‌زنند و ما هم در مقابل این شبهه ساده بر خورد می‌کنیم و از کنارش به راحتی می‌گذریم، یا به پاسخ‌های ساده بسنده می‌کنیم.

شما گفتید که ما هم به دام آنان افتاده‌ایم و چیزی را می‌گوییم که آنان می‌خواهند. مصداق‌هایی از این موارد که اشتباه‌اند و ما تأیید می‌کنیم بفرمایید.

اتفاقاً این را در بخش نامه‌ها و نویسندگان

نامه‌ها تحلیل کرده‌ام. آن جا یک مغالطه انجام شده است. آن جا می‌گویند کوفیان بوده‌اند و بعد کوفیان را به شیعیان ترجمه می‌کنند. آن هم شیعه‌ای که الان حتی تعریف می‌شود نه آن شیعه‌ای که ۱۳۰۰ و اندی سال پیش در قرن اول هجری تعریف شده بود. ولی در حقیقت ما این صورت کلی قضیه را قبول کرده‌ایم که کوفیان نامه نوشتند و خیانت کردند و سپاه ابن زیاد را تشکیل دادند. چون تا به حال ما نگفته‌ایم که سپاه ابن زیاد را شامیان تشکیل دادند. در حالی که باید بگوییم کوفیان دارای چه تفکری سیاسی بوده‌اند. این جاست که ساکت می‌شویم. این سکوت ما در حقیقت تأییدی است بر همین شبهه. کوفی را برابر شیعه نمودن یک نوع مغالطه است که در این کتاب آمده، و ما می‌خواهیم این مغالطه را تبیین کنیم. کوفی بودن مساوی با شیعه بودن، مغالطه‌ی عظیمی است که در شبهه مطرح شده و مورخان نیز هم سو با جریان امویان و نیز افکار عمومی و یا تحت تأثیر فضای اموی‌ها این اخبار را به این شکل ارائه داده‌اند. لذا شما می‌بینید که تحریف عظیمی علیه کوفیان اتفاق افتاده است. امام حسین (ع) ده سال در مدینه بودند، امام سجاد (ع) تماماً در مدینه بوده است، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، و بخش عظیمی از زندگی امام رضا (ع)، و حتی امام کاظم (ع) در مدینه بوده است.

ولی شما می‌بینید مکتب فکری ما هیچ‌گاه در مدینه شکل نگرفت و نهادینه نشد و رشد نکرد. تمام فقها یعنی اکثر مورخان و محدثان شیعی که سخنان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را آورده‌اند، اتفاقاً کوفی هستند. حتی علاقه آن قدر زیاد و افراطی شده بود که غلات را بیشتر در عراق و کوفه می‌بینیم. این نشان می‌دهد که آن سالیان متمادی که ائمه (ع) در مدینه بودند، هیچ وقت مکتب فکری و کلامی و حتی اندیشه‌های تاریخی ائمه (ع) در مدینه و حجاز رشد نکرد و نهادینه نشد و اتفاقاً در خارج از حجاز نهادینه شده است. یکی از نویسندگان معاصر کتابی به نام «میراث مکتوب شیعه در قرن سوم هجری» نوشته است که نویسندگان این کتب قریب به اتفاق کوفی‌اند و خود حکایت از جایگاه تشیع در این منطقه دارد.

■ این شبهه چقدر جدی گرفته شده است؟
 □ در حال حاضر وهابی‌ها به این جریان خیلی دامن می‌زنند. کتاب‌های فراوانی نیز علیه شیعه نوشته می‌شود. رهبری فکری این قضیه مربوط به زمان‌های قبل است؛ یعنی از دوره

قیام امام (ع) شروع شده است. امویان هم کشتند و هم جنایت را به گردن معاندین‌شان که شیعیان باشند، انداختند. روند این جریان در قرن‌های بعد عموماً دست ابن تیمیّه و ابن‌العربی و وهابی‌ها بود. می‌گفتند: «جریان را باید این‌گونه ترجمه کنید که شیعیان کوفه آمدند حرکتی انجام دهند که شراب یزید را از زمین بردارند، خون حسین (ع) را به زمین ریختند». علت چه می‌تواند باشد جز این که با تبلیغات و تئوری پردازی و تحریف تاریخ، می‌خواهند کسی را مسئول این قیامی که آن فاجعه عظیم را در پی داشت، و همه‌ی علمای اسلام به آن اعتراف دارند و آن را به عنوان یک نقطه‌ی ننگین در تاریخ اسلام معرفی می‌کنند، بنامند که مخالف اهداف ضد اسلامی‌شان است. وهابی‌ها یک جزیره‌ی عجیبی‌اند در دنیای اسلام. من نام کتاب را گذاشته‌ام جریان‌شناسی فکری معارضان و قیام کربلا. تئوری که من می‌خواهم در پایان ارائه کنم این است که با ادله و نصوص تاریخی قصد دارم اثبات کنم آن چه این معارضین را رهبری می‌کند و آن جریان فکری سیاسی و مذهبی که حاکم بر این معارضان است، در حقیقت همان فکری است که در صفین در مقابل امیر مؤمنان (ع) صف‌آرایی کرد. همان فکری که در جمل در مقابل امیر مؤمنان (ع) است و یا مانند آن در فتح مکه. یعنی همان امویان هستند که با فکر عثمانیان اکنون به میدان آمده‌اند. عثمانی‌ها یک تعریف خاصی دارد، چرا که در حقیقت نمایندگان فکری آن‌ها در قرن سوم و چهارم، اهل حدیث بودند و بعد در قرن بعد ابن تیمیّه شد و در قرون بعدتر، وهابی‌ها رهبری فکری را به دست گرفتند و الان می‌بینید که بزرگ‌ترین مدافعان عملکرد یزید و معاویه و به خصوص اموی‌ها، همین‌ها هستند. لذا می‌خواهم این عنوان را انتخاب کنم که کربلا در حقیقت وحدت‌گاه شیعه و تسنن است. یعنی جایی است که امام حسین (ع) در حقیقت فصل‌الخطاب قضیه شده است. آن‌ها نمی‌توانند حرکت امام حسین (ع) را تخطئه کنند. چرا؟ برای این که شما اگر برای اهل سنت توضیح دهید که حرکتی که معاویه و اهل جمل انجام دادند، دو حرکت بود که یکی نمایندگان صحابه؛ امیرالمؤمنین (ع) و اصحاب و مهاجرین بودند، و جبهه‌ی دیگر معاویه و دیگران بودند که در حقیقت آن‌ها هم صحابه بودند، برای این دو جبهه یک تئوری پردازی و توجیه ارائه می‌کنند که صحابه، مجتهد هستند و یک جبهه، خطاکار و جبهه‌ی دیگر محق بوده

است. ولی عده‌ای گفته‌اند: «اولاً نمی‌دانیم کدام یک محق و کدام مخطیء هستند. آن‌ها هم که می‌گویند می‌دانیم معاویه مخطیء است، ولی او مجتهد است». می‌گوید: «المجتهد المصیب اجران و للمجتهد المخطیء اجر واحد». تازه مقابله کردن و جبهه‌گیری در مقابل امیرالمؤمنین (ع) که بر اساس اجتهاد انجام شده، نه تنها گناه نیست بلکه ثواب واحد هم دارد، چون بر اساس اجتهاد بوده اما اجتهاد خطیء بوده است چون اصلاح اسلام و مسلمین را می‌خواست و فکر می‌کرد که این‌گونه صحیح است. اما در بحث ما یک طرف قضیه امام حسین (ع) قرار دارد و یک طرف غیر صحابه. چگونه این را می‌خواهند تبیین و دفاع کنند. آن‌گاه مسئله اصل خلافت مطرح می‌شود. خلیفه‌ای که این چنین جنایتی را مرتکب شده و در حقیقت بر دامن اسلام لکه‌ی ننگی نهاده، چگونه خلافت آن را تأیید کنیم؟! ولی شما بروید سر اصل و تئوری قضیه که امام حسین (ع) یا کارش خطا بوده بر ضد خلافت یا باید بگویید درست بوده است. لذا الان به جنایت بودن این قضیه همه معترف‌اند. پس باید سر این بحث کنند.

اهل سنتی که مدافع قیام امام حسین (ع) هستند و یزید را لعن و کارش را تخطئه می‌کنند، با شیعیان در یک نقطه واحد قرار می‌گیرند و شما حالا ببینید نمایندگانی که آن زمان یک عده شامل مورخان و محدثان و درباری‌ها که وظیفه توجیه اعمال اموی‌ها را بر عهده داشتند، چه کسانی هستند. غیر از وهابی‌ها کسی را سراغ نداریم. یعنی اهل سنت اعتدالی اصلاً مدافع یزید نیست و لعن آن را جایز می‌داند.

من این‌ها را اتفاقاً در همین مقاله‌ی «کربلا منزل‌گاه وحدت تسنن و تشیع» که به این کتاب اضافه خواهد شد، گفته‌ام که اگر شما شافعی، مالکی، حنبلی و یا حنفی هستید، مواضع ائمه‌ی خود را در مقابل امام حسین (ع) و یزید ببینید. همه مخالف یزید و موافق امام حسین (ع) هستند. پس چه کسی الان مدافع یزید است؟ کسی که در مقابل بزرگان اهل تسنن قرار گرفته است، کما این که از همان روزی که ابن تیمیّه افکار و حرکاتش را آغاز کرد، علمای اهل تسنن، در مقابلش موضع گرفتند و زندانی‌اش کردند و حکم به اعدام و تکفیرش دادند. حالا با این حرکت‌های سیاسی وهابی‌ها و عربستانی‌ها با پول نفت شده‌اند شیخ الاسلام. این تبلیغات است که از آن فکری که مدافع اموی‌هاست و پیش از این مدافع یزیدی‌ها بوده، حمایت می‌کند.



نویسنده: دکتر منصور لاریجانی

ولایت مظهر عشق الهی

خدای متعال را دو نوع تجلی است:

الف) تجلی ذاتی

یعنی خداوند به ذات خود تجلی دارد، چنان که مولای متقیان علی (ع) در دعای صباح فرمود: «یا من دل علی ذاته بذاته و تنزه عن مجانسته مخلوقات»؛ ای کسی که ذاتش به ذات خود دلالت دارد و از مجانست و همانندی با آفریده‌هایش منزّه است».

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر دلیلت باید از وی رو متاب

ب) تجلی حبّی

یعنی خداوند به دلیل علاقه و عشق زیادی که به مظاهر و مخلوقاتش دارد، در آن‌ها تجلی می‌کند و بدین سان کنز مخفی معرفت، هویدا و آشکار می‌شود: «کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن أعرّف فخلقت الخلق...؛ گنجی مخفی و پنهان بودم. چون دوست داشتم شناخته شوم، جهان را آفریدم».

یعنی تجلی حبّی اقتضای ظهور دارد و شأن این اقتضا، مظاهر است که به عنوان موجودات فلک و ملکوت درخشیدند.

عکس روی تو چو در آینه‌ی جام افتاد

عارف از خنده‌ی می در طمع خام افتاد

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد

این همه نقش در آینه‌ی اوهام افتاد

ولایت، ظرف تجلی

مظهر تجلی حبّی، ولایت است؛ یعنی مظاهر عالم به واسطه ولایت، از فیض تجلی حبّی بهره‌مند می‌شوند. پس ولیّ کسی است که از عشق و محبت خدا سرشار است و اگر نباشد، نمی‌تواند واسطه‌ی فیض تجلی باشد.

بنابر این همه امامان معصوم (ع) از نظر عشق و محبت الهی تامّ و تمامند، چنان که در دعای زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«والتّامین فی محبة الله؛ سلام بر شما که از محبت خدا سرشاید».

در تعریف محبت باید گفت:

«المحبه محو المحب بصفاته و اثبات المحبوب بذاته؛ محبت، محو محب با همه صفاتش در خدا و اثبات خدا به عنوان محبوب حقیقی است».

عشق آن شعله است که چون بر فروخت

هر چه جز معشوق باقی جمله سوخت

(مولوی)

امامان مادر خدا مستغرق بودند، از این جهت همه‌ی وجود آن‌ها از محبت و عشق الهی سرشار بود و اگر خدا در آن‌ها تام و تمام نباشد، نمی‌توانند واسطه‌ی فیض تجلی حبّی باشند.

به همین دلیل در این دعای شریف، ائمه را «تأمین» در محبت خدا می‌خوانیم؛ یعنی آن چنان از محبت خدا پر شدند که ضمیر خویش را گم کردند.

چنان پر شد فضای سینه از دوست

که فکر خویش گم شد از ضمیرم (حافظ)

امام حسین (ع) به عنوان ولی اعظم خدا، مظهر تجلی حب الهی است، به طوری که در دعای شریف عرّفه می‌فرماید:

«انت الذی ازلت الاغیار عن قلوب احبائک

حتی لم یحبوا سواک ... اللهم ارزقنی حبک و

حب من یحبک؛ تو آن خدایی که اغیار را از قلوب عاشقانت می‌زدایی تا غیر تو را معشوق نگیرند... محبت خود و کسانی که تو را دارند نصیبم گردان».

ممکن است سؤال کنی ائمه (ع) که مظهر تام محبت خدا هستند، چرا امام حسین (ع) از

خدا آرزوی محبت می‌کند؟

پاسخ این است که محبت ائمه نسبت به ما تام و تمام است اما نسبت به خدا مشتاق است؛ یعنی هر چه محبت خدا را می‌چشند حریص تر و مشتاق تر می‌شوند.

گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق

ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم

(سعدی)

از این رو امام سجاد (ع) در مناجات العارفين فرمودند:

«الهی فاجعلنا من الذین ترسخت اشجار

الشوق الیک فی حدائق صدورهم واخذت

لوعة محبتک بمجامع قلوبهم؛ الهی ما را از

کسانی قرار ده که درخت‌های شوق وصال تو

در بوستان‌های سینه‌های‌شان چنان ریشه

دوانیده که از بین رفتنی نیست و موج محبت

تو سراسر دل‌شان را فرا گرفته، به طوری که

جایی برای اغیار باقی نگذاشته است».

نداند عاشق بیدل قناعت

فزاید حرص او ساعت به ساعت

چو ببند روی گل خواهد که چیند

چو یابد بوی گل خواهد که ببند (جامی)

روزی رسول خدا (ص)، به دخترش زهر (س)

فرمود: دخترم! جبرئیل امین از طرف خدا

برایت پیام آورده و آن این که هر چه از او

بخواهی، اجابت فرماید.

حضرت زهر (س) در پاسخ پدر گفت:

«شغلنی عن مسئله لذّة خدمته لاحاجه لی

غیرالنظر الی وجهه الکریم؛ پدرم! لذت بندگی

خدا مرا از هر چیز باز داشته است، لذا جز نگاه به

جمال و چهره کریم حق، مرا حاجتی نیست».

چنان پر شد فضای سینه از دوست

که فکر خویش گم شد از ضمیرم

مثنوی آتشکده گزارشی است عاشقانه و عرفانه از کربلا که از ۴۱ بخش تشکیل شده است؛ که در این جلسه به معرفی ۴ بخش ابتدایی آن پرداخته شد و ادامه بررسی کتاب به جلسه بعد موکول گردید. عناوین این چهار بخش عبارتند از:

۱. نزول انسان به عالم خاک
۲. امام در شب عاشورا
۳. رفتن امام به میدان
۴. شهادت حضرت حذر

کتاب است. چون شاعر ممکن است با تخیل خودش بخشی از تاریخ را حذف کند، ممکن است آنجا که عاطفه سرشار می شود سمت و بستر شعر اصلاً با آن که ما فکر می کنیم متفاوت باشد نباید منتظر باشید که همه اجزا به هم پیوسته باشند. در ابتدا قبل از معرفی کتاب مختصری شما را با نویسنده آن آشنا کنم. نیر تبریزی در پنج شنبه، جمادی الاول سال ۱۲۴۸ قمری، چهارم آبان سال ۱۲۱۱ شمسی

آتشکده نیر

معرفی بخشی از دیوان نیر تبریزی در بیست و چهارمین جلسه، مرجع شناسی کتب عاشورایی

دکتر محمدرضا سنگری (محقق و نویسنده عاشورایی) برای اولین بار به بحث و بررسی پیرامون یک اثر منظوم در زمینه منابع عاشورایی پرداختند؛ اثری با عنوان «آتشکده نیر» که بخشی از دیوان نیر تبریزی را تشکیل می دهد.



خلاصه سخنرانی دکتر سنگری در معرفی این کتاب: تا به حال منابعی که مطرح کرده ایم، منابعی دارای قلم نثر بوده اند که عمدتاً تاریخی و بسیاری نیز مقتل بوده است. «آتشکده نیر»، گزارشی منظوم و عاشقانه از کربلائی اباعبدالله الحسین است. البته نظم و شعر با هم متفاوتند، در شعر خود به خود به قلمرویی وارد می شویم که با چند عنصر مواجهیم. از طرف دیگر عناصری نیز در نثر وجود دارد که ممکن است بعضی از آن عناصر و یا هیچ کدام از آنها در شعر یافت نشود. شعر ساحتی است که چهار عنصر اساسی و جدی در آن وجود دارد. عنصر اول که مثل خون در رگ های شعر جریان دارد عنصر تخیل است. عنصر دوم عاطفه است چرا که شعر نمی تواند خالی از عاطفه باشد. شاعر احساسات خودش را در قالب شعر به ما عرضه می کند. عنصر سوم که در شعر وجود دارد عنصر موسیقی است. منظور از موسیقی وزنی است که در شعر احساس می شود. عنصر چهارم، معنا است. هدف من از طرح این مسائل فراهم آوردن بستری مناسب برای ورود به کار بررسی

در تبریز (۱۲۷۵ سال قبل) به دنیا آمده است. این شخصیت بزرگوار در ۲۲ سالگی به نجف می رود و پس از چند سال درس خواندن در آنجا و رسیدن به درجه اجتهاد به ایران بر می گردد و در تبریز مشغول تدریس و سرودن شعر می شود که حاصل زندگی او چندین کتاب است که یکی از آنها همین دیوان نیر تبریزی است. این کتاب از چهل و یک قسمت تشکیل شده است. **اولین بخش** اختصاص به نزول انسان به عالم خاک و آلوده شدنش دارد. **بخش دوم:** امام را در شب عاشورا وصف می کند. و... از حرکت امام حسین، مرگ معاویه، مرگ یزد، بیت خواستن از امام، حرکت امام از مدینه به مکه و از مکه به کربلا در این منظومه صحبتی به میان نیامده است. **بخش سوم:** زفتن حضرت اباعبدالله به میدان به احتجاج با دشمن که ترجمان مظلومیت اباعبدالله حسین (ع) است **چپستم** من قره العین علی در خلافت صاحب نص جلی خون من خون خدای لایزال کی بود خون خدا کس را حلال

□□□

خیلی زیبا است واقعاً این کتاب را بخوانید مخصوصاً به دوستان شاعر توصیه می کنم حتماً این کتاب را بخوانید.

بخش چهارم: شهادت حضرت حرین ریاحی است. قطعاً همه چهارده تا پانزده جریان را اگر دقیق تر بگویم شصت، هفتاد جریان را حدس زده ایم که در این میان اشاره به آنها نشده است تا به شهادت حضرت حر رسیده است. چند بیت را هم من از این قسمت بخوانم:

گر چه حرم ای خداوند جلی
لیک در پیش توام عبدی ذلیل
طوق منت باز نه بر گردنم
نی ببر هر جا که خواهی بردنم
آمدم سوی سلیمان دیر باز
تا از او گیرم نگین زینهار
ای سلیمان حین ببخشا خاتم
بر بساط بندگی کن محرم

اشاره به داستان حضرت سلیمان دارد، آنجا که یکی از جنیان از فرصت استفاده کرد و انگشتر او را ربود و روی تخت سلیمان نشست تا سلیمانی کند. که داستان مفصلی دارد که این مجال فرصت پرداختن به آن را نمی دهد. حر می گوید: من مثل دیو آمدم ولی آمدم شرمسار، ولی تلمیح بسیار زیبایی تاریخی دارد که خودش را دیو سیاه و می داند که آمده خدمت اباعبدالله که او دستش را بگیرد.

چون حرین یزید ریاحی قبل از اینکه با حضرت اباعبدالله به پیوندد با عمر سعد دیدار کرد. و حجت را بر خودش تمام کرد عمر سعد گفت با حسین می جنگی؟ گفت آری جنگی خواهم کرد چنین و چنان و... بازوها را من پرت می کنم، سرها را جدا می کنم

در خودش به شدت درگیر شد و پایان این درگیری درونی به لشکر اباعبدالله راند و خدمت حضرت اباعبدالله رسید بسیار زیبا این موقعیت را توصیف کرده است. خیلی زیباست این بازگشت حر، حالت سر فرو انداختن شرمی که در چهره اش می دوید از ابالفضل العباس اجازه گرفت و آمد به حضرت اباعبدالله رسید خیلی این قسمت واقعاً خواندی و زیباست درست است تاریخ ننوشته است اما چون ما می دانیم این باب کربلا حضرت عباس (ع) است باب الحوائج است به کسی می خواهد وارد شود حتماً باید از باب وارد شود.

این بود بخشی از کتاب دیوان نیر تبریزی بخش مثنوی آتشکده که گزارشی عاشقانه از کربلا بود.





دین و دین‌داری

بین دو مقوله «دین» و «دین‌داری» باید تفکیک قائل شد. مفهوم دین مربوط است به ذات و جوهر دین که در هاله‌ای از تقدس قرار دارد و مرجع تعریفش خود دین و شارع است و درباره‌ی ادیان آسمانی، و نیز مستغنی از بشر است. اندیشه و تفکر دین نیز فوق طبیعی و در مرزهای روشن و مشخصی از اندیشه بشری قرار دارد.

اما دین‌داری به رفتار دینی دین‌داران مربوط است و مرجع تعریفش فارغ از دستورات و تعاریف دین، عمل بیرونی و بروزها و نمودهای عینی و بشری دستورات دینی است.

هم‌چنین دین‌داری از قدسیتی که دین دار است، بهره‌ای ندارد و عصری است. به عبارت دیگر، مقوله دین در مقام تعریف است، اما مقوله دین‌داری در مقام تحقق. به همین جهت بر خلاف دین که مجموعه تعاریف نسبتاً ثابت و کامل (بر اساس نصوص) را شامل می‌شود، دین‌داری متأثر از تغییر و تحولات اجتماعی بوده و به تبع، مقوله‌ای دائماً متغیر و تحول‌پذیر است.

در نتیجه صرف نظر از تعدد قرائات و برداشت‌های بشری، اگر بتوان برای تعاریف دین، اصالت قائل شد، برای تعاریف دین‌داری نمی‌توان؛ چرا که از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از زمانی به زمان دیگر شکل و بروز آن متفاوت خواهد بود و کاملاً محتمل است که در گستره‌ی دینی واحد با تکثر گونه‌های مختلف مواجه شویم.



فرهنگ خواص و فرهنگ عامه

محسن حسام‌مظاہری

انحصاری، ایده‌آلی، سخت و محدود فرهنگ برتر و مظاهر و نمودهای آن، و در مقابل جایگزین ساختن نمونه‌های فراگیر، سهل‌الوصول و گسترده است.

در جوامع امروزی البته مفهوم فرهنگ عامه‌پسند، معنای جدیدی یافته است. معنایی در ارتباط تنگاتنگ با جایگاه و نقش رسانه‌های جمعی و تبلیغات که فرهنگ عامه را به مثابه محصول جامعه سرمایه‌داری و یک فرهنگ مصرفی معرفی می‌کند.

مقولاتی چون موسیقی مردم‌پسند (پاپ)، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای (بخصوص فوتبال)، سینما، تلویزیون، کتاب‌ها و نشریات عامه‌پسند از بارزترین مظاهر این فرهنگ در جوامع امروزی محسوب می‌شوند.

همواره در مقابل فرهنگ برتر که مختص خواص و طبقات و قشرهای برگزیده (اشراف، روحانیان و روشنفکران) است، توده مردم دارای فرهنگی متفاوت و در مواردی متعارض و متضاد با فرهنگ خواص هستند؛ این همان مقوله‌ای است که از آن به «فرهنگ عامه» تعبیر می‌کنیم. فرهنگ عامه، یعنی فرهنگی که نه به طبقات برتر، بلکه به توده‌های مردم تعلق دارد و در تناسب با سلیق و ذائقه‌ی آن‌ها و پاسخ‌گویی انتظارات و دغدغه‌های آنان است؛ فرهنگی بی‌اعتنا به استانداردها و شاخصه‌های برتری بخش و فاخری که در فرهنگ برتر، ارزش محسوب می‌شوند.

مشخصه فرهنگ عامه یا مردمی، شکستن ساختارها و هنجارهای دست و پاگیر،

یکی از گونه‌بندی‌های رایج دین‌داری، تفکیک نمونه‌های خواص و عامه آن است. این به آن دلیل است که هر کدام از دو گونه‌ی فرهنگ خواص و عامه، تعریف و مواجهه‌ی متفاوتی با مقوله دین دارند.

دین‌داری خواص، دین‌داری روحانیان، روشن‌فکران و قشرهای برتر و فرادست جامعه محسوب می‌شود؛ حال آن که دین‌داری عامه، مختص توده‌ی مردم و قشرهای متوسط و فرودست است.

بر دین‌داری خواص، منطق عقلی و استدلالی حاکم است و یا لاقابل حاکمیت این منطق، ارزش محسوب می‌شود. در دین‌داری عامه، منطق عاطفه و احساس حرف اول را می‌زند و به عبارتی ذوق محور است. نیز دین‌داری خواص، مفهومی، انتزاعی و استعلایی است. در مقابل، دین‌داری عامه را می‌توان حسی، عینی و کاربردی دانست.

هم‌چنین دین‌داری خواص بیشتر مستند و مبتنی بر فرهنگ نوشتاری (نصوص دینی) است. اما در دین‌داری عامه فرهنگ شفاهی غلبه دارد؛ به همین دلیل است که در آن، گفته‌ها، ضرب‌المثل‌ها و کلمات قصار محوریت دارند و باور افراد بیشتر از طریق حکایت‌های رایج در افواه و رؤیاهای ساخت می‌یابد. بر همین اساس است که دین‌داری خواص، ساختی رسمی و نسبتاً ثابت دارد.

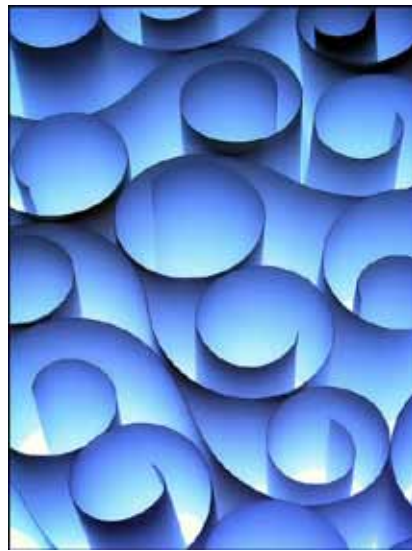
اما دین‌داری عوام، فاقد ساخت رسمی، و نسبتاً بی‌شکل، نامنظم و به شدت تکثرگر است. به همین دلیل هر چه دین‌داری خواص بر اصول دین تکیه دارد، دین‌داری عوام معمولاً گرایش به التقاط دارد و از اختلاط باورهای عوام و آداب محلی به وجود می‌آید.

به تبع این خصلت، در دین‌داری عامه نمادهای اساسی دین‌داری بیشتر متأثر از فرهنگ عامه است نه از متن دین. باورها، اعتقادات الهی و مافوق طبیعی، از تجربیات روزمره و واقعی مردم نشأت می‌گیرد. نظیر اعتقاد به افسون، روح، تأثیر ستارگان بر سرنوشت، چشم زخم، جادو و خرافات. از همین روست که عامه‌ی دین‌داران همواره از جانب خواص به بدعت‌گذاری در دین متهم می‌شوند.

مناسک دینی و آیین‌های دین‌داران

تفکیک بین دو مقوله «مناسک دینی» و «آیین‌های دین‌داران» نیز لازم است. با وجود آن که هر دو مفهوم اشاره به مجموعه آداب، رسوم و شیوه‌ی عمل مشخص و نسبتاً قانون‌مندی با جهت‌گیری دینی و قدسی و

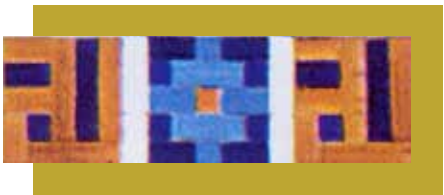
با نتیجه‌ی محتمل تقویت باور دینی فرد عامل دارند، اما در خاستگاه و منشأ، مشابه نیستند. مناسک دینی در متن دین حضور دارند و تأسیس، تعریف و تبیین چگونگی آنان و جزئیات برگزاری‌شان، در نصوص و متون اصیل دینی (مثلاً درباره اسلام: قرآن، سنت و حدیث) تصریح و تشریح شده است. در نتیجه تعریف شرایط و اشکال آنان نسبتاً ثابت و تطوری‌ناپذیر است. انجام آنان از منظر دین، تکلیف، و استنکاف از آنان معصیت محسوب شده و مستوجب عقاب است. با این تعاریف باید مناسک دینی را به عنوان بخش قابل توجهی از شریعت دینی قلمداد کرد که نمود آن در فقه دین است. به عنوان مثال، حج یکی از مناسک دینی اسلام است.



اما آیین‌های دین‌داران بر خلاف مناسک دینی، منشأ شریعتی ندارند و تعریف‌شان بر عهده‌ی خود دین نیست، بلکه مقوله‌ای اساساً اجتماعی‌اند و تأسیس، تعریف و تبیین چگونگی آن‌ها، به نوع عمل و شرایط اجتماعی دین‌داران برمی‌گردد، و به تبع، مانند خود دین‌داری، تابع تحولات اجتماعی و تغییرپذیرند. نتیجه آن که مجموعه‌ی آیین‌های دین‌داران یک دین می‌تواند بسیار متنوع باشد؛ از زمانی تا زمانی و از جامعه‌ای تا جامعه‌ای و حتی از طبقه‌ای تا طبقه‌ای. کما این که در گستره‌ی آیین‌های دین‌داران هم می‌توان دوگانه‌ی خواص عامه را مشاهده کرد. البته بیشتر در گستره دین‌داری عامه است که با تنوع و تکثر آیینی مواجه می‌شویم، تا آن جا که می‌شود ادعا کرد یکی از شاخصه‌های دین‌داری عامه، به خلاف دین‌داری خواص، مناسکی و آدابی بودن آن است.

به عبارت دیگر عموماً عامه مردم هستند که ابتکار عمل را در ابداع و اختراع آیین‌های دین‌داران در دست دارند. در این میان خواص جامعه عموماً یا پیرو عامه‌اند یا ناظر آنان و یا منتقدشان. این به آن دلیل است که آیین‌های جدید در نبود پشتوانه‌های محکم استدلالی، برای عامه کارکردی در راستای اثبات خلوص اعتقادشان دارد.

آیین‌های دین‌داران هر چند به تبع عَرَضی بودن‌شان تکلیف محسوب نمی‌شوند، اما بسیار محتمل است که فرد دین‌دار یا اجتماع دین‌داران برای نشان دادن نهایت باورمندی، چنان به انجام آنان اهتمام ورزند و خود را مقید سازند که در عمل حتی انجام مناسک دینی هم تحت الشعاع قرار گیرد.



این را می‌توان به جذابیت بیشتر و ملموس آیین‌های دین‌داران در مقایسه با مناسک دینی نسبت داد؛ چرا که این آیین‌ها، همان‌طور که اشاره شد، منشأ بشری دارند و فرد دین‌دار یا اجتماع دین‌داران در تعریف چگونگی آنان مطابق خواست‌ها و نیازهای ملموس خود احساس اختیار می‌کند؛ اما در مناسک دینی از آن جا که مرجع تعریف، فرابشری است، فضا و فرصتی برای اعمال نظر دین‌داران در نظر گرفته نشده و آنان باید صرفاً تابع و پذیرا باشند.

آیین‌های دین‌داران البته همیشه شکل کاملاً ابداعی و تأسیسی ندارند و محتمل است که از بازتعریف برخی آیین‌ها و رسوم بومی غیردینی و یا از تلفیق چند مناسک و آیین (اعم از دینی و غیردینی) شکل گرفته باشند. حالت دوم وقتی رخ می‌دهد که دین‌داران توانسته باشند از ترکیب دین پذیرفته شده و کیش نیاکان و فرهنگ و رسوم پیش از پذیرش دین، به الگو و تعریف جدیدی از آن دین برسند. الگو و تعریفی که پایبندی در دین و ارزش‌هایش و پایبندی در سنت و فرهنگ عامه مردمان داشته باشد. چنین الگویی به خاطر خاصیت دو جانبه‌اش، این امتیاز را خواهد داشت که از حمایت عاطفی و پرشور جامعه دین‌داران برخوردار شود. این آمیختگی دو فرهنگ گاه آن قدر عمیق می‌شود که فراتر از قرآنت و برداشت، به خلق گونه‌ی نوینی از یک دین یا فرهنگ می‌انجامد.



خطر عوام زدگی در دین

بررسی انتشار اخبار عامه‌پسند مذهبی

یک سایت عربی در اقدامی بحث‌برانگیز، تصاویری از اسبی در حال سجده در یکی از حسینیه‌های بحرین منتشر کرد. این سایت در توضیحات ابتدای این خبر، با تأکید بر این که در این موضوع شکی نیست، تصریح کرده است: «اهل بیت (ع)، معدن معجزه هستند و معجزات آن‌ها قابل شمارش و گردآوری نیست».

در سال‌های اخیر شاهد اخباری مشابه این، هم‌چون «ورود سگ به حرم امام رضا (ع)»، «مسخ یک دختر هلندی»، «زن پلنگ‌نما» و... نیز بوده‌ایم. هرچند پدیده‌های مذهبی، بسیار پیچیده‌اند و ارائه نظر قطعی مبنی بر ابطال و یا صحت آن‌ها امکان‌پذیر نیست. اما تسری در برخی از این پدیده‌های به ظاهر مذهبی، باعث شکل‌گیری هویتی بی‌محتوا اما شکیل می‌شود. تسری به معنی شاخ و برگ دادن به پدیده‌های مذهبی است که باعث آسیب و رواج خرافات می‌شود. در این موارد محتوای درستی پدیده مورد توجه نیست اما به دلیل این که به هویت تبدیل شده، نمی‌توان از ترویج آن به صورت مستقیم پیشگیری کرد. قطع نظر از درستی یا نادرستی اخباری از این دست، آن چه مهم است، توجه به اصل دین و پرهیز از مبنا قرار دادن شاخ و برگ‌ها و خرافات است.

برای بررسی بیشتر این پدیده و اخبار مشابه، نظرات دوتن از صاحب‌نظران را در این زمینه جویا شده‌ایم که در ادامه می‌آید.

خطر عوام زدگی

گفت و گو با دکتر محمد حسین پناهی

دکترای جامعه‌شناسی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی

■ به نظر شما رویکرد جامعه‌شناسانه به این نوع اخبار باید چگونه باشد؟

■ من معتقدم رویکرد ما به این گونه خبرها باید حساب شده‌تر و منطقی‌تر باشد و اصلاً فارغ از درستی و نادرستی این خبر، به آن بپردازیم. رویکرد جامعه‌شناسانه به این نوع اخبار معتقد است باید به تأثیرات انتشار این خبر بر اعضای جامعه دین‌داران توجه کنیم. این اخبار شاید باعث شود بخشی از دین‌داران جامعه ما افزایش پیدا کند. اما آیا این ارزش آن را دارد که دین، عوام‌زده شود تا دین‌داران جامعه افزایش یابد؟ من فکر می‌کنم هیچ‌گاه این اخبار در اسلام و در سیره‌ی ائمه (ص) نبوده است. یعنی هیچ‌گاه ندیده‌ایم که امامان ما بگویند یک اناری بیاورید و قالبی بگیرید تا روی آن لفظ الله بیفتد و به مردم بگویند این نشانه‌ی خداست. در حالی که آن‌ها واقعاً معتقد هستند که هر دانه‌ی انگور، نشانه‌ی خداست. حتی در قرآن هم همین رویکرد هست. قرآن هیچ‌گاه نمی‌گوید که بر اثر یک استثناء به اسلام روی بیاورید، بلکه معتقد است خدا را در همین چرخش زمین و شب و روز ببینید. آیه‌ای هست که می‌گوید دانه‌ای را که می‌کارید و آن می‌روید، همین نشانه‌ی خداوند است. برای همین فکر می‌کنم هیچ نمونه و شاهد تاریخی در این زمینه نداشته‌ایم و در سیره امامان و در سنت رسول الله (ص) هیچ‌گاه چنین چیزی ندیده‌ایم و بعید است بتوان در مورد چنین چیزهایی حکم داد و آن را پذیرفت.

■ عملکرد سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی در برابر چنین اخباری باید چگونه باشد؟

■ روشنگری سازمان‌های تبلیغی باید در سطح کلان باشد تا بتوانند با دادن آگاهی و روشن کردن صورت قضایا، عموم جامعه را آگاه کنند. فکر می‌کنم خیلی هم نیاز نیست برویم و به تک تک افراد بگوییم این خبر دروغ بوده و صحت نداشته است. این خودش شاید به نوعی کار را شدت دهد و باعث شود سرعت نشر این خبر بیشتر شود. حالا اگر یک نفر در یک روستایی به این قضیه اعتقاد داشت و باورش شده بود و ایمانش بیشتر شده بود، مدام با او کلنجار برویم که این خبر غلط بوده است.

■ انتشار چنین اخباری چه تأثیراتی در پی دارد؟
■ باید متوجه باشیم که خود این اخبار چه

آثار مخربی ممکن است داشته باشد. شما فرض کنید شخصی خبری را بشنود، به آن ایمان بیاورد و باور کند و بعد از مدتی بفهمد غلط بوده، بخش عمده‌ای از باورها و ایمانش آسیب می‌بیند و فرد دچار صدمه‌ی جدی می‌شود. این‌ها از مضراتی است که باور آن‌ها و انتشار آن جامعه را دچار خود می‌کند. خطر دوم که باز به آن تأیید می‌کنم، خطر عوام‌زده شدن دین است. این خطر هم کم‌تر از خطر اول نیست. دین اگر به مرور زمان بخواهد راه خود را طی کند، قطعاً عوام‌زده می‌شود. و در مقابل، هستند خواصی که دین را این‌گونه نمی‌فهمند و در این صورت این اخبار برای آن‌ها مضحک می‌آید و برای آن‌ها سؤال می‌شود، دینی که ما فهمیدیم، این اخبار و روایت‌هاست؟ چه ماجرای دارد؟ همان که ممکن است عده‌ای را جذب کند، ممکن هم هست عده‌ای را دفع کند. لذا من فکر می‌کنم در برخورد با این خبرها نیاز به هوشیاری و دقت بسیار بیشتری هست.

■ عده‌ای معتقدند نقد و بررسی این اخبار و واکنش عمومی، باورها و اعتقادات مردم را خدشه‌دار می‌کند. بهتر است ممانعتی در پذیرش این اخبار صورت نگیرد. نظر شما چیست؟

■ اگر در سطح فردی است، فکر می‌کنم خیلی مناسب نباشد با او هم وارد بحث و جدل و چالش شویم و بخواهیم اثبات کنیم که مثلاً این خبر دروغ بوده است، اما اگر قرار است این بحث، سازمان یافته و به صورت گسترده منتشر شود، قطعاً نمی‌توانیم بگوییم ممانعت نشود، چون اگر ممانعت نشود، روز به روز هجوم آن افزایش پیدا می‌کند. لذا منطقی‌تر آن است که بر خوردهایی آگاهی دهنده که باعث می‌شود افراد خودشان یک رویکرد صحیح در مقابل این نوع خبرها داشته باشند، صورت گیرد.

■ این مسائل در جوامع غربی و دیگر ادیان هم دیده می‌شود؟

■ در مسیحیت و سایر ادیان کم و بیش وجود دارد. چون بخشی از هر جامعه‌ی دینی را عوام آن تشکیل می‌دهند و عوام هم از دین خود توقعاتی دارند. این منحصر به اسلام نیست. در هر دین بالاخره باید مباحثی باشد که عوام را هم قانع کند و خطر همین جاست که قانع کردن بیش از حد آن‌ها، خطر عوام‌زدگی دین را باعث می‌شود.

■ چرا این نوع اخبار معمولاً مورد توجه و اقبال عموم مردم قرار می‌گیرد؟

■ طبیعتاً بخشی به دلیل عملکرد ضعیف دستگاه‌های مربوطه است. بخشی به نوع فرهنگ‌ها و آداب و رسوم و سنن افراد در جوامع و فرهنگ‌های مختلف برمی‌گردد که فکر می‌کنم مورد اول با آن در ارتباط باشد؛ و بخشی هم طبیعتاً جذابیت این نوع خبرهاست. در هر صورت شما قائل به هر نوع سطح دینی باشید، این نوع اخبار و مباحث برای بخشی از جامعه جذابیت دارد. مطمئن باشید ارگان‌های ذیربط اگر بهترین عملکرد را داشتند، این به صفر نمی‌رسید. گروه‌هایی هستند که مشتاقند این اخبار را بشنوند.



تمایل مردم به اسطوره‌ها سبب ایجاد خرافات می‌گردد

گفت و گو با استاد محمد اسفندیاری

محقق و عاشورا پژوه

اسفندیاری مهم‌ترین علت ورود خرافات به اصل دین را تمایل مردم به اسطوره‌ها عنوان کرد و تصریح نمود: مردم از این که امام حسین (ع) بر طبق اسباب طبیعی و علت و معلولی قیام کرد و در مقابل ظلم ایستاد را نمی‌پسندند و خیال می‌کنند در عاشورا باید اتفاقی ماوراء این امر رخ داده باشد.

او، اصل این خبر را نادرست خواند و خاطر نشان کرد: باید از انتشار این اخبار که جز تحریف و وارد کردن خرافات به دین نیست، جلوگیری شود.

وی خواستار وارد شدن عالمان دینی به این مسئله و رد این گونه خرافات شد و گفت: اگر عالمان و بزرگان دین این تحریفات را به مردم گوشزد کنند و نسبت به ورود خرافات به اصل دین تذکر دهند، پذیرش از سوی مردم آسان‌تر صورت می‌گیرد. عوام مردم در این تصور هستند که هر چه دین اسطوره‌ای‌تر باشد، صحیح‌تر است، به همین دلیل خرافات به سادگی وارد زندگی و افکار مردم می‌شود. وی اظهار داشت: ویل دورانت نویسنده‌ی کتاب تاریخ تمدن و دیوید هیوم نویسنده کتاب تاریخ طبیعی دین، معتقدند مردم آن چه را به اسطوره نزدیک‌تر باشد به عنوان دین، بیشتر قبول دارند.



پاسداری از چرم مراسم آئینه عاشورا



نویسنده: سیدعلی حسینی

تمامی قوا و استعدادهای درونی خود اعم از عقل، احساس، ذوق، توان فن آوری، معنویت و روحانیت و حتی استعداد شیطننت و شرارت خود را به صورت سازمان یافته در جهان مجسم و متبلور می سازد. این سفر و پویش یک حرکت جمعی است. در این حرکت پله ای اگر چه تمامی قوای درونی جامعه سهم دارند، لیکن به دلیل این که نیاز به سازماندهی دارد، این سازماندهی در اساس، یک حرکت

در تمدن های کهن و با پشتوانه ای گران مایه، عقلانیتی که پشتوانه آن تمدن است، روح آن تمدن را تشکیل می دهد. افول و علو تمدن های بزرگ را باید در قوت و ضعف عقلانیت آن ها جست و جو کرد که در بسترهای تاریخی شکل می پذیرند و قوام یافته و فضای تنفس عقلانی جامعه را می سازند. نبرد و مسالمت در گفت و گوی تمدن ها هم بر خلاف ظاهر آن که در هیأت درگیری سخت افزارها جلوه می کند، در واقع چیزی جز رویارویی عقلانیت ها با یکدیگر نیست. از نگاه صاحبان این اندیشه، «مدنیت»، پویش در مسیری است که در آن، یک جامعه



و پوییش عقلی است و می‌توان از عقلانیت جمعی آن جامعه به عنوان مهم‌ترین انگیزه قوام‌بخش تمدن یاد کرد. امروزه مدعیان تمدن غرب قائل هستند که تورق اوراق فلسفه در غرب، معادل تورق ادوار تمدن غرب است. آموزش‌های درون‌دینی در جامعه‌ی نوپای اسلامی صدر اسلام، اولین ماده‌ی آن عقلانیت را برای تأسیس تمدن عظیم و فاخر پی افکند. در ادوار و قرن‌های بعد، کم‌کم و آهسته‌آهسته از بستر این اقیانوس موج، بزرگانی چون فارابی، ابن سینا، ابوریحان و خواجه نصیر برخاستند که هر یک در عصر پرشور و هیجان خود، منشا آثار پربرکتی شدند. و زمانی این شجره‌ی طیبه از شادابی و ثمردهی باز ماند که ظاهرگرایی، اشعری‌گرایی و صوفی‌گری، سرزمین پر حاصل تمدن اسلامی را با خشک‌سالی عقلانیت روبه‌رو گردانید و بر جامعه اسلامی جمود و قشری‌گرایی حاکم گردید و همین امر زمینه‌های واپس‌گرایی تمدن اسلامی را فراهم کرد. گزافه نیست بگوییم اگر نمودار اوج و افول عقلانیت را در جامعه اسلامی بر اساس متغیر زمان ترسیم کنیم، این نمودار با منحنی اوج و حضیض تمدن اسلامی هم‌سازی و برابری کامل دارد. نقش حضرت امام صادق (ع) در احیای اصول اعتقادات و مبانی عقلی دین تا جایی بود که از آن زمان تاکنون شیعه و سنی بر سر سفره آن نشستند. پیدایش مذاهب اربعه در اهل سنت نیز به دلیل تمامیت مکتب امام صادق (ع) است که آن چنان در تمام جوانب دارای چارچوب محکم عقلانی می‌باشد که برای هیچ مکتب دیگری جای بحث نگذاشته است. البته شکی نیست که خردمندی و خردباوری تا از رأس هرم جامعه به بدنه و به

**پیدایش مذاهب اربعه در
اهل سنت نیز به دلیل تمامیت
مکتب امام صادق (ع) است که
آن چنان در تمام جوانب دارای
چارچوب محکم عقلانی می‌باشد
که برای هیچ مکتب دیگری جای
بحث نگذاشته است.**

صورت یک قاعده جریان یابد و یا به عبارت دیگر تا این فهم از فرهنگ خواص به فرهنگ عوام دگرگون شود، زمان می‌طلبد، اما در این موضوع نمی‌توان تردید کرد که عقلانیت به عنوان مهم‌ترین ویژگی این فرهنگ و تمدن، سازوکاری رشد دهنده جز «نقد و بررسی» نمی‌تواند داشته باشد. عقلانیت پویا، عقلانیتی است که همواره خود را در دید و نمودگاه انتقاد قرار دهد و در اصل، سازوکارهای نقد را به عنوان عامل پویایی در درون، طراحی و تعبیه کرده باشد. تمدن اسلامی به عنوان یکی از پرافتخارترین تمدن‌های بشری، ابزار لازم برای این گفت‌وگوی فرهنگی را در اختیار دارد، لیکن مدت‌هاست که منبع مولد و پویای انتقادی آن از تکاپو و تحرک بازمانده است.

ب: خیزش فرمان‌روایان علیه پاپ

در طول قرون وسطی شاهان، تحت سیطره پاپ و کلیسا بوده‌اند، اما همواره بین این دو گروه کشاکش وجود داشته است. سلاطین از هر فرصتی برای تلاش جهت رهایی از سلطه کلیسا و استقلال طلبی بهره می‌گیرند. در طول قرون وسطی پیروزی با کلیساست. شاهان که در اندیشه تسلط بر اموال و زمین‌های وسیع کلیسا و عدم واریز پول هایشان به جانب ایتالیا و پاپ هستند، نوعی از ناسیونالیسم (ملیت‌گرایی) به قصد استقرار سلطنت‌های مطلقه و مستقل از پاپ را ایجاد کردند.

ج: ناراضی‌های عمومی و فساد کلیسا و دستگاه پاپ فساد کلیسا از قرن ۱۴ به بعد اعتراضات بسیاری را برانگیخته بود. زندگی تجمعی پاپ‌ها، فساد اخلاقی دستگاه کلیسا، خرید و فروش بهشت و عفو گناهان، بخشیدن مردگان گناهکار با فروش آمرزش‌نامه، ثروت بسیار متصدیان کلیسا، دنیاپرستی و شهوت‌رانی آنان علی‌رغم ادعای معنوی‌شان، اخاذی‌ها و مالیت‌بندی‌های آنان (که این عامل به ویژه در آلمان و نهضت لوتر بسیار مؤثر بود)، از عواملی بودند که مردم را از کلیسا دور می‌ساختند، تا جایی که بسیاری از راهبان و کشیشان خود به صف مخالفان و منتقدان دستگاه پاپ پیوستند.

حال در کنار این عوامل اصلی باید علل فرعی دیگری را نیز مورد توجه قرار داد که از این قبیل هستند جنگ‌های صلیبی که شکست مسیحیان در آن، سبب بیداری آنان شد. آگاهی از تمدن اسلامی در خلال این جنگ‌ها، دسترسی مجدد به فرهنگ باستانی قبل از مسیحیت و دوران کلاسیک فلسفه، اختراع صنعت چاپ و ترجمه کتاب مقدس و تفاوت فاحش زندگی کشیشان و دستگاه پاپ با مفاد آن، سست شدن اخلاق عمومی و همراه آن، اخلاق سیاسی، به گونه‌ای که ارتشا در جامعه بیداد می‌کرد. به هر حال به گفته ویل دورانت هزاران عامل و علت روحانی، عقلانی، عاطفی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی پس از سال‌ها مخالفت و سرکوفتگی جمع شده، گردبادی نیرومند برانگیختند که اروپا را به بزرگ‌ترین دگرگونی و انقلاب پس از فتح رم به دست قبایل وحشی کشانید.

الف) لزوم تبیین جایگاه مناظرات علمی در سیره ائمه اطهار (ع)

مانه تنها نباید از شبهه‌افکنی و طرح آن هراس و وا همه داشته باشیم، بلکه باید از آن استقبال کنیم. می‌بایست ترس ما

مانه تنها نباید از شبهه‌افکنی و طرح آن هراس و وا همه داشته باشیم، بلکه باید از آن استقبال کنیم. می‌بایست ترس ما از آن باشد که پاسخ را بنا به توجیهاات و مصلحت‌اندیشی‌ها بیان نکنیم. زیرا ترس از بیماری که قابل مداواست، خیلی معنی ندارد، بلکه ترس از بیماری آن جا معنی پیدا می‌کند که دوا نداشته باشد



بحث ما (تعارض بورژوازی با فئودالیسم و کلیسا) می‌توان به مورد ذیل اشاره نمود. در آلمان که بخش عمده‌ای از اصلاح طلبی دینی (لوتریسم) بدان مربوط می‌شود، خانواده‌های ثروتمندی وجود دارند که خانواده «فوگر» در رأس آن‌ها قرار دارد. امپراطورشان با وام گرفتن از این خانواده، موفق به خرید لقب امپراطور از پاپ می‌شود و این بدهکاری در تحولات سیاسی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند، به طوری که لردها و فئودال‌ها و هم‌چنین فرمانروایان به سرمایه‌داران مقروض شدند و از طرفی دیگر همین ثروتمندان باید مالیات‌های سنگینی به فرمانروایان محلی و کلیسا بر اساس قوانین مختلف می‌پرداختند. در این مرحله شاهد نوعی تغییر تاکتیک و توافق فئودالیسم و بورژوازی در تأسیس دولت مرکزی قوی و حذف قدرت کلیسا هستیم.

تمدن‌های متکی بر محور عقلانیت خویش، حرکت و افت و خیز دارند و تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست و کم‌تر مکتب و حتی دین الهی را می‌توانید پیدا کنید که فیلسوفان بزرگ تربیت کند و همه مبانی خود را با فلسفه و عقل تطبیق دهد.

نهضت اصلاح دینی در اروپا (پروتستانیزم)

منظور از نهضت اصلاح دینی، تجدید نظر در اندیشه مذهبی مسیحیت قرون وسطی در ابعاد سیاسی اقتصادی، فرهنگی و غیره است. بنیان‌گذار نخستین آن «مارتین لوتر» بود و چندی پس از شروع نهضت، توسط وی در آلمان، «کالون» نیز حرکت مشابهی را در سوئیس آغاز کرد. این جنبش در بخش عظیمی از اروپا موفق به در هم شکستن جزم‌های کلیسا و سلطه‌ی فرهنگی و سیاسی آن بر دستگاه‌های قدرت شد. از آن جا که این دو متفکر پیش از آن که اندیشه‌گران سیاسی باشند، عالمان الهیات هستند، پرداختن به دیدگاه‌های مذهبی آن‌ها بسیار ضروری است، به ویژه آن که الهیات به مثابه جهان بینی آنان عمل کرده و سایر اندیشه‌های آن دو در چارچوب الهیات‌شان جای گرفته و معنا می‌یابد و اصولاً «لوتر» و «کالون» همه مسائل سیاسی را در نهایت مسئله الهیات می‌دانند.

۱- رشد بورژوازی

الف: چگونگی و عواقب سوء رشد آن در جامعه

با توجه به رشد سریع بورژوازی در جامعه‌ی اروپا و استعمار کشورهای غنی آسیایی و آفریقایی، سرمایه‌های هنگفتی در اروپا جمع گشت که تعارضات و بحران‌های اقتصادی فراوان را به دنبال داشت. در خصوص موضوع

از آن باشد که پاسخ را بنا به توجیحات و مصلحت‌اندیشی‌ها بیان نکنیم. زیرا ترس از بیماری که قابل مداواست، خیلی معنی ندارد، بلکه ترس از بیماری آن‌جا معنی پیدا می‌کند که دو انداخته باشد؛ همانند بیماری سرطان. اگر در برابر این شبهه افکنی، سرخوردگی فکری و عقلی ایجاد شود، عوام و خواص و تحصیل‌کرده متدین و غیره به امور احساسی بیش از پیش گرایش نشان می‌دهند و به یک‌باره نظام عقل را به کناری می‌زنند و حریم قدس الهی را عاری از استنباطات عقلی می‌پذیرند و دست به نوآوری‌های احساسی بسیار خطرناکی می‌زنند و حجت شرعی امور لهو و لعب را از دین طلب می‌کنند و بر اساس تساهل و تسامح هر نوآوری در مراسم آیینی را عین صواب پنداشته، به آن لباس قداست می‌پوشانند.

ب) گام‌های گذشته دشمنان اسلام در برابر اعتقادات تشیع

نقش بنیادین تاریخ و آگاهی مسلمانان در بیداری و استقلال ملت‌های مسلمان چیزی است که دشمنان اسلام از دیرزمان بدان پی برده‌اند و به خوبی می‌دانند که این اطلاعات ذی‌قیمت منجر به حفظ هویت آنان می‌گردد. لذا همیشه کوشش داشته‌اند که با فلج‌سازی حافظه تاریخی ملت‌های مسلمان، ذهن و عاطفه آن‌ها را از خودآگاهی تاریخی تخلیه کنند و در این راه از تاکتیک‌ها و شیوه‌های مختلفی بهره برده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است.

۱- تحریف تاریخ تمدن اسلام

این حرکت خزنده و بسیار مخفی را به وسیله‌ی دانشمندان و نویسندگان، تحت عناوین خاورشناس، اسلام‌شناس، ایران‌شناس و عرب‌شناس و در نهایت مستشرق و باستان‌شناس به انجام رسانده و می‌رسانند.

۲- دامن زدن به تقابل بین علم و دین

این سیاست که بیش‌تر توسط متفکرین غرب با شعارهای «مباینیت و مخالفت دین با دانش» یا «دین یا کهنه‌پرستی» و یا با ارائه تزه‌های جدایی دین از سیاست در میان مسلمانان با تمام توان پیگیری می‌شود، در قالب ترجمه آثار نخ‌نمای دانشمندان قرن گذشته با غرب زدگی بعضی از تحصیل‌کردگان داخلی به اوج می‌رسد.

۳- تبلیغ اسطوره‌های فرهنگی غیرمسلمان امروزه شاهد فراموشی بسیاری از اساطیر بزرگ علمی و اجتماعی و دینی و ملی هستیم و در مقابل، کوچک‌ترین حرکت اسطوره‌های دشمنان اسلام با بهترین شیوه‌های تبلیغی

ارائه شده، تبدیل به یک فرهنگ می‌گردد. به عنوان مثال می‌توان از پدیده فرهنگی «والنتاین» نام برد که بسیاری از جوانان تا مرز تقدس به آن نگاه می‌کنند و تنها راه ابراز محبت را در آن منحصر می‌دانند.

۴- خرد کردن قدرت سیاسی کشورهای اسلامی وجود دو قدرت پرنفوذ در حوزه حکومت اسلامی که تحت قالب دو مذهب بزرگ، خودنمایی می‌کرد و منجر به حکومت صفویه در ایران (حامی مذهب تشیع) و امپراطوری عثمانی (مدافع مذهب اهل سنت) شده بود، بزرگ‌ترین مانع تسلط دشمنان اسلام به شمار می‌رفت. ولی سیاست تحریک ناسیونالیسم اقوام و ملل اسلامی منجر به استقلال بسیاری از قسمت‌های این دو قدرت بزرگ شد و دولت‌های کوچک اسلامی ضعیفی به وجود آمد که متأسفانه امروزه حتی حداقل کارایی لازم در عرصه جهان اسلام را هم ندارند.

ج: گام‌های گذشته نواندیشان مذهبی معاصر و گام جدید آنان در ایران

نواندیشان مذهبی معاصر در طول تاریخ نه چندان طولانی‌شان در پیش‌برد پارادایم فکری و نظری خود و تبیین نسبت نقادانه آن با دین رایج کلاسیک و سنتی تاکنون قدم‌هایی برداشته‌اند که متأسفانه این گام‌ها به طور متوالی و همراه با نفوذ به لایه‌های فکری بوده است.

یک گام اصلی و اساسی که نواندیشان دینی برداشته‌اند، این است که متن مقدس مذهب (قرآن) را قابل فهم دانستند و تفاسیر روایی را با یک نوع برداشت خاص مطرح کردند. آن‌ها در مقابل مذهب، آن را سنتی و موروثی و صرفاً به صورت تقلید از گذشتگان معرفی می‌کنند و متن مقدسش را فقط برای ثواب؛ و یک صدا اعلام می‌کنند: متن مقدس باید قابل فهم همگان باشد و قداست‌ها نباید به عنوان یک مانع از فهم تلقی شود. سپس به تدریج نواندیشی دینی به این نقطه‌ای می‌رسد که مذهب در خدمت انسان است نه انسان در خدمت مذهب، که این یکی از



در تمدن‌های کهن و با پشتوانه‌ی گران‌مایه، عقلانیتی که پشتوانه آن تمدن است، روح آن تمدن را تشکیل می‌دهد. افول و علو تمدن‌های بزرگ را باید در قوت و ضعف عقلانیت آن‌ها جست‌وجو کرد که در بسترهای تاریخی شکل می‌پذیرند و قوام یافته و فضای تنفس عقلانی جامعه را می‌سازند.

تئوری‌های بنیادی نواندیشی دینی است. به تعبیر دکتر شریعتی، مذهب راه است نه هدف. یا به تعبیر مهندس بازرگان: من می‌خواهم از طریق اسلام به ایران خدمت کنم ولی دیگران می‌خواهند از طریق ایران به اسلام خدمت کنند. به طوری که اگر ملاحظه شود، ابتدا مذهب را قابل فهم بشری و عاری از تقدس و وابستگی به «راسخون فی العلم» اعلام نمودند (همچنان که اهل سنت هم به نوعی با این نظریه هماهنگی دارند) و سپس از نقطه افتراق مذهب شیعه از دیگر مذاهب فاصله گرفتند.

این رویکرد با رویکردی که دستگاه رسمی و سنتی دینی با متون دینی داشته کاملاً جداست و باید در همان زمان زنگ‌های خطر اعتقادی، وجدان‌های خفته‌ی همه اندیشمندان واقعی را بیدار می‌کرد که این بحث چه پیامدها و الزامات منطقی مهمی در بر دارد و به چه تضادهای جدی با ذاتیات

چارچوب و به موازات همین مواضع، لایه‌ی دیگر یا گام جدی دیگری که نواندیشی دینی برداشته است، طرح وجود زبان سمبلیک در متن و برخورد تأویلی و هرمنوتیکی با برخی مفاهیم مثل داستان حضرت آدم (ع)، هابیل

ما به طور کلی در دو جبهه باید هشیار باشیم، نخست مستحکم نمودن باورهای شیعی در قالب‌های کاملاً منطقی و عقلی. دوم بازنگری و اصلاح روش‌های سنتی و مراسم آئینی و میدان دادن به روش‌ها و ابتکارات بدیع منطبق با باورهای شیعی

و قاییل، حج و امثالهم است. دکتر شریعتی همانند نواندیشان دینی این دایره را گسترش داد و به تبیین و تفسیر داستان حضرت آدم (ع)، هابیل و قاییل، حج، معراج و... پرداخت و بر اساس این مجموعه، دیدگاه‌ها و چالش‌ها را مطرح نمود. وی نهایتاً به دو تلقی کاملاً متفاوت از مذهب و مذهبی بودن می‌رسد که یکی تلقی مذهبی متن‌گرا و متن‌محور و تلقی دیگر مذهب انسان‌گرا و انسان‌محور است. در این موضوعات تئوری‌های پایه و تندپیچ‌های سهمگینی وجود دارد که مسیر نگرش‌ها را کاملاً از هم جدا می‌کند. روشن‌فکران در عین حال در عرصه‌هایی که به برخی آیات و بعضی مفاهیم فرهنگی همانند واقعه عاشورا و روحیه جهاد و شهادت و... برمی‌گردند، هنوز تبیین روشنی ارائه ندادند. بیش‌تر در این عرصه نیز به دنبال تبیینی هستند که به لحاظ منطقی باورپذیرتر باشد و گرایش عقل

مذهب تشیع می‌رسد. شاید بتوان چنین گفت که نتیجه و محصول این رویکرد این است که مباحث اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فقهی را مقطعی و مرحله‌ای تلقی می‌کند و تمام احکام قطعی را به یک‌باره به چالش اساسی و محتوایی می‌کشد و نهایتاً ضمن نفی تئوری دولت دینی به این نتیجه می‌رسد که به جز جهت‌گیری‌های عام، از درون دین، برنامه و سیستم مشخصی در نمی‌آید. به عبارت دیگر یک انسان مذهبی پیش‌نویسی برای امور اجرایی، سیاسی، اقتصادی و حکومتی ندارد بلکه یک جهت‌گیری کلی و اجملی دارد.

نواندیشان به هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی متن مقدس و مذهب نگاه دیگری دارند. به طوری که از نظر آن‌ها مذهب، دید و جهت می‌دهد نه عقاید جزئی و سیستم‌های عملی. در همین

را به دور از احساسات و عواطف اعلام نمایند و رفیق بی‌همتای عقل را مصلحت‌اندیشی و در نهایت مسالمت‌آمیز قلمداد کنند.

د: گام جدید اعلام موجودیت پروتستانیزم اسلامی دکتر سروش، با همین دغدغه در مصاحبه‌ای با مجله آبان گفته بود: روشن‌فکری دینی اینک باید فقه خاص خود را ارائه دهد.

از نظر وی گام بعدی نواندیشی دینی، این است که نظرش را در رابطه با احکام روشن کند و یا به اصطلاح با آن‌ها تعیین تکلیف کند. وی در آن مصاحبه، حتی این داعیه را دارد که او درون‌مایه این بحث را مهیا کرده است. شاید دکتر شریعتی بیش از هر روشنفکر دیگری در باره شریعت بحث کرده باشد ولی در باره آن تئوری کاملی ارائه ن داده است. مهم‌ترین تئوری که در اواخر عمرش^۱ عنوان کرده، آن است که احکام مربوط به رابطه انسان با خدا و هستی را ثابت می‌داند ولی آن‌چه را در رابطه با انسان و جامعه است متغیر معرفی می‌کند.

شاید این پخته‌ترین تئوری در نواندیشی دینی در این حوزه باشد. در نهایت پروژه نواندیشی دینی در وجه نظری‌اش می‌خواهد مذهب را تبیین‌نهایی کند. به عبارت دیگر می‌خواهد بداند هسته‌ی سخت مذهب کجاست؟ و شاید این بحث، بخش پایانی پارادایم فکری نواندیشی دینی و کامل‌کننده‌ی پازل روشن‌فکری مذهبی است. بنابراین توجه دگراندیشان در این موضوعات نه برای کسانی است که به قول دکتر شریعتی در مذهب سنتی‌شان غنوده‌اند و در آن جا احساس آرامش می‌کنند و حتی نه برای کسانی است که از مذهب عبور کرده‌اند و کاری هم ندارند. زیرا این دو طیف اصلاً پرسشی برای خود مطرح نمی‌بینند تا به پاسخ آن اهمیت دهند، بلکه برای کسانی است که دغدغه مذهبی نسبی دارند و در این وضعیت از یک طرف در چالش با مذهب سنتی‌اند و از طرفی دیگر نمی‌خواهند از مذهب عبور کنند.

شاید این گروه، اکثریت افراد جامعه و یا به عبارتی افراد خالی‌الذهن را شامل می‌شود. در این جاست که پدیده پروتستانیزم نقش خود را ایفا می‌کند و به عنوان آلت‌رناتیو و به دلیلی پاسخگو برای پرسش‌های دینی علمی جلوه‌نمایی می‌کند و این‌تزر را ارائه می‌کند که متون مقدس در دوران و تاریخ گذشته بشر شکل گرفته‌اند، رابطه تنگاتنگی با ذهن و زندگی مردم زمانه‌شان داشته و آموزه‌ها و گزاره‌هایشان هم با زندگی مردم آن زمان عجین می‌شد.

در دوران جدید به تدریج پدیده‌های علمی

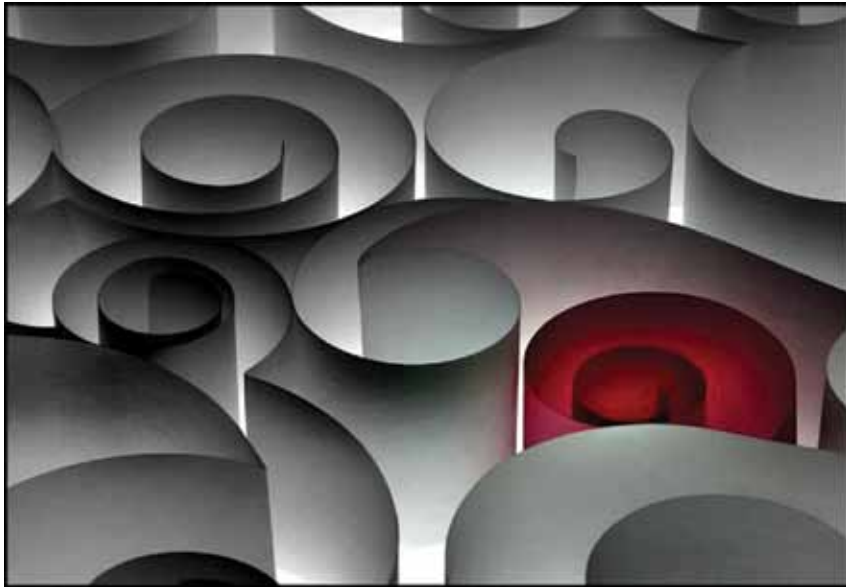
همانند اظهارات علمی گالیله در مقابل کلیسا و ادعای داروین در مقابل اسلام، لرزه‌هایی نسبتاً قوی ایجاد کرد و از طرفی دیگر اعتقادات مردم به اسطوره‌ها و ماوراء طبیعت کم‌رنگ شد و فلسفه، علم و اندیشه جدید به جایگزین بلامنازعی تبدیل شدند و به هر حال چاله‌های بزرگ زمان، فاصله‌های عمیقی را بین دنیای جدید و قدیم ایجاد کرد که متون مقدس به همراه همه ابزارهای بشارتی و اندازی نمی‌تواند آن را پر کند.

ه: چگونگی پاسداری از حریم مراسم آئینی
صیانت از مکتبی که سردمداران و پاسداران آن همه نوع مرارت و سختی را به جان خریده‌اند، یک ضرورت جدید نیست بلکه از ظهور اسلام و تبلور ولایت علوی بر عهده امامان معصوم (ع) و صالحان و علما بوده و بنا به مقتضیات زمان و مکان و نیاز بشری در قالب‌های الگوئی ارائه شده است، به طوری که در ایامی با سلاح و در مقطعی دیگر با هجرت و حتی با نثار جان‌شان دفاع جانانه‌ای از مرزهای اعتقادی شیعه برای ثبت در تاریخ و سرمشق بشریت به نمایش گذاشته‌اند. زیرا وعده‌ی الهی این است که کف‌های روی آب کنار می‌رود و آنچه که برای مردم منفعت دارد، می‌ماند. لذا نوع صیانت و پاسداری، خود مقوله‌ای بسیار پیچیده و نیازمند امعان نظر می‌باشد و شاید به عبارت دیگر ما به طور کلی در دو جبهه باید هشیار باشیم، نخست مستحکم نمودن باورهای شیعی در قالب‌های کاملاً منطقی و عقلی. دوم بازنگری و اصلاح روش‌های سنتی و مراسم آئینی و میدان دادن به روش‌ها و ابتکارات بدیع منطبق با باورهای شیعی.

۱- مستحکم نمودن باورهای اعتقادی تشیع
دفاع نمودن می‌بایست بر اساس یک چارچوب به همراه دژهای تسخیرناپذیر استدلال و برهان باشد زیرا اگر در تبلیغ فرهنگ تشیع، بنای ایمانی مردم از استحکام لازم برخوردار نباشد، با اندک تهاجم و شیبخونی به سرحدات اعتقادات، متزلزل می‌گردد. چرا که اگر در قالب یک شبهه به جان انسان رسوخ کند، خروج آن بسیار کار طاقت‌فرسا و زمان‌بری است، لذا می‌بایست به مقولات ذیل به عنوان سلاح کاربردی صیانت، توجه کافی نمود. در سیره امام صادق (ع) در برابر شبهات ابن ابی‌العوجا چنین آمده است که از شخصیت مفضل بن عمر استفاده می‌کند ولی جابر بن جعفری را از مقابله بر حذر می‌نماید. یکی از موضوعاتی که باعث فخر شیعه می‌باشد و تمامی مکاتب مادی در برابر آن خلع سلاح می‌باشند، نوع تفکر و ایده‌ی شیعه

در مسئله توحید می‌باشد؛ به طوری که تمام مذاهب و ادیان الهی به هنگام برخورد با آراء عقل و منطق و فلسفه حرفی برای جواب اشکالات نداشتند و به یک‌باره در اعتقادات خود برای جواب‌گویی دست به فلسفه یا به بدعت‌های خطرناکی زدند و یا حکم به تکفیر فلسفه نمودند. ولی مذهب تشیع نه تنها در این دو مسیر قرار نگرفته بلکه باعث تعالی فلسفه و افزودن مضامین عمیق و بلندی شده است که دانشمندان و فلاسفه از هر ملت و مرامی را شیفته خود نموده است. لذا جا دارد با روش‌ها و متدهای امروزی چارچوب‌های اعتقادی را به بهترین وجه ممکن برای افراد

۶. ایجاد درس فلسفه و عقل و منطق در کنار دروس دیگر نظام آموزشی و پرورشی با سطح‌بندی مناسب در مقاطع تحصیلی
۲- بازنگری و اصلاح روش‌های سنتی و مراسم آئینی انقلاب اسلامی در شکل‌گیری خود الگوها و روش‌های نوینی را در زمینه نوع زمام‌داری و رفتارهای اجتماعی عرضه کرد. این تغییرات که بسیاری از آن‌ها متأثر از مقتضیات زمان و مکان و ظرفیت والای اجتهاد شیعی بود، به پیکره بسیاری از رسومات و اعمال مناسکی جان تازه‌ای بخشید، آن‌چنان که شاهد احیای مجدد بسیاری از مناسک الهی بخصوص در حوزه اجتماعی مانند نماز جمعه و اعتکاف و...



عام تبیین نمود و هنر به عنوان مهم‌ترین ابزار در کنار آن قرار بگیرد.
می‌توان از راهکارهای ذیل جهت اقدامات ابتدایی بهره جست:
۱. جمع‌آوری آیات و احادیثی که به منزلت و شأن عقل و ضرورت استواری اعتقادات تأکید دارد.
۲. گنجاندن درس تبیین جایگاه و ضرورت عقل در کتب درسی بویژه دروس معارف اسلامی
۳. استفاده از داستان‌هایی که اهمیت عقل و منطق در زندگی روزمره را می‌رساند و آن را از همه نعمت‌ها بالاتر می‌داند، بویژه برای نوجوانان و جوانان.
۴. توجیه تمامی تریبون‌های رسمی و غیررسمی دینی جهت آشنایی اقشار مردم با ضرورت عقل و منطق در مبانی اسلام اعم از نماز جمعه‌ها، مساجد، منابر و عظ و...
۵. برنامهریزی پیوسته در رسانه‌های عمومی و گروهی جهت آشناسازی اقشار جامعه با ضرورت بهره‌مندی از عقل و استدلال.

بودیم. لذا امروزه چشم‌ها و قلب‌های بسیاری از شیعیان معطوف صاحب‌نظران، نویسندگان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه است تا ببینند آنان چگونه می‌توانند نظام و مراسم آئینی و تبلیغات دینی را از یک نواختی خارج نمایند تا منجر به ایستایی و عقب‌ماندگی از قافله زمان نگردد. امروزه ادبیات و نوع ارتباط با جهان برای انسان بسیار متفاوت گردیده و نظام رسانه‌ای با سرعت بی‌سابقه‌ای، رونق هر متنوعی را از چشم‌هایمان دور کرده و ادبیاتی می‌تواند موفق به جلب مخاطب بیشتری گردد که بیشترین جاذبه‌ها را در خود داشته باشد و این همان نکته‌ی مهمی است که همه دل‌سوزان را بر آن می‌دارد که از خود بپرسند سهم توسعه فرهنگ دینی از این همه دستاوردهای علمی و فنی و ارتباطی چیست؟

پی‌نوشت

۱. مجموعه آثار، ج ۱۰ ص ۹۷
۲. رعد / آیه ۱۷

پنجمین روز از ماه محرم هر سال در شهر شاهرود روز «یا عباس یا عباس» نامیده شده و مراسم طوق بندگان در این روز بر پامی گردد. طوق یکی از نشانه‌های عزاداری است که آن را در پیشاپیش هیأت حمل می‌کنند. این نشانه از سه قسمت پایه چوبی، بدنه فلزی سینی‌مانند، مشبک به شکل قلب و زبانه‌ی فولادی به عرض تقریبی ده سانتیمتر و طول یک متر تشکیل می‌گردد. در باور اهالی منطقه، این نشانه، نمادی از علم و بیرق علمدار واقع کر بلا حضرت ابوالفضل العباس (ع) می‌باشد.

کار جامه کردن (پوشاندن بدنه طوق با پارچه‌های مشکی، سبز و غیره). در این روز توسط سادات و پیر غلامان اباعبدالله الحسین (ع) در منازل مالکان طوق و دیگر مکان‌های مذهبی شهر انجام می‌شود. برای این منظور تنی چند از خادمین تکیه‌ی بازار

در این محله هر طوق بنا بر سنوآت گذشته در مقابل خانه افرادی که نذر دارند، با حضور مالکین و دیگر عزاداران، با ذکر سلام و صلوات توسط سادات و یا پیر غلامان تکایا و مساجد جامه می‌شود. در این هنگام کار پذیرایی با شربت، شیر، چای و... توسط افرادی که نذری بر گردن دارند، صورت می‌گیرد. پس از جامه شدن همه طوق‌ها، در حدود ساعت چهار بعد از ظهر، عده‌ای از بزرگان تکایا در حالی که اشعار محتشم کاشانی (باز این چه شورش است) را زمزمه می‌کنند در پیشاپیش دیگر عزاداران به حرکت در می‌آیند.

در مقابل ایشان بیرق سفیدی توسط یکی از خادمین تکیه بازار حمل می‌شود. این بیرق به حضرت ابوالفضل (ع) منتسب بوده و رنگ سفید آن از عزیمت آن حضرت برای آوردن آب و نه جنگ طلبی حکایت دارد. با رسیدن دسته

ادامه یافته و آن‌گاه با ذکر صلوات، فضای مجلس تغییر می‌کند. در این هنگام مداحی خوش صدا اقدام به خواندن نوحه در وصف فداکاری و رشادت‌های حضرت ابوالفضل العباس (ع) نموده و حاضرین بر سینه می‌زنند. این عزاداری تا هنگام اذان مغرب به طول انجامیده و پس از آن طوق‌های هر محله به تکایا و مساجد خود انتقال داده می‌شود. در باور اهالی شهر، این تکیه، نظر کرده‌ی حضرت عباس (ع) بوده و در این روز گنجایش حضور تمامی عزاداران را دارد. بنا به گفته مطلعین شهر، آیین طوق بندگان از حدود یکصد سال قبل با حضور مهاجرینی از شهر یزد در شهر شاهرود رواج یافته و از آن هنگام تاکنون همه ساله با شکوه و عظمت برگزار می‌شود.

تکایای بازار (زنجیری) و بیدآباد از جمله بانیاں انجام این مراسم مذهبی به شمار می‌روند.

نویسنده: حمیدرضا حسینی

آئین طوق بندگان در شهر شاهرود

شهر، از صبح این روز به خانه‌های طوق دار در محدوده تکیه رفته و در هر خانه پس از گفتن ذکر یا الله و دعا برای اموات آن خانه، بدنه‌ی منفک طوق و جامه‌های آن را به تکیه انتقال می‌دهند. در این هنگام خادمین تکیه بازار در قالب دسته‌ی عزاداری به خانه مرحوم کر بلائی میرعابدین رفته و طوق متعلق به ایشان، توسط یکی از سادات جامه می‌گردد. این طوق توسط جوانان به صحن تکیه انتقال می‌یابد. هیأت عزاداران تکیه بازار از آن جا رهسپار تکیه بیدآباد می‌شوند.

پس از داخل شدن به صحن تکیه، کار جامه کردن طوق قدیمی تکیه بیدآباد انجام می‌گیرد. سپس دیگر طوق‌های تکیه از جمله بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین طوق شهر که طوق «بابا علی» نام دارد، به تکیه بازار انتقال داده می‌شود. دسته تکیه بازار از آن جا به تکایای شریعت، گلشن و مسجد شیخ علی اکبر که با پرآکندگی اندکی در بافت قدیم شهر شاهرود قرار دارند، رفته و پس از آن به دو گروه مجزا تقسیم می‌شوند.

عده‌ای کار جمع‌آوری طوق تکایای یزدی‌ها و حاج رضاعلی را عهده‌دار بوده و دسته دیگری به تکایای قلعه، منزل مرحوم یاسینی و مسجد حاج رضا علی می‌روند. پس از ساعتی تمامی طوق‌ها برای جامه کردن به محله قلعه ولی‌آباد (حدود مدرسه قلعه) انتقال می‌یابد.

محتشم‌خوان به ابتدای کوچه‌ی مدرسه قلعه، دسته‌ی سینه‌زنی جوانان با ذکر یا عباس، یا عباس در ستون‌های طویل شکل می‌گیرد. سینه‌زنان با یک دست بر سینه زده و با دست دیگر خود کمر فرد کناری را می‌گیرند. بدین ترتیب عزاداران هم‌چون دانه‌های زنجیر به یکدیگر متصل می‌شوند. در پشت دسته یا عباس، یا عباس که سینه‌زنان آنان عمدتاً جوانان پر شور شهر می‌باشند، طوق‌ها به ترتیب قدمت قرار می‌گیرند. در این میان طوق تکیه بازار، تکیه کر بلائی میرعابدین، بابا علی و تکیه بیدآباد غالباً پیشاپیش دیگر طوق‌ها به طور برفراشته حمل می‌گردد. دسته عزاداران اعم از محتشم‌خوان، سینه‌زن و حاملان طوق با پیمودن مسیر خیابان مزار و رسیدن به پارک شهیدان محراب، از گذری کم‌عرض به سمت تکیه بازار رهسپار می‌گردند. به دلیل تنگ بودن این فضا، طوق‌ها به طور خوابیده بر روی دوش عزاداران قرار می‌گیرد. در میان تکیه، زنان و کودکان در شاه‌نشین جای گرفته و به انتظار عزاداران می‌نشینند. در حوالی غروب آفتاب، دسته پیر غلامان و پس از آن سینه‌زنان به صحن تکیه داخل می‌شوند. در این هنگام عزاداری با ذکر یا عباس یا عباس همراه با زدن بر سر و سینه به اوج می‌رسد. این شور و هیجان تا ورود آخرین طوق به صحن تکیه

طبق آئین، طوق تمامی مساجد و محله‌های شهر در این روز به تکیه بازار منتقل می‌گردد. اگر در هنگام حمل طوق به طور ناگهانی تیغه آن بر زمین بیفتد، بلافاصله گوسفندی را در همان محل قربانی می‌کنند. در غیر این صورت معتقدند که پیش‌آمد ناگواری برای شخص حامل طوق اتفاق خواهد افتاد. در این روز تمامی گوسفندانی که به هنگام اجرای مراسم در مقابل طوق‌ها قربانی می‌شود، به تکیه بازار تعلق دارد. این باور، نذورات دیگری هم‌چون کله‌قند و غیره را نیز شامل می‌شود. برای حمل طوق و تحمل وزن سنگین آن، کمر بند چرمی مخصوص آن را به کمر بسته و انتهای پایه چوبی طوق را در میان حلقه فلزی متصل به کمر بند قرار می‌دهند. برخی برای این منظور شالی را به دور کمر خود بسته و پایه چوبی طوق را در میان آن می‌گذرانند. در اعتقادات اهالی شهر، نشانه طوق به دلیل انتساب آن به حضرت ابوالفضل (ع) بسیار مورد توجه و احترام بوده و بسیاری افراد برای برآورده شدن حاجات خود به آن متوسل می‌شوند. نذر تهیه پارچه‌های مورد نیاز در جامه کردن طوق، پخش کردن شربت، شیرینی و غیره و نیز خوردن اندکی از سیب‌های قرار گرفته بر سر زبانه فولادی طوق در پایان مراسم از جمله‌ی این باورها به شمار می‌رود.





اخبار کونا

با دستگیری عوامل بمب‌گذار در حسینیه شهداء شیراز، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای، جزئیات تازه‌ای را درباره کشف و خنثی‌سازی یک شبکه تروریستی وابسته به ایالات متحده آمریکا اعلام کرد. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: به دنبال شکست سیاست‌های دولتمردان آمریکا در سلسله توطئه‌ها و اقدامات خود در منطقه و حوزه پیرامونی کشورمان، سرویس اطلاعاتی این کشور با هدایت و حمایت همه‌جانبه آموزشی، مالی و تسلیحاتی از یک شبکه تروریستی، در پی اقدامات تروریستی بودند. این گروه مستقیماً به داخل خاک ایران هدایت شده و در یکی از سلسله طرح‌های خود، حادثه تروریستی انفجار در حسینیه سیدالشهدای شیراز را انجام دادند که در این جنایت بی‌رحمانه، جمعی از فرزندان بی‌گناه و مظلوم میهن‌مان شهید و مجروح شدند.

به اطلاع هموطنان عزیز می‌رسانیم که فرزندان خدوم و پرتلاش شما در وزارت اطلاعات، با به دست آوردن اولین سرخ‌ها از این گروهک تروریستی و با همکاری نیروی انتظامی با اقدامات پیچیده و گسترده اطلاعاتی به تعقیب اعضای آن پرداختند و در حالی که این گروه قصد داشت در ادامه اقدامات تروریستی خود، طرح‌های برنامه‌ریزی شده در آمریکا نظیر انفجار در نمایشگاه کتاب تهران و برخی مراکز علمی، آموزشی و مذهبی و هم‌چنین هدف قرار دادن مردم و ایجاد ناامنی در مکان‌های پرتردد و پرجمعیت شهرهای مختلف کشور را انجام دهد، سر‌بازان گمنام امام‌زمان (عج) با اجرای عملیات دقیق اطلاعاتی، در تاریخ هجدهم اردیبهشت سال جاری توانستند عناصر این شبکه تروریستی را در استان‌های فارس، خوزستان، گیلان، آذربایجان غربی و تهران شناسایی و دستگیر نمایند. در این عملیات، یکی از اعضای این گروهک به هلاکت رسید. سایر اعضای آن در بازداشت

به سر می‌برند. اطلاعات به دست آمده از اعترافات متهمین حاکی است، مأموران آمریکایی، مأموریت اصلی گروه متلاشی شده را ایجاد رعب و وحشت در میان مردم شهرهای ایران تعیین کرده بودند که اقدامات تروریستی علیه کنسولگری روسیه در گیلان و انفجار در خطوط نفتی جنوب کشور نیز جزو اهداف خرابکارانه این گروه بوده است و به همین دلیل مراکز آمریکایی برای این شبکه، برنامه‌های آموزشی غواصی جهت شناسایی لوله‌های نفتی زیر دریا در خلیج فارس تدارک دیده بودند.

دادستان کل کشور: فرماندهی حادثه دلخراش شیراز و چند حادثه که بعد از آن کشف شد؛ با رژیم اسرائیل بود. قربانعلی دری نجف‌آبادی با بیان این که «در این حادثه لازم نبود ارتباط فیزیکی میان اشخاص برقرار شود»، گفت: جریانی از طریق تلفن همراه مسائل را به عوامل خود در کشور کانادا منتقل می‌کرد و این عوامل، اطلاعات دریافتی را به عوامل اصلی در اسرائیل منتقل می‌کردند.

سخنگوی قوه قضاییه گفت: خانواده‌های شهدای بمب‌گذاری شیراز می‌توانند ادعای خسارت کنند و ما از تمامی ظرفیت‌های قانونی خود برای طرح دعوا علیه کشورهایی که قصد دخالت دارند، در مراجع داخلی و بین‌المللی استفاده خواهیم کرد.

محمدرضا سنگری کتاب «عاشورانگاران» خود را با موضوع مقاتل عاشورایی در بیست و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه کرد. این کتاب برگرفته از ده جلسه مرجع‌شناسی کتب عاشورایی است. گردآوری مطالب این جلسات را مرکز پژوهش و نشر فرهنگ عاشورای دزفول بر عهده دارد.

کتاب معرفی و نقد منابع عاشورا به قلم سید عبدالله حسینی با همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ۳۶۴ صفحه رقعی، در شمارگان ۱۴۰۰ نسخه منتشر شد. این کتاب با معرفی، نقد و بررسی منابع قیام امام حسین (ع) تلاش دارد تا آموزه‌های تشیع را از انگاره‌های واهی بزداید.

کتاب «جز زیبایی ندیدم»، به قلم غلامرضا امامی از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شد. این کتاب در قالب متنی ادبی به بیان زندگی نامه حضرت زینب (ع) و واقعه عاشورا از نگاه ایشان پرداخته است.

فراخوان سومین جشنواره کتاب دین و پژوهش‌های برتر منتشر شد. سومین جشنواره کتاب دین و پژوهش‌های برتر به همت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی برگزار می‌شود.

رئیس اداره تبلیغات اسلامی جنوب غرب تهران در جلسه شورای هیئات مذهبی این منطقه گفت: نوآوری و تبلیغ سبک‌های جدید متناسب با شؤون مراسم سوگواری و ساماندهی هیئات مذهبی از برنامه‌های امسال این اداره است. شورای هیئات مذهبی، کار فراخوان بیش از دو هزار مسئول هیأت مذهبی منطقه جنوب غرب تهران را آغاز نموده است.

نماینده ولی فقیه در استان مرکزی: ارائه هرگونه اطلاعات و مفاهیم نادرست، در راستای اهداف دشمنان است که در فکر از بین بردن فرهنگ اسلام و عاشورا هستند. مداحان و شاعران در جامعه دارای جایگاه مردمی هستند و باید به نحو درست مدافع اسلام و ائمه بوده و مراقب توطئه‌ها باشند.

نشست شورای هیئات مذهبی استان لرستان در شهرستان بروجرд برگزار شد. رئیس اداره تبلیغات شهرستان بروجرд در این نشست گفت: این روزها همه جا سخن از تهاجم فرهنگی است. فرهنگ به معنای وسیع کلمه شامل عقائد، اخلاق، ارزش‌ها، آداب و رسوم، تاریخ و ادبیات، در واقع چهره جامعه محسوب می‌شود. زیبایی‌ها و زشتی‌های جامعه را در آئینه فرهنگ هر قوم و ملتی می‌توان مشاهده کرد. پس منظور از تهاجم فرهنگی، تاخت و تاز دشمنان به ارزش‌های اسلامی و عقاید جوانان و ویران ساختن پایه‌های اخلاقی است.

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان مرکزی گفت: از یکهزار و ۴۰۰ هیأت مذهبی فعال در این استان، افزون بر یکهزار و ۲۰۰ هیأت ساماندهی شده‌اند. این هیأت‌ها تحت نظر شوراهای مذهبی و مشارکت مردم با برگزاری جلسات قرآنی، عزاداری، کمک به جوانان و نیازمندان در شهر و روستا فعالیت می‌کنند.

مدیر گروه هیئات مذهبی اداره کل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی با اشاره به استانی کردن حمایت‌های سازمان از هیأت‌های مذهبی کشور گفت: سال ۸۶ در حوزه هیأت‌های مذهبی، اعتبار قابل توجهی به منظور حمایت از برنامه‌های فرهنگی پنج هزار هیأت مذهبی در سراسر کشور در اختیار ادارات کل استانی قرار گرفت.

نخستین همایش مداحان و شاعران مذهبی استان خوزستان در تالار معلم اهواز برگزار شد. مدیرکل تبلیغات اسلامی خوزستان گفت: وظایف شاعران و مداحان انتقال معارف اهل بیت (ع) به مردم است.

رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان اسلام‌آباد غرب، از فعالیت ۱۲۸ هیأت مذهبی، در این شهرستان خبر داد.

رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان شهریار: در ترویج معارف اسلامی، جایی برای خرافه‌پروری نیست. وظیفه بانوان مداح و مبلغ سالم نگه داشتن مجالس زنانه است.

دومین نشست اعضای شورای هیأت‌های مذهبی شهرستان سیرجان برگزار شد. رئیس اداره تبلیغات اسلامی سیرجان در این نشست با اشاره به نقش مهم هیأت‌های مذهبی در نشر و گسترش فرهنگ فاطمی و عاشورایی در جامعه خاطر نشان کرد: فرهنگ فاطمی و عاشورایی فرهنگی پویا و تاریخ‌ساز است.

رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان بم گفت: نقش هیأت‌های مذهبی در برگزاری مراسم ملی و دینی انکارناپذیر است. حجت‌الاسلام علی‌آبادی هم‌چنین با اشاره به ایام فاطمیه خواستار برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عزاداری این بانوی بزرگوار اسلام شد.

برای نخستین بار در کاشان دوره مقتلشناسی ویژه‌ی مداحان به همت اداره کل تبلیغات اسلامی کاشان برگزار می‌شود. معاونت فرهنگی اداره تبلیغات اسلامی کاشان هدف از برگزاری این دوره‌ها را ایجاد وحدت رویه و مستندسازی در خواندن مقاتل عنوان کرد و افزود: این دوره‌ها توسط حجت‌الاسلام «یوسفی غروی» از محققین حوزه علمیه قم تدریس می‌شود.

مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان خرافه‌زدایی از فعالیت‌های مذهبی را مهم‌ترین وظیفه هیأت‌های مذهبی دانست. «نورالله برشان» گفت: هیأت‌های مذهبی باید بدانند امروز دشمن منتظر اشتباه ماست تا از این اشتباه بتواند حداکثر بهره‌برداری را برای تخریب کردن چهره دین و مذهب داشته باشد.

در همایش بزرگ مداحان و شعرای آیینی زنجان عنوان شد: باید تعقل در مداحی‌ها مورد توجه قرار گیرد. مدیرکل اداره تبلیغات اسلامی استان زنجان با تأکید بر تعقل در مداحی‌ها گفت: برخی از واقعیت‌ها باید با عقل جامعه امروزی تطابق داده شوند.

نخستین گردهمایی مسئولان هیئات مذهبی و انجمن‌های اسلامی شهرستان خاتم به همت اداره تبلیغات اسلامی این شهرستان برگزار شد.

در نشست ستاد ساماندهی شئون فرهنگی هرمزگان عنوان شد: باید با خرافات رایج در عزاداری‌ها به صورت منطقی و عالمانه مبارزه شود. در غیر این صورت اعتقادات مردم آسیب جدی خواهد دید. بعضی از خرافات علی‌رغم این که خرافه و ضد دین و اسلام است، به دلیل سابقه به عنوان یک فرهنگ در آمده و با اعتقاد مردم عجین شده است. رفع این گونه خرافات باید با دقت و روشنگری مردم صورت پذیرد.

اداره تبلیغات اسلامی اعلام کرد: هیأت‌های مذهبی جنوب غرب تهران ساماندهی می‌شوند.

بنا بر اعلام اداره تبلیغات اسلامی جنوب غرب تهران، هیأت‌های مذهبی این منطقه ساماندهی و نسبت به غنابخشی فکری و ترویج فرهنگ اخلاق و معنویت در برنامه‌های این هیئات تلاش می‌شود.

پرچم ابا عبد الله الحسین (ع) در مسیر ارسال به آمریکا در حسینیه بیت‌الزهرای مسکود در جمع عاشقان و علاقه‌مندان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به اهتزاز درآمد.

تولیت آستان مقدس امام حسین (ع) خبر داد: مسابقه شعر جهت کتابت بر روی ضریح امام حسین (ع) برگزار می‌شود. تولیت آستان امام حسین (ع) از تمام شاعران جهت شرکت در این مسابقه دعوت کرد و گفت: بهترین شعر بر روی ضریح جدید مرقد سیدالشهدا (ع) کتابت خواهد شد.

امام جمعه کربلا با بیان این که برخی از عناصر مزدور در عملیات بازسازی حرمین عسکرین کارشکنی می‌کنند، بر حفظ وحدت بین شیعه و سنی در عراق تأکید کرد و افزود: من از همین منبر و صحن شریف امام حسین (ع) از همه برادران اهل تسنن در سامراء و بقیه مردم مناطق شیعه‌نشین عراق دعوت می‌کنم که به کربلا بیایند و ما نیز با رأفت و مهربانی تمام از آن‌ها پذیرایی می‌کنیم تا اتحاد ملی در عراق تقویت گردد.

خطیب جمعه قطفی عربستان: هیأت‌های مذهبی باید پایگاه علم و اخلاق باشند. جوانان با حضور در هیأت‌های عزاداری از انحرافات اخلاقی و فکری به دور می‌مانند و سلامتی جامعه تأمین می‌شود.

مراجع عالیقدر نجف نیز از فعالیت‌های صورت گرفته جهت بازسازی حرم عسکریین (ع) ابراز خرسندی کردند و خواستار تسریع در بازگشایی آن شدند.

زنگ کمک به عتبات عالیات در مدارس جویبار نواخته شد: در مدت دو سال گذشته ۶۰ میلیون ریال کمک نقدی از شهرستان جویبار جمع‌آوری و به ستاد بازسازی عتبات عالیات استان ارسال شد.

بر اساس اعلام ستاد بازسازی عتبات عالیات، ۱۲۰ نفر نیروی ماهر فنی در سال جاری برای انجام اقدامات عمرانی به عتبات عالیات اعزام خواهند شد.

پس از اتمام مراحل گودبرداری و تخریب بناهای قدیمی اطراف حرم حضرت علی (ع)، صحن حضرت فاطمه (س) با هزینه ۸۰۰ میلیارد تومان و به همت معماران ایرانی ساخته می‌شود.

رئیس سازمان هواپیمایی کشوری گفت: در موافقتنامه‌ای که قبل از نوروز با سازمان هواپیمایی عراق منعقد شد، بستر لازم برای انجام پروازهای مستقیم تهران بغداد به صورت سه پرواز هفتگی برای زائران دو کشور فراهم شد.

معاون وزیر کشور: مرز بین‌المللی مهران، امن‌ترین، آسان‌ترین و نزدیک‌ترین راه تردد زائران عتبات عالیات و صدور کالا به عراق است. استقبال روزافزون زائران عتبات عالیات و تجار از مرز مهران، نشان‌دهنده این واقعیت است.

سازمان حج و زیارت اعلام کرد: ثبت نام عتبات عالیات اینترنتی می‌شود. هزینه سفر به عتبات عالیات افزایش و مدت زمان سفر کاهش یافت.

حجت الاسلام سیف‌الله سهرابی رئیس اداره تبلیغات اسلامی نکا در گردهمایی مسئولین هیئات مذهبی نکا گفت: در روز شهادت حضرت زهرا (س) باید همه هیئت‌های مذهبی و مردم به خیابانها بیایند.

این گردهمایی که به مناسبت برگزاری دسته‌روی هیئات مذهبی در روز شهادت صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (س) و نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) برپا شد. رئیس اداره تبلیغات اسلامی با اشاره به زندگانی حضرت زهرا (س) گفت: حضرت فاطمه (س) همه وجودش خدایی بود و از ازل تا ابد عالمه بوده و می‌باشد و علم حضرت زهرا (س) علم الهی است.

وی افزود: تمام مراجع در سالروز شهادت آن بانوی بزرگوار به خیابانها آمده و با پای برهنه عزاداری می‌کنند و وظیفه همه ماست که در این روز عظیم دسته‌جات عزاداری به راه بیندازیم.

حوزه هنری استان قم با انتشار فراخوانی، از گردآوری طرح و فیلمنامه‌های مستند، داستانی، نماهنگ و پویانمایی در جهت ساخت فیلم براساس آنها خبر داد. به گفته وحید فرجی، رییس حوزه هنری استان قم، این مرکز به مناسبت سال نوآوری و شکوفایی، طرح‌ها و فیلمنامه‌هایی را که این موضوع و همچنین موضوعاتی از قبیل قصص قرآنی، عدالت اجتماعی، فرهنگ عاشورا، بانوان (حجاب، خانواده)، انقلاب اسلامی و قم و انقلاب اسلامی را محور کار خود قرار داده باشند، گردآوری و ساماندهی می‌کند. فرجی افزود: آثار جمع‌آوری شده پس از ارزیابی و گزینش، وارد چرخه تولید خواهند شد.

گفتنی است: سال گذشته نیز سه فیلم مستند و داستانی با عناوین «آن سوی زندگی»، «میعاد» و «نور و نگاتیو» براساس فیلمنامه‌هایی که توسط حوزه هنری استان قم گردآوری شده بود، تولید شد.

دومین نشست هماهنگی مراسم فاطمیه رامسر روز یکشنبه ۱۲ خرداد ۸۷ با حضور حجت الاسلام عبدالرحمن باقرزاده امام جمعه، علی باباخانی فرماندار، حجت الاسلام اسماعیل رضوانی رئیس اداره تبلیغات اسلامی رامسر و سایر مسئولین و هیئات امناء مساجد در مسجد جامع این شهر برگزار شد. در این جلسه، رضوانی رئیس اداره تبلیغات اسلامی رامسر با اشاره به هجوم وهابیت در مورد افسانه بودن داستان حضرت زهرا (س) حضور آحاد بیشتری از مردم در عزاداری‌های روز شهادت را طبق نظر مراجع تقلید تکلیف دانست و وظیفه مسئولین این شهرستان را سنگین و مهم برشمرد.

به مناسبت فرارسیدن ایام فاطمیه و سالگرد عروج ملکوتی معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) جلسه برنامه ریزی و هماهنگی کانون مداحان ساری روز یکشنبه ۱۲ خرداد ۸۷ در اداره این شهر برگزار شد. در این جلسه مسئول تشکل‌های دینی اداره تبلیغات اسلامی ساری در طی سخنانی گفت: کانون مداحان باید با ایجاد راه انداختن هیئت مخصوص مداحان در روز شهادت حضرت زهرا (س) حضور چشمگیری داشته باشند. وی افزود: کار ثبت پرونده جدید مداحان را بصورت جدی پیگیری نمایند و در مورد پژوهشگر مداحان اقدام کنند.

رئیس گروه توسعه و تجهیز فرهنگی مساجد و معاونت امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی از تأسیس بانک جامع اطلاعات مساجد کشور شامل کتابخانه تخصصی، نرم‌افزارها، طرح‌ها، پژوهش‌ها، گزارش‌های همایش‌ها و سمینارهای مربوط به حوزه مسجد خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تبلیغات اسلامی، محمدعلی موظف رستمی با اعلام خبر بالا گفت: پژوهشگران و محققان علاقه‌مند به تحقیق در مورد مسجد می‌توانند برای بهره‌مند شدن از این بانک داده‌ها، به نشانی خیابان ولی عصر (عج)، نبش خیابان زرتشت غربی، ساختمان شماره ۲ سازمان تبلیغات اسلامی، طبقه سوم مراجعه نمایند.



■ مسئولین اصلی رسیدگی به امور اداره عتبات عالیات در عراق چه کسانی می باشند؟

■ پیشینه‌ی تاریخی چگونگی اداره عتبات عالیات بر می گردد به زمان دولت های عثمانی و بعد از آن در دیگر دولت های ستمگری که بر سر کار آمدند. در آن دوران آن گونه که در شأن عتبات باشد، نسبت به حفظ و نگه داری از حرم ها اقدامی صورت نگرفت.

بعد از سرنگونی رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ میلادی، برای اولین بار در دولت جدید، نهادی به نام «شورای عالی رسیدگی به امور عتبات عالیات در کربلا» از طرف مراجع تقلید نجف اشرف تشکیل شد.

مرجعیت، شخصیت های عراقی متدین که اشتها به عدالت، جهاد و مبارزه داشتند را به عضویت این شورای عالی برگزید. اعضای این شورا عبارتند از:

- علامه سید محمد طباطبایی

- علامه سید احمد صافی

- علامه شیخ عبدالمهدی کربلایی

این شورا اجازاتی نیز به خط مراجع چهارگانه‌ی نجف اشرف دریافت کرده است. این اجازات از طرف آیات عظام سید علی حسینی سیستانی، سید محمدسعید حکیم، شیخ محمد اسحاق فیاض، شیخ شبیر نجفی صادر شده است. بعد از آن در سال ۲۰۰۶ میلادی قانونی توسط مجلس نمایندگان در راستای بهتر شدن وضعیت عتبات مقدس و زیارتگاه های شیعیان وضع شد که بر اساس این قانون، جناب شیخ عبدالمهدی کربلایی به عنوان تولیت آستان مقدس حسینی (ع) و سید احمد صافی نیز به تولیت آستان مقدس حضرت عباس (ع) انتخاب شدند و همان گونه که قانون مقرر کرده بود، نظر مرجعیت دینی نیز مورد توجه قرار گرفت.

■ با توجه به تنوع وظائف و مسئولیت های خادمان، تقسیم وظایف بین خادمان چگونه صورت می گیرد؟

■ شورای عالی بر اساس مجوز شرعی که دارد، اقدام به برگزاری کلاس های آموزشی و تنظیم مقرراتی در جهت هر چه بهتر ساختن امر خدمات رسانی خادمان عتبات نموده است.

برخی وظایف خادمان و شورای مذکور، انجام تعمیرات، و نیز حفظ و پیگیری، و حمایت از زائران محترم و تمامی اموری که به زائران ارتباط دارد می باشد.

تولیت محترم، در این راستا اقدام به تشکیل دو اداره و مؤسسه‌ی مجزا جهت رسیدگی به امور حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت عباس (ع) نموده است که هر کدام امور مرتبط و مختص همان حرم را بر عهده دارند. اداره سومی نیز تشکیل شده که به طور کلی بر هر دو حرم و اطراف آن ها نظارت و اشراف دارد. این اداره دارای بخش های متعددی است که به امور ذیل می پردازند: - نظافت و نگه داری از خیابان های منتهی به حرمین.

- برقراری امنیت خیابان ها با کمک پلیس عراق. مقررات این اداره در قانون جدید، متناسب با شأن عتبات بوده و ضوابط و الزامات قانونی نیز

ممانعتی صورت نمی گیرد.

■ اموال و نذورات نقدی و غیر نقدی که در اختیار حرم های امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) قرار می گیرد، صرف چه اموری می گردد؟

■ امانت داری یا هزینه کردن اموال بر اساس یک نظارت دقیق دینی و قانونی بسیار شدید و بر پایه‌ی یک نظام حسابداری مشخص می باشد. این اموال و نذورات در موارد ذیل به مصرف می رسند:

- حقوق ماهانه خادمان

- خرید وسائل و لوازم و تجهیزات مورد نیاز حرم ها

- طرح ها و پروژه هایی که واحد امور مهندسی، ساختمانی و فنی اداره حرم عهده دار آن ها است.

شورای عالی رسیدگی به امور عتبات عالیات در کربلا

گزارشی از عملکرد مدیریت حرم امام حسین (ع)

مسئولین اداره عتبات عالیات در کشور عراق به سئوالات و شبهات مطرح شده درباره چگونگی اداره عتبات عالیات و هزینه های جاری حرمین امام حسین و حضرت عباس علیهما السلام پاسخ هایی داده اند که در ادامه می آید.

برای آن در نظر گرفته شده است.

■ زائران گاهی اوقات، کارکنان و اشخاصی غیر عراقی از کشورهای هند و ایران را می بینند که در عتبات مقدسه مشغول فعالیت هستند. آیا این افراد بر اساس دستور یا نظارت اداره مربوطه یا هماهنگی با آن نهاد، به انجام چنین اموری می پردازند؟

■ هیچ خادم یا کارمند غیر عراقی در عتبات وجود ندارد. فعالیت این افراد غیر عراقی، داوطلبانه بوده که البته در برخی زمان های محدود و خاص انجام می گیرد. جهت حفظ حرمت و قداست حرم، بر اساس ضوابط و مقررات اداره‌ی حرم، نسبت به فعالیت آن ها

■ برخی افراد می گویند که بیشتر این منابع مالی به صورت اهدایی و داوطلبانه می باشد و طرح ها و پروژه ها نیز از آن طریق تأمین می گردند. این سخن تا چه میزان صحت دارد؟

■ بیشتر مردم در مورد منبع اصلی اموالی که به حرم ها می رسد، دچار اشتباه هستند، چرا که این اموال یا به صورت شخصی و مستقیم به بخش هدایا و نذورات و موقوفات اهدا می شوند، که در برابر آن رسید رسمی نیز تقدیم می گردد، و به صورت رسمی در حساب بانکی حرم به امانت می ماند؛ و یا این که اموال به صورت غیر نقدی و جنسی اهدا می شوند، مثل برخی لوازم و تجهیزات که آن ها نیز به همان بخش مورد نظر تحویل می شود تا در قسمت های مختلف مثل خدمات یا پروژه ها مورد استفاده قرار گیرند.

و یا این که خود اهدا کنندگان و واقفین، بعد از هماهنگی با اداره رسیدگی به امور عتبات کربلا اقدام به اجرای پروژه یا طرح ها می نمایند. در کل تمام اموالی که نقد یا غیر نقد؛ مستقیم یا غیر مستقیم به حرم ها اهدا می شود، صرف خود حرم می گردد.



بازسازی حرمین عسکریه پین ونصب ضریح موقت



پس از عملیات بازسازی و پایان آواربرداری، مراحل نصب ضریح موقت مرکب از داربست‌های آهنی و دیوارهای آن به پایان رسید. همچنین بنا به گفته مسئولان بازسازی، مرحله آواربرداری و خاک‌برداری از این حرم شریف و هم‌چنین قبر حضرت نرجس (س) مادر گرامی امام مهدی (عج) و حضرت حکیمه خاتون (س) خواهر گران‌قدر امام هادی (ع) آغاز شده است. بر اساس این گزارش تا به حال مراحل بازسازی و خاک‌برداری از پنج ورودی از ورودی‌های اصلی حرم و بازسازی پنجره‌ها به پایان رسیده است و دو ورودی باقی‌مانده نیز در روزهای آینده آواربرداری خواهد شد. در اسفند ۸۴ ترور یست‌ها و جنایتکاران با هدف فتنه‌انگیزی بین مردم عراق، حرمین امام هادی و امام حسن عسکری (ع) را در سامراء هدف اقدام وقیحانه خود قرار دادند و این مکان مقدس را به تلی از خاک تبدیل نمودند.



اربعین

ویژہ نامہ چھ ماہین شمارہ جمدہ

اگر چه قصد ندارم نام خود را در صدر و ذیل این یادداشت بنویسم، اما بد نیست که کمی از او بدانید. ربع قرن پیش در یک خانواده با دو عقبه متفاوت به دنیا آمدم. از سمت پدر به خانواده ای خان زاده نسب می برم که در عین حال به تقوا شهره بوده اند. در میان آن ها پدرم رو به حوزه علمیه گذاشت و طلبه شد و امروز که یک دهه از فقدان او می گذرد، هنوز گاهی اوقات آواز هی نظم و درس و جهدش در فقه و کلام و فلسفه از گوشه و کنار به گوش می رسد. از طرف دیگر به خانواده ای بازاری و معروف به هیأت داری و مجلس نشینی اهل بیت (ع) نسب دارم که ظرف سه چهار دهه ای گذشته به همین عنوان یعنی محبت اهل بیت (ع) شهره بوده اند، اما هیچ گاه به سمت علم حتی علوم جدید میل و رغبت خاصی نشان ندادند. این اختلاف به ظاهر ساده برای کسانی که به هر دو گروه تعلق دارند، یادآور یک درگیری سخت است. درگیری که در نسل بعد ضرورت یک انتخاب از میان این دو رفتار را به همراه می آورد. از حدود ۸۷ سالگی متوجه این اختلاف شدم و با این سؤال همراه بودم که بالاخره کار کدام یک صحیح تر است. گوشه ای ایستادن و آرام آرام گریه کردن و یا در میانه ای جمع بر سر و روزدن و های های گریه کردن.

این ها را گفتم که بدانید هیأت ندیده نیستم و اگر قرار باشد خیمه فقط یک دسته مخاطب داشته باشد، من نیز می توانم در این دسته باشم و از طرف دیگر اگر سئوالی مطرح می کنم، از آن روست که «سؤال زده» هستم و ده پانزده سال زندگی در ابهام های مختلف حداقل این قدرت را به من ارزانی داشته که از سر شکم پری سؤال نکنم و تا به جان نرسیده ام، سئوالی را به پرسش های مبهم قلبی نیفزایم.

□□□

«خیمه» را خیلی زود شناختم. زمانی که هنوز نام خیمه را بر روی خود نگذاشته بودم و با نام «زمزم» متولد شد، اما خیلی زود با عنوان خیمه عنوانی بسیار مناسب پا به هیئات حسینی گذاشت و به قول خودش به عنوان «هیأت مکتوب حسینی» و یا «نشریه هیأت ها و مجالس حسینی» خواسته یا ناخواسته ما را وادار کرد تا از آن حمایت قلبی کنیم و هر چقدر که خوش مان بیاید و یا بدمان بیاید خیمه را از خودمان بدانیم.

تا این که شماره ۳۷ خیمه به دستم رسید البته یادآور شوم که از شماره ۳۱ به بعد راننده بودم با چیزی مواجه شدم که اگر چه توقعش را داشتم، اما مصداق آن مصرع بود که «آمد



حلحله

به مناسبت چهلمین شماره ی خیمه

به سرم از آن چه می ترسیم. خیمه ۳۷ دیگر خیمه نبود، یعنی سروش نوجوان بود و یا شاید هم همشهری جوان بود که کمی خیمه مالی شده بود. وقتی کمی مکث کردم، دیدم که فقط من نیستم که متوجه این مطلب شده ام. گردانندگان خیمه نیز آن را فهمیده و لذا به جای هیأت مکتوب حسینی، نوشته بودند «ماهانامه فرهنگی اجتماعی خیمه». داد سخن به این نیست که آی! به ترکستان رفتید، نه! حساب، حساب دقیق تری است که شاید ظرف این مدت، همیشه خیمه ای ما مثل اکثر خیمه ها دچار آن بود. خیمه دچار سرگشتگی است. خیمه های ابا عبدالله (ع) دچار سرگشتگی شده اند که خیمه ما نیز حیران شده است و کارش به آن جا کشیده که شده نشریه اطلاعات عمومی مذهبی. جالب است که حتی ساختار گرافیکی مذهبی که در دوران بی هویتی هنری مذهبی ها در خیمه ما گه گذاری کورسویی می زد، در این شماره کاملاً از میان رفته است و جایش را به همان گرافیک مجلات اطلاعات عمومی مثل همان هایی که یک بار نام بردم داده است. حرف یک چیز است: سرگشتگی.

و من هیچ هنری نداشته باشم، حیرت زدگی و سرگشتگی را از چند فرسخی می شناسم و سریع شستم خبردار می شود که این بابا نیز از خودمان است! عمری است عوض زندگی کردن، ادای فرهیخته ها و روشنفکران را در می آوریم و عوض نان و آب، ابهام روزی می کنیم! بالاخره به ما حق بدهید که راجع به این یکی هر چه گفتیم جزء تخصص ما محسوب شود و نگویید غیر متخصصانه سخن گفته است. تخصص ما ابهام شناسی است، هر جا سخن از سؤال بی پاسخ است، همان جا می توانید با کمی چشم چرخاندن، در یک گوشه ای و مثل نشسته ها ما را پیدا کنید.

■ اندر باب توصیف سرگشتگی

می گویم توصیف، چون ملموس تر از تعریف است. آن وقتی که درون یک سؤال مثل معتادها آویزان می شویم، و یا مثل مرغ بسمل پرپر می زنییم و یا خیره می شویم به یک نقطه ای و زانوبه بغل می گیریم، همه ای این ها سرگشتگی است. معتاد یک سرگشته ای معروف است و روشنفکران سرگشتگان غیر معروف.

ما هیأتی ها هم که حساب مان پاک است، از همان اول با عبارت «دیوانه، حیران، واله و شیدا...» اعلام هویت کرده ایم. البته حیران و واله بودن در اوج شناخت و محبت سیدالشهدا (ع) یک چیز است و سیگار و قلیان کشیدن در محبت اهل بیت (ع) چیزی دیگری است که همه ای ما به فراخور حال مان به آن دچاریم. و سرگشتگی دوم، بدبختی ماست نه اولی! اسم این سرگشتگی دوم را هم بگذارید «بحران هویت». البته کلمه ای ناقصی است و تمام آن چه که منظور نظر است را نمی رساند، اما برای فهمیدن مطلب از حیرت زدگی و سرگشتگی قابل استفاده تر است.

خیمه هنوز بی هویت است. فیلم های سینمایی و سی دقیقه ای مناسبتی صداوسیما بدون این که نسبت خود را با خیمه تعریف کرده باشند، یک دفعه سر و کله شان در خیمه پیدا می شود. بعد هم یک دفعه می روند که رفته باشند. کریستین امان پور و زیارت ناحیه هم گاهی در یک شماره همسایه می شوند. البته بد نیست ولی آدم بی هویت کارهای خوبش هم بی نظم است؛ در بی نظمی هم اگر فایده ای بود ما باید مفیدترین آدم های روزگار می شدیم.

یک وقتی بود که ظاهر خیمه از هیأت ها نشأت می گرفت؛ «آبدارخانه»، «روضه»، «میاندار»، «زمینه»، «شور»، «دعا»، «منبر»، و... امروز سخن از «اندیشه» و «رویداد»، «هنر»، «موسیقی» و... است و احتمالاً فردا هم صفحه حوادث و آشپزی و...! بالاخره مجالس اهل بیت (ع) نیز به غذا و این چیزها نیاز دارد؛ از حوادث هم که تهی نیست!

□□□

این قصه سر دراز دارد که یک شاهد و دو شاهد ندارد. البته باز هم تکرار می کنم؛ عصر ما، عصر بی هویتی است، اما هویت کسانی که خیره بر عاشورا هستند و ریشه در کوچه های بنی هاشم دارند. چیزی گم کردنی نیست؛ هر چیزی قرار است به نسبت ارتباطش با امام حسین (ع) ارج و قرب پیدا کند و این مطلب امر مبهم و گم شدنی ای نیست. اما واقعاً این اتفاق نیفتاده است؟



خاص برای خاص

نویسنده: سید مهدی حسینی

می‌شود که هر ماه، ده‌ها مجله در نوبت خواندن دارند، هم‌چنین با چندین وعده نوشتن مقاله یا ستون‌های کوتاه برای خیمه و دیگر مجلات، ذهن‌شان مشغول است! آری با دریغ باید گفت دیگر آن مخاطب قدیم از «خیمه» سراغ نمی‌گیرد، هر چند این شیوه «خیمه» را نمی‌پسندم و از قهر مخاطبان پیشین آن سخت دل‌نگرانم، اما خوشحالم به هر تقدیر و تدبیر، چهلمین شماره «خیمه» نیز به چاپ رسیده است و خیمه هنوز دارد نفس می‌کشد و از زندگی حرف می‌زند، از دوست، از حکمت و آئین زیستن.

آرزویم این است که «خیمه» به سمت و سویی پیش رود و به راه خود ادامه دهد که دل آن مخاطبان پیشین را نیز به دست آورد و همان راه را ادامه دهد که شاید آغازگر آن بود و الحمدالله اکنون بسیاری از نشریات به این راه روی آورده‌اند. امیدوارم «خیمه» مثل آن روزها که در میان سراب‌ها از چشمه‌ها سخن می‌گفت و سببانی بود برای درماندگان کویر و عطش، دوباره اصل خویش را باز جوید و دوباره از ایمان به همان زبانی سخن گوید که می‌گفت و به همانانی که عطش خویش را به خنکای این چشمه فرو می‌نشانند.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

با اهالی هیئات مکتوب همراه و همدل باشد، از ذره ذره مجاهدت و تلاش آنان، نور و روشنی بگیرد و از تابش خورشید مهربانی و ایمان‌شان، حقیقت عشق را در یابد. آنان که با مرارت‌ها و سختی‌های راه، ساخته، رنج آماده‌سازی این مجموعه را برای پی‌افکندن کاخی عظیم بر خود هموار می‌کردند، آن هم با کم‌ترین توقع و انتظارات دنیایی برای یافتن سر این حکمت:

آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست

امروز پس از چهلمین شماره‌ی «خیمه»، می‌بینیم آن نهال نوپا در ختی عظیم، سترگ و پرشاخ و برگ شده و هر روز ساقه‌ای از آن به سمت آسمان حقیقت سر بر می‌کند.

چاپ چهلمین شماره خیمه را به فال نیک می‌گیریم، هر چند خطا و کژراهگی در آن یافته‌ایم. امیدوارم خطاها به پایه و اساس آن آسبایی نرسانده باشد... روزگاری خیمه، مخاطبانی داشت «خاص»، کسانی که خیمه تنها نشریه مورد علاقه‌شان بود و مطالعه خیمه شاید اولین تجربه مطالعاتی‌شان! به عبارت دیگر، مطالعه آگاهانه حرفه‌ای یک مجله را با «خیمه» آغاز، تمرین و تجربه کرده بودند، امروز نیز «خیمه» مخاطبانی «خاص» دارد، اما تنها توسط کسانی نوشته و مطالعه

در وانفسای «خودگرایی» بشر به جای «خداگرایی» و غوغای اومانیسیم و فیمینیسیم و ده‌ها «ایسم» دیگر از آئین و حکمت زیستن، زیستن و از دوست گفتن، خود، مجاهدتی است و کاری بزرگ.

اینک بشر در رقابتی عظیم است با خود، و در عطش تقسیم فراوانی بیشتر و سهم‌خواهی وافر تر و فراوان تر، روز به روز برای نیل به وصال این سراب آب‌گون، دیگری را پس می‌زند... در این کویر بی‌حال و هوای بی‌طراوت، سخن گفتن از چشمه‌ی عظیم و جوشانی که به چشم ظاهر بینان نمی‌آید، ایمانی می‌طلبد به طراوت و جوشانی همان چشمه‌ی عظیم.

در روزگار قحطی و عطش دانستن، عصری که رنگین‌نامه‌ها، رنگین‌کمانی از آرزوهای کاذب انسان بی‌خبر از خویش را به تصویر می‌کشیدند و او را در حسرت طراوت و باران می‌گذاشتند، «خیمه» سببانی شد برای انسان‌های سرگشته‌ی کویر. عطش دست آنان را گرفت و آنان را به گوارایی خنکای چشمه عشق فراخواند و از آئین و حکمت زیستن گفت. و این مجاهدتی بود سترگ و کاری بزرگ.

□□□

صاحب این قلم این افتخار را داشت که از روزهای آغازین انتشار خیمه ده شماره سال اول و نیز برخی شماره‌های بعد از آن از نزدیک



نویسنده: سید حسین ذاکر زاده

به امید چهار صد مین شماره

جمع خوبی بود. بچه‌ها، باصفا و هیأتی و سخت بی‌نام و نشان و ادعا. حرف‌هایی داشتن توی دل شون که جایی برای گفتن نبود تا اون روز. اما حالا یه جایی پیدا شده بود که می‌تونستن حرف‌هاشور و به گوش دیگرگون برسونن. اونم طوری که خیلی‌ها حرف‌شون رو بشنون، توی یه مجله‌ی واقعی، با همه دفتر و دستکش. آخه قبل از اون هم یه نشریه غیر حرفه‌ای دست و پا کرده بودیم تا حرفمون رو بزنینم، اونم فقط تو هیأت‌ها، اسمش رو هم گذاشته بودیم «آیین انس». دو سه شماره هم چاپ کردیم، اما نتونستیم خیلی دووم بیاریم. با خودمون گفتیم: نکنه اینم مثل اون نتونه دووم بیاره؟! ... اما حالا داره چهلمین شماره این نشریه منتشر می‌شه. درسته که با اون روزا خیلی فرق کرده، درسته که خیلی‌ها اومدن و رفتن. حتی خود منی که به مناسبت چهلمین شماره از نشریه دارم قلم می‌زنم، دو سه سالی می‌شه که دیگه زیر این خیمه نیستم، اما به هر حال خیمه جایی بود که برای اولین بار تونست رابط مکتوب بین هیأت‌های حسینی باشه. جایی بود که من رو با همه تازه‌کاری‌هام، من رو به عنوان یه نویسنده متعهد هیأتی قبول کرد و به من امکان رشد داد. به هر حال از این که چهلمین شاخه این درخت هم داره به گل می‌شینه، خوشحالم و برای همه بچه‌های زحمت‌کش و هیأتی اون آرزوی موفقیت می‌کنم. به امید این که برای چهار صد مین شماره این نشریه مطلب بنویسم.

به هر حال هر صنفی خصوصاً اگر ابعاد دینی و فرهنگی قوی باشد، نیاز دارد که بتواند با مخاطبان آن نهاد و آن سازمان ارتباط دائم برقرار کند، حال با انتشار گاهنامه و فصلنامه، مجله روزنامه و هفتهنامه. اینها به عنوان یک رسانه‌ی فراگیر تأثیر بسزای دارند در ایجاد رابطه‌ی تنگاتنگ بین مخاطبان و مسئولان هر نهاد. خیمه از آن مجلاتی است که چون جنبه‌ی تخصصی دارد، مسائل مربوط به شاعران آئینی و ستایشگران آل الله را به چالش می‌کشد و نقادی می‌کند و سعی می‌کند بهترین آثار را و شعرای موفق جوان را معرفی کند به جامعه دینی و هیئات مذهبی. در این مسیر خیلی خوب عمل کرده است. در این مدت که تعطیل بود، یک فترت نه چندان مطلوبی حاکم بود بر هیأت‌های مذهبی. با انتشار خیمه به هر حال می‌شود خیلی از ناگفته‌ها را در میان گذاشت و در تصحیح مسیر شعرای آئینی و مداحان و پرهیز از آسیب‌هایی که کبان شعر و ادب شیعه را تهدید می‌کند اقدام کرد. به هر حال آن نیاز مبرم جامعه مداحان که در وهله‌ی اول مطالب مستند مربوط به مقاتل است، را باید تهیه کرد و بعد به لحاظ شعری، شعرهایی که پیام‌دار باشد و ابعاد حماسی و ارزشی فرهنگ عاشورا را تبیین می‌کند و به تصویر می‌کشد معرفی کرد. این آثار می‌تواند در غنای محتوای مجالس عزاداری و به طور کلی مجالس مذهبی مؤثر باشد.

الآن در تمامی استان‌ها کانون مداحان و شاعران استان تشکیل شده است. خیمه می‌تواند با ارتباط مداوم با این کانون‌ها، مسائل مهمی که در کانون هست و اقداماتی که می‌شود، منعکس کند و هم‌فکری نماید. شاید ۱۰ الی ۱۵ شماره بیشتر از خیمه را ندیده‌ام و معتقد هستم که به لحاظ مطلب خیلی قوی‌تر از این‌ها می‌تواند باشد.



از پنجره نگاه شما

مداح

ابراهیم قانع

اصلاً نشریه چراغ هدایت است، اگر یک نفر هم یک چیزی از آن یاد بگیرد، و هدایت شود برای تمام عمرتان بس است. اصلاً قرآن یک نشریه الهی است. من تا به حال خیمه را دو بار مطالعه کرده‌ام. خوب و عالی است. الان دغدغه هیأت‌ها تحریفات است. باید به تحریفات بیشتر بپردازند. اگر تریبون دارها و نشریات ما رضای خلق را مد نظر دارند، این ضرر به می‌زند و الا اگر رضای خدا مد نظر باشد، یقیناً موفق‌تر خواهید بود.

مداح

رضا عاصی

خیمه نشریه خوبی است برای اطلاع‌رسانی و آگاهی دوستان، این که چه می‌گذرد در سطح کشور و شهر و مراسم مذهبی. خوب است، از گذشته‌ها و حال آگاه می‌شویم. به شرطی که همه دسترس‌ی داشته باشند. مثل هیأت امنای مساجد و امثال آن.

باید ارتباط بیشتری از نزدیک با دست‌اندرکاران این برنامه‌ها داشته باشید و ببینید نظرات آن‌ها چیست، اگر می‌خواهد به عنوان تریبون باشد، چون کثرت هم در این میان زیاد است، نظرات باید جذب شود تا به عنوان تریبون کار کرد.

شاعر و مداح

غلامرضا سازگار

خیمه الحمدلله طوری است که به درد همه افرادی که در دستگاه امام حسین (ع) هستند، می‌خورد. مطالب مختلفی دارد. باید اول استحسانات و دردهای جلسات را بتوانند تشخیص دهند که حسن‌ها و عیوب چیست. اگر این کار را بکنند می‌توانند طوری باشند که به درد بخورد.

من خیمه را همیشه می‌خوانم، چند وقتی است نمی‌آید. یک قسمتی را باید بگذارد تا در مورد این حملاتی که گاهی به اسلام و امام حسین (ع) می‌شود، اشخاص متخصصی باشند مؤدبانه به این شبهات جواب دهند.

مداح

رضا انصاریان

مردم حالا بیشتر از ده سال قبل تشنه این‌گونه مجله‌ها هستند. مجله‌هایی که مال هیأت‌های مذهبی هستند. از پنج الی ده سال قبل وضعیت مردم صد در صد رشد پیدا کرده است. این مجله‌ها باعث بالارفتن فرهنگ مردم در رابطه با شناخت معصومین (ع) بوده‌اند. هر چه بیشتر باشد این نشریات، بهتر است. من در بجنورد می‌خواندم نشریه را. بچه‌های دانشجو می‌گفتند ما منتظریم که مجله خیمه بیاید. قطعه به قطعه روی این نشریه بحث می‌کنیم. اثر این خیلی بالاست. ممکن است مادر دریا باشیم و ندانیم. خداوند توفیق دهد.

با کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند، خیلی مشورت کنید و نیز با علما مشورت کنید. من همه شماره‌های خیمه را خوانده‌ام.

خیلی خوب است این کار، ولی هیأت‌های ویژه معرفی شوند، هیأت‌هایی که مثمر ثمر بوده‌اند تا آن‌ها تشویق شوند.

نشریه خیمه یک مقدار صفحاتش تاریک و تیره است، ریز و مطلب زیاد است. این‌ها را می‌شود در دو نشریه منتشر کرد.

ارتباط نشریه با هیأت‌ها تنگ‌تنگ شود. اکثر هیأت‌ها خیمه را نمی‌شناسند.

من خودم دنبال مطلب می‌گردم. مطالب خوبی در خیمه هست. با هیأت‌های دیگر آشنا می‌شویم.

انتشار این گونه نشریات خیلی مثبت است. چون نشریه‌های اجتماعی و ورزشی و اداری دارند فوق‌العاده کار می‌کنند و مردم استقبال می‌کنند ولی نشریه هیأتی خیلی کم داریم. من هم نشریه‌ای که خودم پیگیری می‌کنم خیمه است و اطلاعات مختلف را از آن کسب می‌کنم. خیمه اگر کمی نرم‌تر بر خورد کند بهتر است و بعضی جاها خیلی خیلی لازم است.

من در مورد خواننده‌ها اگر بخواهم بگویم، باید اعتماد این‌ها را بیشتر جلب کنید. هیأتی‌ها هم همین‌طور. مجله خیمه را زیاد در دست بچه‌ها نمی‌بینم. نه این که اطلاع نداشته باشند، گیرشان نیامده است. بهتر است به دست بچه‌های هیأت برسد علی‌الخصوص در مناسبت‌ها و در هیأت‌هایی که مرجعیتی دارند.

من چند شماره از خیمه را مطالعه کرده‌ام.

بستگی دارد که چه چیزهایی بنویسند. من نظر خود را باید بیایم آن‌جا بگویم. چند تا کارشناس بیاید که با مداح‌ها ارتباط داشته باشد. طوری نباشد که عده خاصی سلیقه‌های خود را اعمال کنند. باید جلسه‌ای باشد و مداحان را دعوت کنید. من دو سه شماره خیمه خوانده‌ام.

من عاشق مجله‌ی خیمه هستم اما در دهه‌ها نمی‌بینم. من موافق نشریات هیأتی هستم و خیلی هم مشتاقم که با خصوصیات هیأت‌ها

و پیش‌کسوت‌ها و نحوه‌ی عزاداری و آداب و رسوم مختلف آشنا بشوم. بارها شده بنده چندین دکه رفته‌ام و سراغ خیمه را می‌گیرم. می‌گویم خیمه، می‌گویند نیست. کاری کنید که علاوه بر مذهبی‌ها غیر مذهبی‌ها هم جذب شوند. من خودم خیلی مشتاقم به این مجله، مخصوصاً اشعار آن. انتظار دارم این مجله، مجله‌ی معرفی مداحان شود. خصوصیات مداحان و کی شروع کرده‌اند و روش‌شان چگونه است. مردم مداح‌ها را بشناسند.

از مداح‌های پیش‌کسوت شروع کنید به ما مداح‌ها بگویید که باید چگونه باشیم، نحوه بر خورد، لباس پوشیدن...

خیمه که عالی است، خیلی بهتر شده. شماره‌ی اخیر را دیدم، بسیار هم خوب شده، دست‌تان درد نکند.

کار توزیع‌تان را جدی‌تر و علمی‌تر بکنید. این قطعاً می‌تواند مؤثر باشد. یک مقدار هم اطلاع‌رسانی را باید وسیع‌تر کنید. به نظر من اگر بتوانید یک مقدار شناسایی کنید مجموعه برنامه‌ها و هیئات کشور را یک هماهنگی هم می‌شود با هیأت‌رزمندگان باشد که آن‌ها هم بالاخره مسائل مجالس خودشان را در طول ماه بعد می‌توانند به اطلاع شما برسانند. موقعیت‌های جمعی را فراموش نکنید. ممکن است یک مقدار هزینه‌هایی داشته باشد. می‌تواند در درازمدت انجام شود. قطعاً مؤثر است. بسیاری هنوز نمی‌شناسند خیمه را. با آن‌ها آشنا نیستند. اطلاع‌رسانی، تبلیغات، توزیع. بالاخره دهه‌ای اگر مثلاً به این‌جا هم راه یافت، این‌ها کمک می‌کند که خیمه را بشناسند.

با این همه مجله‌های عمومی و اختصاصی که منتشر می‌شود، لازم است هیأت‌های مذهبی هم نشریه ویژه‌ی امام حسین (ع) و عزاداری داشته باشند. ظرفیت این هیأت‌ها را نباید نادیده گرفت. از درون همین هیأت‌ها بود که حزب مؤتلفه اسلامی بیرون آمد و در زمان شاه فریاد اعتراض علیه پیدادگری سر داد. اما مجله‌ای که این هیأت‌ها منتشر می‌کنند، باید کاملاً علمی، آموزنده و ارزنده باشد و در شأن امام حسین (ع). اگر قرار باشد مجله چاپ

شود، و گران‌سنگ نباشد، همان بهتر که منتشر نشود. اهداف و آرمان‌های حضرت سیدالشهدا (ع) و بسیاری از مسائل احکام عزاداری و باید‌ها و نبایدها را می‌توان از طریق همین مجله به استحضار عزاداران و عاشقان امام حسین (ع) رسانید. البته این نشریه باید فراوانی باشد و متعلق به همه‌ی عاشقان امام حسین (ع). در واقع این مجله هم باید همه‌ی احزاب را در زیر خیمه‌ی امام حسین (ع) گرد هم آورد.

من متأسفانه جز یک دو شماره از نشریه‌ی خیمه را ندیده‌ام و نمی‌توانم درباره‌ی آن داوری کنم اما این مطلب را باید بگویم که مرکز مطالعات راهبردی خیمه در شهر قم سلسله‌ی نشست‌هایی را برگزار کرد تحت عنوان چهل منزل تاربعین. این نشست‌ها بسیار مفید و آگاهی‌بخش و تنوع‌آفرین بود. بی‌صبرانه مشتاق آن هستم که مانند این جلسات باز هم برگزار شود. به مرکز مطالعات خیمه و همه‌ی برگزارکنندگان آن دست مریزاد می‌گویم و مشتاقانه از آن‌ها می‌خواهم یک یا حسین دیگر بگویند.

تا آن‌جا که من با خیمه همکاری داشتیم و از نزدیک شاهد بودم و دوستان را دیدم و مطالعه کردم، کار خیمه را یک کار خوب و ارزش‌مندی دیدم. منتها جای شهرستان‌ها خالی است در نشریه خیمه. چون به هر حال هیأت‌های مهم شهرستان‌ها جای ویژه‌ای دارند. هم صاحبان آن هیأت‌ها و هم کلاً مراسم عزاداری‌ها، مثل کاشان. از نظر این که کاشان پیشینه‌ی مذهبی قدیمی دارد، هیأت‌های قوی هم در آن کار می‌کنند. اگر گوشه‌چشمی هم مجله‌ی خیمه به انعکاس برنامه‌های شهرستان‌ها داشته باشد، هیچ جای خالی نمی‌ماند. از هر نظر شایسته و بایسته است.

راهکاری که من پیشنهاد می‌دهم، این است که یک تعداد از دوستان خبرنگار عکاس به هر حال هر کسی قدم رنجه کند، ما بفروسیم سراغ هیأت‌ها. با مسئولین هیأت‌ها صحبت کنند و نقطه‌نظر آن‌ها را جویا شوند و اصلاً مبحث هیأت‌گرایی را بررسی کنند برای نسل جوان. مبحث هیأت‌گرایی هنوز گنگ و نامفهوم است. یک مقدار به این مسئله پردازند. اما اگر توجیه و تبیین بشود، خیلی کار شایسته‌ای است.

من کلاً طرفدار نشریه‌هایی هستم که واقع بین هستند، مانند خیمه که متصدی برگزار می‌کند، چهار منزل تا اربعین بود. برنامه‌های آن جا، جامع‌نگری آن‌ها که خیلی منظم بودند.

خیمه باید تریبون مجالس مذهبی باشد. یک تبادل فکری داشته باشند، تبادل اطلاعات داشته باشند، و هم منعکس کننده دیدگاه‌ها و خواسته‌های مخاطبین‌شان باشند. ما اگر تبلیغات تشریفاتی بخواهیم بکنیم، مثل بعضی از کارها، مثل خبرسازی‌ها، این جامعه کشتش ندارد، در درازمدت این‌ها نتیجه عکس می‌دهد.

اگر هر نشریه در هر زمینه‌ای حال از هیأت‌های مذهبی گرفته تا امور مساجد، اگر نشریه علمی باشد که تریبونی باشد برای آن‌ها، خوب است. منتها این لوازمی دارد. اگر شما واقعاً زبان هیأت‌های مذهبی باشید، هم گوشی باشید که درست بشنویید و زبان گویایی داشته باشید که منعکس کنید، عالی است.

البته نشریه باید بتواند جهت‌دهی بکند، هدایت بکند، بدون این که بخواهد تحمیل کند، بدون این که بخواهد سلیقه‌ی خودش را، فکر خودش را، این موفق خواهد بود. این روالی که شما در چهار منزل داشتید، اگر همین هم به شکل عمومی بتوانید انجام دهید، موفق خواهید بود. این کار نیاز به جلسات کارشناسی دارد که شما خودتان بر خوردار هستید.

محمد جواد صاحبی

دبیر شورای برنامه‌ریزی دین پژوهان کشور

اصل کار خوب است، اما در رویکرد آن و محتوای آن باید فکر شود. نشریه‌ی خیمه آن شماره‌هایی را که من دیدم، نشریه‌ی خوب و مفیدی است، اما برای همه‌ی شماره‌ها قضاوت نمی‌شود کرد. با یک تغییر و تحول و متناسب با نیازهای فعلی بهتر از این هم می‌تواند باشد.

به هر حال هیأت‌های مذهبی یک طیف نیستند، دارای تفکرات متنوع هستند، در یک سطح نیستند، و با این تنوع و تعددی که وجود دارد، اگر نشریه بخواهد جاذبه‌ی بیشتری داشته باشد، باید به تعداد همه‌ی سلاقی عرضه شود. تیپ‌های اجتماعی که در هیأت‌های مذهبی حاکم هستند، بالاخره بتواند جاذبه داشته باشد.

الان با این رقابت شدیدی که بین نشریات است، اگر یک نشریه بتواند هم از نظر محتوا و هم از نظر شکلی به صورت مطلوبی ظاهر شود، مخاطبین خود را می‌تواند پیدا کند. مخصوصاً محافل مذهبی که ریشه‌دار است در کشور ما. اگر افرادی که تغذیه می‌کنند نشریه را کاری کنند که از نظر محتوا، از نظر علمی و هم از نظر شکل مطالب جاذبه داشته باشد، مخصوصاً برای جوان‌ها و هیأت‌های مذهبی می‌تواند جای خودش را باز کند.

شاعر

جواد محمد زمانی

انتشار نشریه‌ی ویژه‌ی هیأت‌های مذهبی یک پدیده‌ی مبارک است. کاری است که بر زمین مانده و خیمه آن را انجام داده. ما یک بخش عظیمی از اجتماع مان مذهبی و هیأتی است که در واقع این پتانسیل و این شخصیت در بین شیعه وجود دارد، از طریق هیئات مذهبی و محافل حسینی که مردم جمع می‌شوند و بعضی از مردم در هفته یا در ماه، یک بخشی از وقت خود را در این هیأت‌ها می‌گذرانند. اگر یک برنامه‌ریزی منسجم نشده باشد، ضرر فراوان می‌کنیم. تا حالا هم نگاهی که به هیئات مذهبی بوده، نگاه فله‌ای بوده و کم‌تر کار سیستماتیک و حساب شده انجام شده است. کار منظم با یک بینش بالا و با یک نظم فراوان، و دارای تشکیلاتی فکری، بسیار کم بوده است. خیمه در عرصه‌ی کار هیئات مذهبی، این خدمت را انجام داده است.

به نظر من خیمه اگر بخواهد موفق شود، باید در چند حیطة کار کند. یکی در حیطة‌ی عوام و دیگری در حیطة‌ی خواص. در حیطة‌ی عوام یک نشریه باید باشد که مخصوص جوان‌های هیأتی، خوراک فکری تهیه کند و آن جذابیت‌های لازم را داشته باشد. همین حیطة عوام هم تقسیم می‌شود به هیئات آقایان و هیئات خانم‌ها، که برای خانم‌ها کم‌تر کار شده است.

در حیطة خواص چند کار را می‌شود انجام داد. یکی برای مداحان اهل بیت، دوم برای سخنران‌های هیئات مذهبی و سوم برای شعرای هیئات مذهبی. این سه که تأثیرگذار هستند، و در واقع مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین کار در آن جا مطرح شود. حالا کارهای سایتی و کارهای دیگر هم که امروزه نیاز است و می‌شود انجام داد.



شاعر

سید محمد جواد شرافت

باید ما چند تا نشریه‌ی قوی داشته باشیم که مختص مجالس اهل بیت باشد. اصل زندگی ما همین هاست. در این مسئله‌ی عظیم فرهنگی و هیأت‌ها متأسفانه کم‌ترین کار می‌شود. در بخش آسیب‌شناسی و بخش فرهنگی و بخش‌های دیگر باید کار شود اما بودنش چگونه باشد، این یک مسئله است.

خیمه یک مسیر را ادامه داد، خیلی خراب کرد، خیلی جاها دره می‌شود، خیلی جاها قله می‌شود. اگر از تیم‌هایی که قبلاً کار می‌کردند، دو نفر هم می‌ماند، خیلی تیم قوی می‌شد. فکر می‌کنم زمانی دست‌عزیزی که هیأتی نبوده‌اند و آن روحیه‌ی هیأتی را نداشته‌اند، نگاه هیأتی را به مسائل هیأتی نداشته‌اند افتاد. فکر می‌کنم کمی خیمه از آن هدف اصلی‌اش که آموزش مداح‌ها و آسیب‌شناسی بود دور افتاد.

اگر خیمه برگردد به آن شعار اولیه که یک هیأت مکتوب است، خیلی بحث‌ها حل می‌شود. من فکر می‌کنم از آن فاصله گرفته است. یک هیأت مدرن شده است، خیلی نیروهای خوبی آمدند و از خیمه رفتند، یعنی اگر می‌ماندند، به نظر من خیلی پتانسیل داشتند.



اربعین خیمه

گزیده‌ای از مطالب منتشر شده در شماره‌های قبل ماهنامه خیمه

خواندن مقتل، پیشینه عمیق تاریخی دارد

مصاحبه اختصاصی خیمه با آیت‌الله حکیم

شماره ۵ صفحه ۷

خواندن مقتل، پیشینه عمیق تاریخی دارد. بسیاری از علما کتب مقتل تألیف کرده‌اند تا شعائر حسینی احیا گردد و آن چه ما اکنون می‌بینیم، نتیجه استمرار و زحمات طاقت‌فرسایی است که پیروان اهل بیت کشیده‌اند. این سنت چنان که شنیده‌ام با آیت‌الله العظمی شیخ محمد جواد بلاغی، که از علمای بزرگ و از مدافعان اسلام بوده، شروع شده است. او آثار بسیاری در تفسیر، کلام و گفت‌وگوی با ادیان الهی دارد.

هیأت‌های مجازی

گفت‌وگو با احمد نجمی، یک منبری اینترنتی

شماره ۷ صفحه ۱۲

نکته مهمی که اختصاص به وبلاگ‌های مذهبی دارد، این است که باز وبلاگ‌نویسی فراتر گذاشته‌اند و به یک جمع حقیقی تبدیل شده‌اند. بهمن ماه سال گذشته، در یک اقدام بسیار خوب ۱۵۰ نفر از بلاگرها به اردوی مشهد مقدس رفتند. چند بار هم به زیارت مسجد مقدس جمکران و حرم حضرت معصومه (س) آمده‌اند.

آزاد شده امام حسین (ع)

قطعاتی از زندگی رسول ترک

شماره ۲ صفحه ۳

رسول ترک هدایت شده‌ی امام حسین (ع) و آزاد شده‌ی او از بند اسارت دنیای مادی بود. او طعم حسینی شدن و لذت انسان واقعی شدن را چشیده بود و دلش می‌خواست این شیرینی را به کام دیگر دوستان قدیمش، که هنوز در گمراهی و ضلالت بودند، نیز بچشانند.

مستجاب نکن!

به کوشش علی مه

شماره ۴ صفحه ۱۷

خدایا! دعای بابا را که می‌گوید: «خدا کنده تجدید بیاوری آن وقت من می‌دانم و تو» را مستجاب نکن!
خدایا! دعای مامان را وقتی که اذیتش می‌کنم و می‌گوید: «الهی درد بگیری، بچه» را مستجاب نکن. اما به جایش دعای او را، وقتی که درد می‌گیرم و مریض می‌شوم و او می‌گوید: «خدایا به حق باب الحوائج بچه‌ام را شفا بده» مستجاب بکن.
خدایا! دعای آبجی کوچیکه وقتی خوراکی اش را قاب می‌زنم و او می‌گوید: «کوفت بشود» را مستجاب نکن.

هیچ گفتی از که دارم آبرو؟

مصاحبه با حاج علی انسانی

شماره ۱ صفحه ۳۲

بزرگ‌ترین کرامت ابا عبدالله (ع) این است که علی انسانی می‌آید از حضرت دم می‌زند و با آن که بویی از نوکری اهل بیت نبرده، آقاروز به روز به آن جلوه می‌دهد و آبرو می‌بخشد. چه کرامتی از این بالاتر! اگر پرده را بالا بزنند و مردم باطن کار ما را بدانند، خاک‌مان هم نمی‌کنند.

رنگ سیاه رنگ حیرت

گفت‌وگو با حمیدرضا عجمی

شماره ۲ صفحه ۱۳

وارد هیأت امام حسین (ع) که می‌شویم، متوجه می‌شویم که هیأت را مشکی پوش کرده‌اند. آن جا بر خلاف آن چه که خیلی‌ها معتقدند، مشکی سمبل و نشان عزاداری برای امام حسین (ع) است. سیاه، رنگ «حیرت» است؛ شما در مقابل رنگ سیاه که قرار می‌گیرید، تفکرتان ثابت می‌شود. چرا که این رنگ، بسیار عمیق است، و همان طور که نور به آن می‌خورد و بر نمی‌گردد، ذهن شما وقتی می‌خواهد در رنگ سیاه نفوذ کند، به انتهای رنگ سیاه نمی‌رسد؛ انسان وقتی چیزی را بررسی کند و نتواند به عمقش پی ببرد، دچار حیرت می‌شود.

روضه خوانی با کراوات و ریش تراشیده

گفتگو با همسر، شهید اندرزگو

شماره ۸ صفحه ۲۸

«سید» خیلی به مادرش حضرت زهرا(س) علاقه داشت. به یاد دارم در زمان رژیم شاه اتفاقی در زابل برای ما افتاد؛ سید به من دلداری می داد، گفت: اصلاً نگران نباش، من همین الان متوسل به مادرم حضرت زهرا(س) شده‌ام. ان شاء الله مشکل به راحتی حل می شود، نگران نباشید! همین طور هم شد. موقع حرکت اتوبوس، «سید» به دیوار پاسگاه اشاره کرد و گفت: بین عکس مرا به عنوان مجرم فراری روی دیوار نصب کرده اند! البته روی دیوار بالباس روحانیت بود، اما سید در آن زمان کت و شلوار پوشیده و کراوات زده بود. بعد از حرکت ماشین، من نفس راحتی کشیدم. «سید» گفت: نگفتم مادرم حضرت زهرا(س) کمک می کند؟!

خودم از یک مداح معروف شنیدم

روضه‌های ساختگی و تحریفات در روضه‌ها

شماره ۹ صفحه ۱۳

گاه دیده شده که بعضی از این مداحان جلسات زنانه، می‌خواهند از فضیلت حضرت زهرا(س) بگویند، درباره مقام عبادت حضرت، بیش از حد غلو می‌کنند و بازبان گریه و مرثیه می‌گویند: حضرت آن قدر در محراب عبادت به راز و نیاز با خدا مشغول می‌شد که از زیر پای ایشان، خون جاری می‌گشت!

مصاحبه با یک بچه هیأتی

کارکردهای هیئت از دید یک نوجوان

شماره ۱۰ صفحه ۴۹

خیمه نوجوان: عضویت در هیأت چه تأثیری در اخلاق و رفتارت داشته است؟
-از زمانی که عضو هیأت شده‌ام، بیشتر مراقب اعمال و رفتارم هستم؛ چون مردم به یک بچه هیأتی جور دیگری نگاه می‌کنند و از انتظار دیگری دارند، که مبادا از او خطایی سر بزنند.

شرط غلام بودن، اخلاص است

مصاحبه با حاج علی اصغر سیف

شماره ۱۴ صفحه ۳۷

دوستان گفتند ما که راهمان دور است و هر شب جمعه نمی‌توانیم برویم. برخی هفته‌ها می‌رویم شاه چراغ و به جای جمکران نماز حضرت را آن جا می‌خوانیم. این کار شروع شد و نیت، یک دوره چهل هفته‌ای بود. هفته اول به قم رفتیم، چند هفته میانی را هم به قم رفتیم و هفته آخر هم قم بودیم. پرچمی هم داشتیم که روی آن نوشته بودیم: یالثارت الحسین. بعد یک دوره چهل هفته‌ای دیگر شروع کردیم. بعد از چند سال مانوشته‌ی این پرچم را به مناسبت ایام به «یالثارت الفاطمیه» تغییر دادیم، چون امام عصر (عج) برای انتقام خون مادرشان هم می‌آیند، همان طور که برای انتقام خون همه انبیا می‌آیند. خلاصه هر چهل دوره‌ای که می‌رفتیم قم، یک پرچم به مناسبت آن ایام داشتیم. حالا یازده پرچم داریم، یعنی یازده دوره به مناسبت‌های مختلف.

جلوه‌های رفتاری امام حسین(ع)

دکتر غلامرضا رحمدل

شماره ۱۵ صفحه ۱۷

امام حسین (ع) در مرحله نخست حرکت، از مکه تا ثعلبیه و قبل از شنیدن خبر شهادت سفیرانش عبدالله بن یقظر و مسلم بن عقیل در مسیر راه با متنفذین و نخبگان مؤثر و قدرتمند مذاکره می‌کرد و آن‌ها را تشویق می‌نمود که به نهضت بپیوندند، اما از ثعلبیه به بعد، که خطر جدی‌تر شد و ادامه راه، نیروهای تزکیه شده و آبدیده را طلب می‌کرد، می‌کوشید که با برداشتن بیعت خود از دوش همراهان و نشان دادن مهالک خطر و به تصویر کشاندن سیمای خونین راه بی‌برگشت، آن‌ها را در بازگشت به خانه و کاشانه خود آزاد گذارد.

حضرت همه اشعار مرا می‌دانند

مصاحبه با حبیب‌الله چایچیان (حسان)

شماره ۱۱ صفحه ۸۵

در یکی از برنامه‌ها که در دانشگاه داشتیم، مدح یا مرثیه‌ای که درباره حضرت زهرا(س) سروده بودم، خواندم. یک جوان با چهره‌ی نورانی، اشک‌ریزان آمد و مرا در بغل گرفت. گفت: آقای حسان! شنیده‌ام خاطرات زیبایی از سرودن اشعارتان یا چاپ کتاب‌هایتان یا ملاقات با علامه امینی دارید. شما را به خدا این‌ها را چاپ کنید! گفتیم: حقیقت این است که من هر کدام از خاطراتم را که بگویم، چون به نحوی در آن عنایتی از طرف ائمه اطهار (ع) است و این ممکن است غیر مستقیم خودستایی باشد، لذا به این نتیجه رسیدم حالا که درخواست‌ها زیاد است، بهتر است این خاطرات را بعد از فوت من چاپ کنند. آن جوان هم با خلوص نیت گفت: ان شاء الله که به زودی چاپ بشه! (در حالی که من شرط چاپ را فوت خودم قرار داده بودم!)

مؤسس هیأت‌های سیار

معرفی عارف کامل آیت‌الله شاه‌آبادی

شماره ۱۲-۱۳ صفحه ۶

تأسیس هیأت‌های سیار نمونه‌ای از فعالیت‌های ایشان بود. این ابتکار در جامعه‌ی آن روز، گذشته از آن که در ترویج و تبلیغ معارف اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار بود، در مبارزات سیاسی هم نقش اساسی و عمده‌ای را ایفا می‌کرد.

رسالت نوکری اهل بیت (ع)

توصیه‌های حاج منصور ارضی برای مداحان

شماره ۲۲ صفحه ۸

مجلسی که قبل از شروع با شوخی بی جا و بیهوده گویی همراه است، و در آن به خواندن یک روضه اکتفا کرده و پیامد آن هم لهو و لعب می‌باشد، باطل است. مجلسی که مداحان و نوکرها به اصطلاح روی دست یکدیگر بلند می‌شوند و می‌خوانند و کشتی می‌گیرند هم باطل است. مجلسی که به جای پند و اندرز و به جای شعرهای آموزنده از قبر و قیامت، در آن از چاپلوسی استفاده می‌شود، و اصلاً صحبتی از خدا و اهل بیت (ع) نمی‌شود، باطل است.

SMS

آسیب‌شناسی پیام‌های مذهبی

شماره ۲۳ صفحه ۱۳

داشتم برای خواب آماده می‌شدم که زنگ هشدار در یافت پیام به صدا درآمد. با کنجکاوی تمام به سراغ گوشی همراه رفتم و مشغول خواندن شدم: ... امشب ۹ تا یا امام رضا (ع) بگو و این sms رو برای ۸ نفر بفرست. مطمئن باش تا فردا شب خبر خوشی به تو می‌رسه؟! بی توجهی نکن و گرنه اتفاق بدی واست می‌افته!.

مدتی این مثنوی تأخیر شد

آسیب‌شناسی جریانهای عزاداری و مداحی

شماره ۲۴ صفحه ۴۴

سیدذاکر که بود؟ شاید عده‌ای در جواب ما بگویند: جوانی ۳۰ ساله که مداحی را با سبک خاص پاپ که تازه باب شده بود، می‌خواند و جوانان زیادی را با این شیوه‌ی خواندن، دور خود جمع کرده بود. این شیوه معرفی که به ظاهر از انصاف و عدالت دور است برگرفته از نگاهی بدبینانه نسبت به مداحی سیدذاکر است، به جز آن چه مربوط به اخلاقیات و روحیات خالصانه و خدایسندانه اوست. سید ذاکر نه مداح صاحب سبکی بود که بتوان در باره‌ی سبک بدیع او سخن گفت و آن را نقد کرد، و نه با مداحی خود، فرهنگ قابل دفاعی را رواج داد که با مرگ او نگران محو و نابودی آن باشیم!

بینش آخر الزمانی اهل کتاب

ترجمه کتاب گریس هال سل

شماره ۱۹ صفحه ۱۲

لیندسی با قطعیت اظهار می‌کند: نسلی که از ۱۹۴۸ به این سو به دنیا آمده است، شاهد عینی دومین ظهور مسیح خواهد بود. اما پیش از آن رویداد، ما باید هم جنگ یا جوج و مأجوج را ببینیم و هم نبرد هارمجدون را. کشتار همه‌سوزی بدین گونه آغاز خواهد شد: همه عرب‌ها به اضافه کنفدراسیون روسیه، به اسرائیل هجوم خواهند برد.

اخلاق مخا براتی

حجت الاسلام جواد محدثی

شماره ۲۰ صفحه ۱۲

در عصر ارتباطات، انزوا پذیرفتنی نیست و زندگی بی‌رابطه، مرگ روح است. باید دیش رحمت‌گیر را بر بام بلند نیایش نصب کنیم و در یافت کننده دل را روی طول موج اجابت تنظیم کنیم، تا صدای استجابت دعا به گوش دل مان برسد. اگر امن یجیب که رمز اجابت است نتوانست خط ما را با خدا مرتبط سازد، باید دید کدام گناه و غفلت موجب قطع تماس شده است؟ گاهی قساوت دل و غذاهای حرام و دوستان بد، در سیستم ارتباطی ما با خدا اختلال ایجاد می‌کنند و خطوط تماس را می‌پوسانند و صدای مان به خدا نمی‌رسد.

کارکرد اجتماعی هیأت‌های مذهبی

سید منصور مجد الاشرافی

شماره ۲۱ صفحه ۱۴

یکی از کارکردهای بسیار مؤثر هیأت‌های مذهبی، الگوسازی، مبتنی بر دین‌باوری و رعایت هنجارها، ارزش‌ها و اخلاقیات است. یکی دیگر از کارکردهای هیأت‌های مذهبی، مساعدت و بستر سازی و کمک به انسان‌ها برای تعالی جویی و فضیلت‌طلبی است. از دیگر کارکردهای اجتماعی مؤثر هیأت‌های مذهبی و دیگر نهادهای دینی، کنترل غیر مستقیم جامعه و افزایش حال و هوای معنوی است.

عباس کاش تو هم منبر می‌رفتی!

حاج شیخ عباس قمی؛ اسوه اخلاص

شماره ۱۶ صفحه ۴۰

محدث قمی (ره) برای فرزند بزرگش چنین نقل کرد: «وقتی کتاب منازل الاخره را تألیف و چاپ کردم و به قم آمدم، این کتاب به دست شیخ عبدالرزاق که همیشه قبل از ظهر در صحن مطهر حضرت معصومه (س) مسئله می‌گفت افتاده بود. مرحوم پدر، کر بلایی محمدرضا از علاقه‌مندان شیخ عبدالرزاق بود و هر روز در مجلس او حاضر می‌شد. شیخ عبدالرزاق، روزها کتاب «منازل الاخره» را گشوده و برای مستمعین می‌خواند. یک روز پدرم به خانه آمد و گفت: «شیخ عباس! کاش مثل این مسئله‌گو می‌شدی و می‌توانستی منبر بروی و این کتاب را که امروز برای ما خواند، بخوانی». چند بار خواستم بگویم آن کتاب از آثار و تألیفات من است، اما هر بار خودداری کردم و چیزی نگفتم. فقط عرض کردم: دعا بفرمایید خداوند توفیقی مرحمت فرماید.»

همسران مداحان بخوانند!

صفحه‌ی زینبیه

شماره ۱۷ و ۱۸ ص ۲۲

اولین توصیه این که به همسران افتخار کنید و از صمیم قلب به او بگویید که به وجودش افتخار می‌کنید. مسائل و مشکلات مالی را طوری بیان نکنید که خدای نکرده در درازمدت در انتخاب مجلس و هیأت به پاکت آن توجه کند. اگر برای اجرای مراسم مایل است برای مدتی دور از خانه باشد، به او اطمینان دهید که علی‌رغم مشکلاتی که در غیاب او ممکن است پیش آید، با رفتن او اصلاً مخالفتی ندارد. روی مبلغ پاکت او اصلاً حساب نکنید، شاید او بخواهد مراسم‌هایی بدون دریافت مبلغ داشته باشد. در این جور موارد با خوشحالی او را تأیید و تشویق نمایید.

مراسم حُسی در تیرینیداد

تحریرات در مراسم عزاداری تیرینیداد

شماره ۲۹ و ۳۰ ص ۱۵

وقتی دین بر نامه می شود

مشکلات پرداختن به دین در صداوسیما

شماره ۳۷ صفحه ۶

مهمان برنامه، به صندلی لم داده و درباره رنج و دردی که حضرت در دوران امامتش کشیده، صحبت می کند. مجری هم با تکان دادن سر نشان می دهد که حواسش به حرف های مهمان است. عکس بزرگی احتمالاً از مرقد امام (ع) با آرم شبکه و روبان مشکی، سمت چپ و راست، فضا را برای دیدن تنگ کرده اند. تصویر مهمان، درشت می شود و تمام صفحه تلویزیون را می گیرد و عبور زیر نویس هایی که شهادت آن امام همام را تسلیت می گویند، تنها چیزی است که حواس بیننده را پرت می کند.

رابطه ارگانیک عاشورا و فتوحات اسلام

دکتر غلامرضا ظریفیان

شماره ۳۸ و ۳۹ ص ۴۱

اگر یک نگاه اجمالی به غزوات و سرایای پیامبر (ص) که نزدیک به هشتاد غزوه و سریه گزارش شده، داشته باشید، ملاحظه می کنید تمام تلاش پیامبر (ص) در جنگ با دشمنانش این بوده که حتی از دشمنانش کم تر کشته شود. مهم ترین غزوات پیامبر (ص)، غزوه خندق است که اگر پیامبر (ص) آن را مدیریت نمی کرد، هزاران نفر کشته می شدند، ولی پیامبر (ص) به گونه ای مدیریت کرد که در این جنگ تعداد اندکی کشته شدند.

نهضت عاشورا و سینمای معنا دار

ارتباط سینمای معناگرا و نهضت عاشورا

فصل نامه ۱ صفحه ۵۱

نهضت عاشورا را نیز می توان در ارتباط با سینمای معناگرا تبیین کرد به شرط آن که اولاً مایه های معنایی لازم از بطن روایات موثق تاریخی استخراج شوند و در متن فیلم نامه صیقل یابند. و ثانیاً فیلم ساز دغدغه و روحیات مقتضی جهت پرداخت یک داستان معناگرا و فرا واقع گرا را داشته باشد.

طی یک قرن گذشته یا حتی قبل از آن مهم ترین حادثه حزن بر انگیز تاریخ شیعه یعنی عاشورا، در تیرینیداد به یک «جشن» یا جشنواره تحت عنوان جشنواره «حُسی» همراه با کارناوال تغییر یافته است؛ جشنواره ای که بعد از محبوب ترین جشنواره سال تیرینیداد، در تبه دوم قرار دارد. هر ساله بانیان شیعی مراسم حُسی در تیرینیداد، مشتاقند تا مراسم یادبود این حادثه ای غم انگیز را برپا کنند. به دلایل مختلف، آن ها به این مراسم به عنوان یک جشن یا یک مراسم شادی آور می نگرند و بنا بر این از اعمالی چون میگساری، پاکوبی و دست افشانی سود می جویند.

دایره المعارف ۶۰۰ جلدی امام حسین (ع)

اخبار عاشورایی

شماره ۲۱ و ۲۲ ص ۵۷

دایره المعارف ۶۰۰ جلدی امام حسین (ع) که بزرگ ترین دایره المعارف جهان محسوب می شود، تألیف آیت الله محمد صادق کرباسی، کامل ترین دایره المعارف پیرامون حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است.

نقد تذهیب

یادداشتی به بهانه انتشار «پرده عشاق»

شماره ۲۳ و ۲۴ ص ۵۸

کتاب و CD هشت گانه صوتی که در یک بسته شکیل و خوش رنگ و با عنوان پرده عشاق ارائه شده است، حاوی اجراهای زنده و بدون قصد و منظور قبلی برای ضبط و تهیه آلبوم از ۲۸ تن از پیرغلامان و ذاکران و خوانندگان مدح و مرثی است که به راستی قابل تحسین و تقدیر است.

محاصره اش کرده بودند

سخنرانی منتشر نشده امام موسی صدر

شماره ۳۵ و ۳۶ ص ۶۸

واقعه کربلا یک نبرد جدا افتاده و پدیده ای یگانه در تاریخ انسان نیست، حلقه ای ویژه است و به طور طبیعی، با دیگر حلقه های تاریخ نبرد، تفاوت دارد. چنان که این حلقه با گذشته پیوند دارد، با آینده نیز در پیوند است.

جامعه معرفتی، معرفت اسلامی

یادداشت مدیر مسئول

شماره ۲۵ و ۲۶ ص ۳

در جامعه ایده آل، باید همه کنشگران اجتماعی، جرأت دانستن پیدا کنند و به بلوغ معرفتی دست یابند، و از رهگذر آن، به این نکته توجه کنند که با کاربرد معرفتی که ریشه در عدالت، عقلانیت و عرفان دینی دارد، و با باز تعریف مفاهیم جامعه شناختی عصر حاضر، هم چون جامعه اطلاعاتی، جامعه پسا صنعتی، و... می توان جامعه ای تعریف کرد که ما آن را «جامعه معرفتی» می خوانیم.

دعای نامی خواندیم، می خوریم

اصغر ملایی از نیاپیش های ده سال اسارت

شماره ۲۷ و ۲۸ ص ۴۲

گفت و گو با آزاده ها، کار دشواری است. سخت است به چشم هایشان خیره شویم و کنجکاوانه سؤال کنیم: «چگونه شکنجه می شدید»؟

ده ها اسیر چه طور از یک مفاتیح استفاده می کردند؟

- برای قرآن و نهج البلاغه و مفاتیح، ساعت گذاشته بودیم تا در هر ۴۲ ساعت، هر نفر بتواند دست کم یک ربع از آن ها استفاده کند. یکی از بچه ها مسئول بود که سر ساعت کتاب را تحویل دهد و سر ساعت پس بگیرد. یادم می آید هر کدام از بچه ها چند دقیقه قبل از آن که نوبت شان شود، از خواب بیدار می شدند تا حتی یک دقیقه از زمان شان از دست نرود.

موضوع	نویسنده	شماره	صفحه نشریه
نجوا با عاشورا	محمد رضا حکیمی	۱	۸
فرهنگ اصطلاحات مداحی	سید مهدی حسینی	۱	۱۳-۱۲
حائری یزدی / شاهرودی / علامه / کافی / عجمی (پیرغلامان)		۱	۱۹-۱۸
جرعه‌نوش جام عشق اهل بیت (مرحوم حاج اسماعیل دولابی)		۱	۲۱-۲۰
گریه		۱	۲۷-۲۶
فن رسا (مداحی و مرثیه‌خوانی)	مرتضی وافی	۱	۳۱-۳۰
پنجره‌ای از نگاه شما	احمد نجمی	۱	۳۵
عزاداری در استان لرستان	لیلا منصوری	۱	۳۷-۳۶
عاشورا در کشور آلمان	عبدالکریم بی‌آزار شیرازی	۱	۳۸
بانی خیر	سید محمود سادات اخوی	۱	۳۹
آن منبر که می‌لرزید	علی مهر	۱	۴۳-۴۲
شیوه‌ها و راهکارهای ارزیابی یک برنامه مداحی	سید مهدی حسینی	۱	۴۵
شاعر مداح، مداح شاعر	سید مهدی حسینی	۲	۵۳
نوحه و جایگاه موسیقایی آن		۲	۱۱-۱۰
بهره‌های مداح از تاریخ و سیره اهل بیت (ع)	محسن جعفری	۲	۱۵-۱۴
حالا زینب تماماً حسین شده است	سید مهدی شجاعی	۲	۲۳
عاشورا در کشور کانادا	امیر حسین پیرمرادی	۲	۴۳
عزاداری در خوانسار	منصور سعیدی	۲	۴۵
مراسم امام حسین (ع) در بین آذری‌زبان‌ها	جهانگیر راحمی	۲	۴۷-۴۶
تحلیل واقعه‌ی کربلا از زبان دکتر سید جعفر شهیدی		۲	۴۹-۴۸
رسول ترک		۳	۳
جرعه‌نوش کوثر ولایت (مرحوم کوثری)		۳	۵-۴
آغاز امامت امام مهدی (عج)	سید صادق سیدنژاد	۳	۷-۶
فرهنگ اصطلاحات مداحی	سید مهدی حسینی	۳	۷
آیین هیات‌های عزاداری	علیرضا پناهیان	۳	۲۹-۲۸
یک کار کوچک اما اثری عظیم		۴	۱۸
فرهنگ منبر	محمد ناصر رفیعی	۴	۲۱
روان‌شناسی عزاداری	محمد کاویانی	۴	۲۲
سیر در ساحت ملک و ملکوت		۴	۳۰
راز اجابت دعا	سلیمیان	۴	۳۳
زینب خیمه‌آرای حقیقت	ناهد طیبی	۵	۵-۴
فاطمه زهرا، شب خدا	زهره اقرلقاش	۵	۲۰
فرهنگ عزاداری زنان	فاطمه محمدی	۵	۲۳-۲۲
سحرم دولت بیدار به بالین آمد (حاج محمد مؤمنی)		۶	۹-۸
فرهنگ منبر	ناصر رفیعی	۶	۳۵
رندان بلاکش	سید غلامرضا حسینی	۶	۳۶
وظیفه جوانان هیأتی در زمان غیبت امام زمان (عج)	سید صادق سیدنژاد	۷	۳
شعر آیینی / شاعر آیینی	محمد رضا اثری	۷	۷
شعر آیینی / شاعر آیینی	محمد رضا اثری	۸	۱۱
رتبه چهارم پزشکی یا اول عاشقی		۸	۱۹
عقیق (بحر طویل)	حسن فقیه	۸	۳۳
گلستانی بر ساحل دریا	غلامحسین رفیعا	۹	۳
شاعر آیینی	محمد رضا اثری	۹	۲۱
نشانه‌هایی در مداحی امروز		۹	۴۱
معصومه، فاطمه‌ای دیگر	سید محمد بابامیری	۱۰	۵
یا جوادالائمه ادرکنی	زهره رضایی	۱۰	۷
گلستانی بر ساحل دریا	غلامحسین رفیعا	۱۰	۱۷-۱۶
بزرگ‌ترین عید	حمزه کریمخانی	۱۰	۲۱
هیات زادگاه هنری شیعه است		۱۱	۳
گلستانی بر ساحل دریا	غلامحسین رفیعا	۱۱	۷
روی نوار مداحی		۱۱	۸۶
به همه سختی‌ها، دلخوش به عنایات سیدالشهدا (ع) هستیم		۱۳-۱۲	۳
گلستانی بر ساحل دریا	غلامحسین رفیعا	۱۳-۱۲	۹

۱۳	۱۳-۱۲	رحمدل	جلوه‌های رفتاری امام حسین (ع) در عرصه مدیریت
۱۹	۱۳-۱۲	مجدالاشرفی	هیأت مذهبی چیست؟ مدیر هیأت کیست؟
۵۶	۱۳-۱۲	امیدقادری	رفع القلم
۳	۱۴	مرتضی وافی	هدف خلقت، معرفت است
۱۵	۱۴	غلامحسین رفیعا	گلستانی بر ساحل دریا
۳۰	۱۴	گنجی	فاطمه مردآفرین دهر
۱۷	۱۵	رحمدل	جلوه‌های رفتاری امام حسین (ع) در عرصه مدیریت
۲۸	۱۵	حمید حسینی	خلوت و تفکر
۳۶	۱۵	طیبه رضوانی	عطر شب‌بوهای مناجات
۳۷	۱۵	الهام موگویی	نامت بهار، نامت زیباترین ترنم
۴۰	۱۵	حمزه کریم‌خانی	اعتکاف جلای جان
۹	۱۶	رفیعا	گلستانی بر ساحل دریا
۱۸	۱۶		در مسلخ عشق جز نکور انکشند
۲۶	۱۶	محمد جوادزمانی	سواره می‌رود ولی پیاده می‌آید
۲۸	۱۶		نگاهی به مجموعه‌های شعری شاعران اهل بیت
۳۹	۱۶		یوسف خریدنی است ولی ما فروختیم
۴۲	۱۶	رحمدل	جلوه‌های رفتاری امام حسین (ع) در عرصه مدیریت
۴۹	۱۶		نقش هیأت در تاریخ انقلاب
۵۴	۱۶	هادی منش	آسیب‌شناسی سوگواری عاشورایی
۳	۱۸-۱۷	مرتضی وافی	هیأت‌های حزبی، احزاب هیأتی و موج دوم
۱۲	۱۸-۱۷	خسرو اسدی	بینش آخرالزمانی اهل کتاب
۱۵	۱۸-۱۷	هادی منش	آسیب‌شناسی سوگواری عاشورایی
۱۸	۱۸-۱۷		حنجره‌ای فقط برای خدا (مؤذن زاده)
۲۶	۱۸-۱۷	محمد جوادزمانی	پیاده می‌رود اما سوار می‌ماند
۲۸	۱۸-۱۷	اکبرزاده	نگاهی به مجموعه شعرهای شاعر اهل بیت
۳۴	۱۸-۱۷	آنه ماری شیمل	حسین بن علی راز خداست
۴۲	۱۸-۱۷		دور خیمه‌گاه
۴۵	۱۸-۱۷		زایش موسیقی مذهبی در ایران
۷	۱۹		یک قرن پارسایی
۱۲	۱۹	خسرو اسدی	بینش آخرالزمانی اهل کتاب
۱۶	۱۹	محسن جعفری	بهره‌های مداح از تاریخ و سیره اهل بیت (ع)
۱۸	۱۹		نغمه‌های پاک
۲۰	۱۹	هادی منش	آسیب‌شناسی سوگواری عاشورایی
۴۷	۱۹		شرحی در خصوص آداب و رسوم مردم طیس
۴۸	۱۹	رحمدل	خودجوشی یا هم‌جوشی هیأت‌ها
۵۳	۱۹		تعزیه، از آغاز تا امروز
۵۸	۱۹	اشرفی	علی (ع) امروز هم تنه‌است
۶۱	۱۹	لیلا عنبر حیدری	پیامبر عاشورا
۶۲	۱۹	هادی نیلی	عاشورائیان
۴	۲۰	مرتضی وافی	هیأت‌ها، همبستگی ملی، مشارکت عمومی
۶-۵	۲۰	متولیان	عشق، مدح، ابتدال
۱۰	۲۰	خسرو اسدی	بینش آخرالزمانی اهل کتاب
۳۰	۲۰		اشعار مذهبی روی ملودی‌های لس آنجلسی
۳۵	۲۰	مرتضی وافی	ده گام تا هیأتی شدن
۳۸	۲۰	محسن جعفری	بهره‌های مداحی از تاریخ و سیره اهل بیت (ع)
۴	۲۱		دیوار کوتاه مداحی
۱۰	۲۱	خسرو اسدی	بینش آخرالزمانی اهل کتاب
۱۴	۲۱	مجدالاشرفی	کارکردهای اجتماعی هیأت‌های مذهبی
۱۶	۲۱	رضا استادی	صلح امام حسن (ع) مانند قیام امام حسین (ع)
۲۲	۲۱	ملکی تبریزی	آداب وعظ و خطابه
۳	۲۲	مرتضی وافی	امام حسن (ع) برای همه و همیشه
۴	۲۲	محبوبه زارع	تابلویی به وسعت تمام خلقت
۶	۲۲		بزرگداشت عاشورا از حرف تا عمل
۱۶	۲۲		علم
۱۸	۲۲	سعادت پرور	چرا امام حسین (ع) قیام کرد؟

۲۴	۲۲	ملکی تبریزی	مراقات ماه محرم
۳۸	۲۲		نقدی بر خود (روی نوار مداحی)
۴۰	۲۲	حسن ابراهیمزاده	نقش امام حسین (ع) در احیای تمدن اسلامی
۴۵	۲۲		فضیلت‌های زیارت امام حسین (ع)
۴۸	۲۲		آسیب‌شناسی مجالس عزاداری
۵۱	۲۲		فلسفه عزاداری برای اهل بیت (ع)
۲	۲۳	مرتضی اسکندری	گریه در قرآن
۸	۲۳	میرجعفری	نگاهی به گنجینه‌الاسرار عمان سامانی
۲۰	۲۳	جمشیدی	شهر و دشنه
۲۸	۲۳	هوشنگ جاوید	موسیقی و حماسه
۳۶	۲۳	رضا امیرخانی	همین جوری به خاطر محرم
۴۰	۲۳	سادات اخوی	ضحاک تنها مبارز کربلا
۴۴	۲۳	سید احمد میر احسان	مناظر هنر عاشورایی
۵۰	۲۳	مهرزاد دانش	نهضت عاشورا و سینمای معنادار
۵۲	۲۳	علی‌رضا پور امید	ظرافت‌های ذکر و ملاحظت‌های مدح
۵۸	۲۳	جوهرچی	هیأت نقد و نقد هیأت
۱۶	۲۳	سجادی‌زاده	نظم و برنامه‌ریزی مهم‌ترین جاذبه و پشتوانه هیأت
۲۶	۲۳	محمدزمانی	یادآوری سه عبرت بزرگ
۳۸	۲۳	راهی	مقتل به زبان امروز
۴۱	۲۳		یک شعر، یک نقد
۴۵	۲۳	میرداماد	یادداشت‌هایی در مورد آموزش فن مداحی
۴۸	۲۳	معصومی	هر نفس آواز عشق
۱۲	۲۴	میرداماد	یادداشت‌هایی در مورد آموزش فن مداحی
۱۴	۲۴	معصومی	هر نفس آواز عشق
۴۰	۲۴	حسینی	اعتکاف یعنی
	۲۴	ایمنی	جامعه کبیره، مثنوی بلند عشق
۵۷	۲۴	طیپی	مداح و مداحی، آیین‌ها و راهبردها
۳	۲۶-۲۵	وافی	جامعه معرفتی‌معرفت اسلامی
۹	۲۶-۲۵		اماکن مذهبی برای رقابت نیست
۱۰	۲۶-۲۵		جمکران (بازتاب)
۱۴	۲۶-۲۵	حسام نظری	قضای در باب هیأت‌های مذهبی نوپدید
۱۷	۲۶-۲۵		جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا
۲۰	۲۶-۲۵	محقق	اینک مناسبتی برای هنر
۲۴	۲۶-۲۵	سادات اخوی	ما از کجا؟ عشق از کجا؟
۲۶	۲۶-۲۵	آقاجانی قناد	مقاله برگزیده سوگواره بهای وصل
۳۲	۲۶-۲۵	پاک‌دامن	آفتاب معرفت
۴۰	۲۶-۲۵	حسینی	زندگی سیاسی امام رضا (ع)
۴۴	۲۶-۲۵		معنویت پنهان و پیدای در هنر
۵۱	۲۶-۲۵	حسینی ایمنی	جامعه کبیره، مثنوی بلند عشق
۵۴	۲۶-۲۵	سجادی‌زاده	پشت دیوار بقیع
۵۶	۲۶-۲۵	سنگری	از کربلا گفتن
۳	۲۸-۲۷	وافی	معرفت‌شناسی، سنگ بنای تفکر دینی
۸	۲۸-۲۷	محقق	ایران، خطرناک‌ترین ملت جهان
۱۰	۲۸-۲۷	محسنیان راد	پذیرش مبتنی بر عاطفه / پذیرش مبتنی بر تعقل
۱۲	۲۸-۲۷	محدثین	نقد دینی دقت می‌طلبد
۱۴	۲۸-۲۷	سادات اخوی	ما از کجا؟ عشق از کجا
۱۶	۲۸-۲۷	آقاجانی قناد	عوامل ایجاد و گسترش تحریف
۱۸	۲۸-۲۷	خلیل‌نژاد	نور علی، نور در ذاکر و مذکور
۲۰	۲۸-۲۷		شمرشناسی
۲۲	۲۸-۲۷	دژاکام	نیایش‌های عاشورایی
۲۸	۲۸-۲۷	مهدوی	مذهبی، حافظ هنر
۳۰	۲۸-۲۷	جاوید	موسیقی هم یک وحی است
۳۲	۲۸-۲۷	رفیع‌پور	موسیقی مذهبی
۳۸	۲۸-۲۷		معماری اسلامی
۴۸	۲۸-۲۷	سجادی‌زاده	پشت دیوار بقیع

۵۸	۲۸-۲۷	زائری	مصباح دعا
۳	۳۰-۲۹	وافی	حسینیه‌های معرفت
۹	۳۰-۲۹	رسولی	این فقط قله کوه یخ است
۱۰	۳۰-۲۹	مظاهری	پشت صحنه میدان محسنی
۱۲	۳۰-۲۹	ابک	میدان محسنی در برابر پرسش عمیق
۱۵	۳۰-۲۹		مراسم حسی در ترینیداد
۱۸	۳۰-۲۹	اشرفی	نوآوری و بدعت در مجالس عزاداری
۲۰	۳۰-۲۹	آقاچانی قناد	عوامل ایجاد و گسترش تحریف
۲۸	۳۰-۲۹	شکارسری	در برزخ حرف و سکوت
۳۶	۳۰-۲۹	پور ایوبی	بررسی نهضت حسینی
۳۸	۳۰-۲۹		شمرشناسی
۴۰	۳۰-۲۹	گیویان	آیین در فرهنگ عامه
۴۲	۳۰-۲۹	بوزانی	تاریخ سرزمین آسمانی
۳	۳۲-۳۱	وافی	حسینیه‌های معرفت (۲)
۸	۳۲-۳۱	پژمان	شمایلی نگاری
۱۶	۳۲-۳۱	شکارسری	زخمه زخمی‌ترین فریاد
۳۶	۳۲-۳۱	ایوبی	بررسی نهضت حسینی
۳۸	۳۲-۳۱	بهشتی	شمرشناسی
۴۲	۳۲-۳۱	فکوهی	تحلیل نخبگان از مردم
۴۸	۳۲-۳۱	الهه جعفری	عزاداری در دو فضای واقعی و مجازی
۵۲	۳۲-۳۱	سادات اخوی	ما از کجا؟ عشق از کجا؟
۵۶	۳۲-۳۱	علی آقاچانی قناد	تعصب‌های بی جا و جمود فکری
۶۷	۳۲-۳۱	سید مهدی شجاعی	فاطمه راز آفرینش زن
۷۸	۳۲-۳۱		تشت گذاری در اردبیل
۱۲-۱۰	۳۴-۳۳	علی آقاچانی قناد	مراثی حضرت حسین (ع) و پیرایه‌ها
۱۹-۱۴-۱۳	۳۴-۳۳		آغاز چهل منزل
۲۱-۲۰	۳۴-۳۳		آتش در گلستان
۲۸	۳۴-۳۳	علی رضا پورامید	حدیث شیرین
۳۱-۳۰	۳۴-۳۳	حمیدرضا شکارسری	ریسک بزرگ
۳۲	۳۴-۳۳	سید جواد روشن	کلاف پیچیده تعریف
۵۵-۴۸	۳۴-۳۳		توضیح المسائل کوچک اعتکاف
۵۹-۵۸	۳۴-۳۳	علی رضا پورامید	نقد تذهیب
۷۳-۷۲	۳۴-۳۳	صادق شریعتی	خانه شیر
۷۹-۷۷	۳۴-۳۳	زهیر توکلی	مجال تفصیل نیست
۱۱-۱۰	۳۶-۳۵		اکران فرشته و شیطان
۱۳-۱۲	۳۶-۳۵	نیره رضایی مطلق	این شما این شیطان
۱۷	۳۶-۳۵	حسین وحدانی	ذاکر خودش می شود ذکر
۴۴	۳۶-۳۵		صدایی که دور شد
۵۰	۳۶-۳۵	ضیائی	قرآن منم چه غم که شود نیزه رحل من
۶۴	۳۶-۳۵	روشن	هنوز میان هنر و حوزه فاصله است
۷۸	۳۶-۳۵	موسویان	زنگ‌ها برای که به صدا درمی آیند
۶	۳۷	رضائی مطلق	وقتی دین برنامه می شود
۳۹	۳۷		نگاهی به شعر روز
۴۳	۳۷	موسویان	طنین یاد تو
۳۶	۳۷	سمانه روحانی	ما بهترین پس اندازیم
۳۸	۳۷	ایراقچی	از فاطمه که معصوم بود
۴۰	۳۷	حدادی	از بار تا کتاب
۴۴	۳۷	آستانی	ما، شهادت و کریستین امان پور
۵۴	۳۷	جاودان	آبروی آئین
۶۰	۳۷	سنگری	کربلا ۶۲ خیمه داشت
۶۲	۳۷	بندری	معصیت را خنده می آید ز استغفار ما
۶۶	۳۷	شیخ الاسلامی	مسلمانی قصه نیست
۷۱	۳۷	وحدانی	چه قدر قیصریم
۷۲	۳۷	گروه اندیشه	تقدیس تا حد اعجاب
۷۶	۳۷	اسدی	مرا می شناسید و می کشید

خیابان

پست جواب قبول نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست بر اساس قرارداد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

مشخصات فرستنده

نام و نام خانوادگی: استان: شهرستان: خیابان اصلی:

خیابان فرعی: کوچه: پلاک: طبقه: کد/صندوق پستی:

فرم اشتراك

هزینه اشتراك ماهیانه خیمه

پست سفارشی

پست عادی

شش شماره ۴۵۰۰۰ ریال

شش شماره ۳۰۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۹۰۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۶۰۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراك را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیبا (بانک ملی) **۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱** به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراك را دقیقاً تکمیل نموده، و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.
صندوق پستی: تهران ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

سلام همراه عزیز

یک صفحه سفید گذاشتیم برای شما ■ این دو صفحه به صورت پاکت نامه با پست جواب قبول طراحی شده است و نیازی به تمبر ندارد. ■ خانمها و آقایان، با هر سنی و با هر علاقه مندی می‌توانند در تحریریه خیمه قلم بزنند. ■ در تمام گونه‌های نویسندگی اعم از شعر، داستان، مناجات، یادداشت، مقاله و گزارش می‌توانید مطلب بفرستید تا به نامتان، و اگر خواستید با تصویرتان منتشر شود.

منتظریم